

گنجِ شایگان

تألیف

عبد الحمید شراق خاوری

مؤتسسہ ملی مطبوعات امری

۱۲۴ بدیع

مقدمه

منظور اصلی از این مقاله ذکر الواح مهمه جمال
قدم و شرح نزول و سال نزول هر يك و خلاصه ای از مندرجات
آنهاست گرچه آثار حق منیع مانند ذات بیهمالش محدود و
متناهی نیست و احصاء آثار نازله از قلم ابهی از حدود
امکان خارج است لکن مقصود نگارنده الواح مهمه الهیه^ت
است که حضرت ولی امرالله در ترجمه بعضی از آنها
از اصل به انگلیسی اهتمام فرموده اند و یا در توفیقات
انگلیسی نام آن را ذکر فرموده اند . قبل از شروع به
نگارش اصل موضوع بعنوان مقدمه به عرض میرساند که
سرعت نزول آیات الهیه از لسان الطاهر و کثرت آیات
منزله در نفس الواح الهیه مذکور و تصور آن از حد امکان
بیرون است . حضرت ولی امرالله در گام پای سزبای
در فصل وقایع ادرنه در این خصوص بیانی باین مضمون
میفرمایند :

" یکی از طائفین حول و اصحاب که خودش حاضر
و ناظر بوده نوشته است که آیات الهیه مانند باران شدیدی
نازل میشد بطوری که نگارش آن در حین نزول ممکن نبود

در هنگام نزول آیات میرزا آقا جان آیات را مینوشت و حضرت غمغن اعظم مرتبا به استنساخ و تسوید آیات مشغول بودند نبیل در تاریخ خویش نوشته است که :
 با آنکه عده کثیری شب و روز مشغول تحریر و تسوید آیات بودند ولی چنانچه باید و شاید از عهده بر نیامدند میرزا باقر شیرازی هر روز معادل دو هزار بیت مینوشت و شش هفت ماه باین کار مشغول بود هر ماه چند مجلد از آثار مبارکه که نوشته بود به ایران میفرستادند و قریب بیست جلد از الواح و آثار که با خط خوبی نوشته بود برای میرزا آقا جان بیادگار گذاشت .

جمالقدم در این خصوص در لوحی میفرمایند :

قوله تعالی . " بشأنی از غمام فضل امریه و سحاب فیض احدیه باطل که در يك ساعت معادل الفبیت نازل . "

و نیز میفرمایند :

" الیوم فضلی نزل امر شده که در يك یوم و لیل اگر اکتب از عهده برآید معادل بیان فارسی از سما " قدس ربانی نازل میشود . . . این ایام . . . معادل جمیع کتب قبل و بعد از قلم اعلی امام و جوه نازل . "

و در لوح دیگری راجع به کثرت نزول آیات در ادرنه میفرمایند :

" آنچه در این ارض موجود کتاب از تحریرش عاجز مانده اند چنانچه اکثری بی سواد مانده . " (س ۱۷۱)
 و در گاد پاسزبای در فصل وقایع عکا بیانی باین مضمون میفرمایند :

" الواح و آثار منیعه حضرت بها^۱ الله که عددش به صد
 مجلد بالغ . . . " (س ۲۲۰)

و در گاد پاسزبای در فصل وقایع بغداد میفرمایند :
 " نبیل زندی که در آن ایام بنفسه ناظر وقایع بوده مینویسد
 که وقتی مراجعت فرمودند در دو سال اول در هر شبانه
 روز معادل تمام قرآن از قلم مبارک آیات نازل میشد که اکثر
 سوادى از آن نمیگرفتند و آنچه که به خط همیکل مبارک بود
 یا در هنگام نزول امر به کتابت آن میفرمودند از جهت
 عظمت و قدرت و جامعیت خارج از حد تصور بود و قسمت
 اعظم آن آثار مقدسه از بین رفت . "
 و نیز نبیل از میرزا آقا جان کاتب وحی نقل میکند که
 میگفت :

" صدها هزار بیت از آیات مبارکه که اغلب آنها بخط خود
 همیکل مبارک بود حسب الامر مبارک همه را در شط بغداد
 ریختیم و محو نمودیم میرزا آقا جان گفته که پس از صدور
 امر مبارک بریختن آثار در شط من اندکی تأمل داشتم

همیگ مبارک فرمودند همه اینها را بریز در شطّ زیرا کسی
 دارای سمعی که قابل اصفاء این الحان الهیه باشد
 موجود نیست ریختن کتب و آثار مبارکه در شطّ منحصر
 بیک دفعه نبود بلکه بامر مبارک چند دفعه تکرار شد .
 آقا محمد کریم شیرازی نیز که در حین نزول آیات مشرف
 بود اظهار کرده است که نزول آیات از لحاظ سرعت
 و فصاحت و انسجام کلام بی نظیر و شبیه بود و به مراتب
 از آثار مبارکه حضرت ربّ اعلیٰ اجل و اعلیٰ بود من
 خودم در هنگام نزول آیات مشرف بودم همین سرعت
 نزول آیات بنفسه در اثبات عظمت و حقانیت همیگ مبارک
 برای اهل عالم کافی است و احتیاجی به برهان دیگر
 نخواهد بود . (ص ۱۳۸ انگلیسی)

باری نموی مبارکه در این خصوص بسیار است .
 پس از این مقدمه به اصل موضوع میپردازیم و الواح و آثاری
 را که از طهران تا عکا از لسان و قلم مبارک جاری و نازل
 گردیده مورد بحث قرار میدهم . بحول الله و قوته .

طهران - اشراق خاوری

آثار نازله در طهران

حضرت ولی امرالله در کتاب گاد پا سزه‌ای

در ضمن وقایع بغداد بیانی باین مضمون میفرمایند :

" . . . قصیده رشع عما که در طهران از لسان مبارک

جاری شده نخستین اثر کلک اطهر الهی است . . . "

(ص ۱۲۱ انگلیسی)

این قصیده در بین احباب معروف و مشهور است و نزول

آن به سال ۱۲۶۹ هـ . ق در سیاه چال طهران بوده

است.

الواح نازله در بغداد «مدینه الله»

قبل از هجرت بسلیمانیه

جمالقدم جل جلاله پس از ورود به بغداد و قبل

از عزیمت به سلیمانیه آثار مبارکه ای از قلم اطهرشان

تراوش کرده است که از آن جمله لوح مبارک کل الطعام

است که در سال ۱۲۲۰ هـ . ق در بغداد نازل شده

است . بشرح ذیل :

لوح کل الطعام

این لوح مبارك در تفسیر آیه قرآن " کل الطعام کان حلاً لبني اسرائيل " در بغداد قبل از ایام رضوان و انظار امر از قلم جمالقدم نازل شده . حضرت ولیسی امرالله در گاد پاسسزبای (ص ۱۱۶) بیانی باین مضمون میفرمایند :

" لوح کل الطعام بدرخواست حاجی میرزا کمال الدین نراقی که از بابیان اصیل و شریف و از خانواده نجیب بود در آن اوقات از قلم مبارك نازل شد . مشارالیه اول از میرزا یحیی ازل معنی آیه کل الطعام را سوال کرد یحیی تفسیری بآن آیه نوشت و مطالبی بهم بافت و برای حاجی کمال فرستاد چون حاجی کمال نوشتجات ازل را مطالعه کرد آنرا بی اندازه سست و بی مفز مشاهده نمود بطوری که اعتماد و توجهش به کلی از ازل سلب شد آنگاه به حضرت بهاءالله شتافت و تقاضای خود را از آن بزرگوار تجدید کرد . لوح کل الطعام در جواب او نازل شد . "

نزول این لوح قبل از هجرت همیکل مبارك به

سلیمانیه در سال ۱۲۷۰ ه . ق مطابق ۱۸۵۴ میلادی

در بغداد بوده است .

این لوح بصری نازل شده و بسیار مفصل است و در آن شرحی مبسوط از مصائب و بلاهای وارده بر هیگل مبارك و عناد و فساد معاندین و مفسدین مذکور گردیده و در همین لوح است که حضرت قدوس را بلقب نقطة الاخری ذکر فرموده اند و آیه قرآن را به چندین وجه تفسیر فرموده اند . از جمله اسرائیل را به نقطه اولی و طعام را به علم الهی تأویل نموده اند و معانی دیگر نیز برای آن در همین لوح مبارك بیان شده است . حاجی کمال نواده ملا مهدی نراقی از علمای دوره فتحعلی شاه قاجار است و کتابی در شهادت شهدای کربلا دارد بنام " محرق القلوب " که در قلمه ماکوسید حسین کا تب به امر حضرت اعلی برای آن حضرت به صدائی بنسبند میخواند و شرح آن در تاریخ نبیل مسطور است .

حاجی کمال الواح بسیار به اعزازش نازل شده و در سال ۱۲۹۸ هـ . ق در نراقی وفات یافت و قبرش در آنجا است . در روز خروج جمالقدم از بیت مبارك و عزیمت به باغ رضوان که همه اهل حرم و اصحاب گریان بودند حاجی کمال طفل کوچک خود را در جلو درب بیت به اقدام مبارك انداخت و طفل با دست کوچک خود

دامان مبارك را گرفت به این امید که از عزیمت صرفنظر
فرمایند نام این طفل علی بود و در لوح رضوان ایمن
مالمب از لسان رحمن نازل شده . قوله تعالی :
" . . . الی ان بلغ قرب سر الحجاب اذا شهد قد ام
رجله طفلا رضیما انقطع عن ثدی امه اخذ ذیل اللہ
بانامل الرجا و دعا " بندا " ضعیف . . . الخ
پسر خواجه کمال (حاجی کمال) در سن قریب
شصت سالگی در سینقان کاشان در سال ۱۳۳۷ ه .
ق به شهادت رسید و در بین مردم به معاون التجار
معروف بود .

آثار والواح نازله در سلیمانیه

یکی از آثار مهمه نازله در سلیمانیه قصیده معروف
به عز و رقائیه است .

قصیده عز و رقائیه

این قصیده در سلیمانیه از لسان مبارك نازل شده .
حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای در فصل وقایع

سلیمانیه بیانی به این مضمون در باره این قصیده فرموده اند
(س ۱۲۳ انگلیسی)

" چون علمای کردستان به عظمت مقام علمی و احاطه
مصنویه جمال قدم پی بردند در صد برآمدند که از آن
منبع فیوضات الهیه استفاده کنند و به حضور مبارک عرش
کردند که تا کنون هیچ کس نتوانسته بر منوال قصیده
تائیه کبری ابن فارسی منظومه ای انشاء نماید از محضر
مبارک رجا داریم که همان وزن و قافیه تائیه کبری قصیده‌ای
در حقایق روحانیه انشاء فرمایند جمالقدم قبول فرمودند
و منظومه ای بالغ بر دو هزار بیت انشاء نمودند و از آن
میان یک صد و بیست و هفت بیت را انتخاب نمودند
و بعلماء عنایت فرمودند و بقیه ابیات را که مفادش از
استعداد و حیاطه فهم و ادراک آنان بیرون بود بآنان
مرحمت نکردند و همین ۱۲۷ بیت است که قصیده عز
ورقائیه را تشکیل میدهد و در بین احباء مصروفست
علمای کردستان پس از تلاوت آن قصیده اقرار نمودند
که از هر جهت این قصیده بر دو قصیده مصروف ابن فارسی
ترجیح و تفضیل دارد و معانی آن در قلوب و ارواح اثری
شدید ایجاد میکند . . . " انتهى

نزول قصیده عز ورقائیه در جریان دو سال هجرت مبارک

از بندهار به سلیمانیه (۱۲۷۱ - ۱۲۷۰ هـ . ق مطابق
 ۱۸۵۳ میلادی) بوده است .

و از جمله آثار نازله در سلیمانیه قصیده مصروفه ای

است که مطلعش اینست :

ساقی از غیب بقا برقع برافکن از عذار

تا بنوشم خمر باقی از جمال ذوالجلال

آنچه در خم خانه داری نشکند صفرای عشق

ز ن شراب معنوی ساقی هم بحری بیار

الی قوله تمالی :

گر خیال جان همی هستت بدل اینجا میا

ور نثار جان و سر داری بیوا هم بیار

رسم ره اینست گر وصل بها داری طلب

ور نباشی مرد این ره دور شو زحمت میا ر

نزول این اثر مبارک بسال ۱۲۷۱ - ۱۲۷۰ هـ . ق بوده

است . آثار صادره در سلیمانیه از قبیل اوراد و ازکار

و ادعیه بسیار بوده و متأسفانه از بین رفته است . حضرت

ولی امرالله در سی ۱۲۱ گاد پا سزبای بیانی باین

مضمون فرموده اند که آثار مبارکه و اوراد و ازکار که

مع الاسف بر اثر حوادث و وقایع بیشتر آنها از دست رفته

در ایام هجرت و عزلت جمالقدم صادر شده بضمیمه لوح

كل الطعام و قصیده رشح عما^۱ که در طهران نازل شده
از نخستین آثار باهره صادره از لسان اطهر است

الواح نازله در بغداد بعدا از مراجعت از سلیمانیه

حضرت ولی امرالله در س ۱۴۱ - ۱۳۸ گاد پاسزبای
انگلیسی اساسی الواح مهمه جمالقدم را که در بغداد بعد
از مراجعت از سلیمانیه نازل شده ذکر فرموده اند و اینک
به ترتیب یکایک آن الواح مبارکه را ذکر میکنیم :

۱- کتاب ایقان

حضرت ولی امرالله در گاد پا سزبای س ۱۳۸ انگلیسی
در باره نزول کتاب ایقان بیانی مفصل فرموده اند که
خلاصه و مجمل مضمون آن بفارسی چنین است .

" از جمله آثار مهمه حضرت بهاءالله کتاب ایقان
است که در بغداد بسال ۱۲۷۸ هجری قمری برابر با
۱۸۶۲ میلادی در جواب سوءالات میرسید محمد خال
نازل شده و وعده ای را که حضرت اعلی در باره تکمیل

بیان در **الهیور موعود** فرموده بودند با نزول ایقان محقق یافت و در طی دو شبانه روز از قلم مبارک صادر گردید میرسید محمد خال در آن وقت هنوز به امر مبارک مؤمن نبود و با برادر خود میرزا حسنعلی و فرزندان برای زیارت عتبات وارد بغداد شد کتاب ایقان از حیث حسن انشاء و روشن بدیع و قدرت استدلال بی نظیر است و در امر بهائی بعد از کتاب اقدس از بزرگترین آشکار صادره قلم اعلی است اسرار و رموز کتابهای آسمانی قبل در ایقان مکشوف و تشریح شده با نزول ایقان که بفاصله قلیلی از اظهار امر مبارک در باغ رضوان صادر شده بشارت دانیال در باره برداشته شدن ختم از کتاب آشکار گردید . در کتاب ایقان در ضمن دو پست صفحه وحدانیت الهیه و وحدت مظاهر مقدسه و شرایع الهیه و عدم انقطاع فیض الهی و حقانیت کتب آسمانی را تشریح و تبیین فرموده اند و نیز در باره علمای ادیان که سبب گمراهی مردم در هر زمان بوده اند شرحی مفصل بیان کرده اند اسرار و معانی خفیه بیانات وارده در انجیل و قرآن مجید و علامات **الهیور** قیامت و حقایق احادیث اسلامی را مشروحاً بیان فرموده اند شرایط سلوک و حقانیت
 امر حضرت اعلی و انقطاع و جانفشانی پیروان امرالله

و غلبه و نصرت کلمه الله را از قلم مبارك تشریح نموده اند در باره مقام حضرت مریم و بزرگواری ائمه اطهار و عظمت مقام حضرت سید الشهداء و شهادت آن حضرت شرحی مفصل ذکر کرده اند مسائل مهمه رجعت و قیامت و خاتمیت و روز جزا و دینونت را بیان فرموده اند و خلاصه مطلب آنکه باید گفت کتاب ایقان از حیث حل مشکلات و کشف رموز و اسرار کتب آسمانی و تشریح حقایق عالیه مستوره از افهام عموم و سایر جهات در بین سایر آثار مبارک—ه مقامی بسیار شامخ و عظیم را داراست . . . ”

کتاب ایقان در آغاز برساله خال معروف بود بعدا همیک مبارك در آثار مبارکه آنرا به کتاب ایقان تسمیه فرمودند سنوالات خال از محضر مبارك عبارت بود از علائم ظهور و خاتمیت حضرت رسول و قیامت و مسئله سلطنت موعوده در باره حضرت موعود و احیاء اموات در یوم ظهور موعود و بحث و حشر در قیامت و رجعت ائمه اطهار در یوم ظهور قائم و ابدیت شریعت اسلام و اعراض علماء و پیشوایان دین و بالاخره دلائل و براهینی که مثبت حقانیت ظهور جدید است و در کتاب ایقان همه این مسائل و مطالب مهمه دیگر نیز تشریح و تبیین شده است کتاب ایقان را همیک مبارك حضرت ولی امرالله به

انگلیسی ترجمه فرموده اند .

۲ - کلمات مکنونه (فارسی و عربی)

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای ص ۱۴۰ انگلیسی در باره کلمات مکنونه بیانی باین مضمون میفرمایند :

" . . . پس از کتاب ایقان که گنجینه حقایق و اسرار است کلمات مبارکه مکنونه مانند جواهر تابناک را باید اسم برد این گوهرهای شاداب که در علم الهی مخزون بود در سال ۱۲۷۴ ه . ق در بغداد از لسان اطهر نازل شد حضرت بهاءالله در کنار دجله مشی میفرمودند و جوامع زواهر از لسان مبارک به فارسی و عربی نازل میشد این رساله مقدسه در ابتدا به صحیفه فاطمیه معروف بود صحیفه فاطمیه را بر حسب احادیث اسلامی جبرئیل از طرف خدا برای فاطمه زهرا آورد و حضرت علی ع آرا نوشتند فاطمه زهرا پس از رحلت پدر بزرگوارش برای رفع غم و اندوه آن صحیفه مبارکه را تلاوت میفرمود .

مقام عظیم کلمات مبارکه مکنونه که از قلم حضرت بهاءالله جاری شده از نخستین آیه نازله آن رساله مقدسه بخوبی آشکار میشود که فرموده :

" هذا ما نزل من جبروت المزة بلسان القدرة والقوة علی

النبيين من قبل وانا اخذنا جواهره و اقمصناه قميصاً
الاختصار فضلاً على الاحبار ليوفوا بم عهد الله و يؤدوا اماناً
في انفسهم و ليكونن بجوهر التقى في ارض الروح من
الفائزين .*

این دو مجموعه گرانبها که ناسخ آثار گذشتگان
است و در بین آثار متعالیه شارع مقدس این دو عظیم
مجموعه نخستین از نظر بیان حقایق الهیه و مجموعه ثانی
از نظر دستورات اخلاقی دارای مقاصد عظیم و بلند است.

۳ - هفت وادی

حضرت ولی امرالله در گام پاسزبای بدانی باین مضمون
میفرماید (ص ۱۴۰) :

” رساله هفت وادی که شارع مراتب سلوک سالکین و از آثار
مهمه حاوی اسرار الهیه است در همان اوقات (اوقات
توقف مبارک ربفداد) در جواب سئوال شیخ مسیحی
الدین قاضی خانقین از قلم جمال قدم نازل گردید در این
رساله مراتب هفتگانه ای را که باید سالک سپیل عرفان
طی نماید تا بسر منزل مقصود برسد تشریح و بیان شده
است . ” انتهى

اسامی هفت وادی یا مراتب سبجه سلوک که در رساله*

مبارکه ذکر شده بقرار ذیل است :

اول - وادی طلب دوم - وادی عشق سوم - وادی معرفت چهارم - وادی توحید پنجم - وادی استغنا ششم - وادی حیرت هفتم - وادی فقر و فنا .
در این لوح مبارک شرح این مراتب سیمه را به تفصیل بیان فرموده اند .

۴ - چهار وادی

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای فرموده اند ^{بین} بیانها
مضمون (ص ۱۴۰) :

" مجموعه دیگر رساله چهار وادی است که به اعزاز دانشمند
و عالم معروف شیخ عبدالرحمن کرکوکلی نازل شده است .
نزول این لوح مبارک در بغداد بوده است و اسامی چهار
وادی یا مراتب اربعه مندرجه در این رساله بقرار ذیل
است :

اول - - مقام نفس، دوم - مقام عقل، سوم - مقام عشق
چهارم - عرش فوآد و شرح هر مقام به تفصیل در نفس
لوح مذکور است .

ه - لوح ملاح القدس

این لوح که از اهم آثار مبارکه است و شامل انذارات شدید و اخبار از وقوعات عظیمه میباشد در روز پنجم نوروز سال ۱۸۶۳ م . برابر ۱۲۷۹ هـ . ق در مزرعه وشاش نازل شده حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک به تفصیل آن واقعه را ذکر فرموده اند و خلاصه مضمون بیان مبارک به فارسی اینست :

" . . . لوح ملاح القدس در روز پنجم عید نوروز سال ۱۸۶۳ م . - ۱۲۷۹ هـ . ق در مزرعه وشاش از قلم مبارک نازل شده و امر فرمودند برای اسحاب تلاوت شود احباب از استماع مندرجات آن لوح که اخبار از مصائب و بلیات جدیده بود بسیار مضطرب شدند و در وشاش نماینده نامق پاشا حاکم بغداد بحضور مبارک رسید و نامه حاکم را تقدیم کرد مضمون نامه در خواست ملاقات جمالقدم با حاکم بغداد بود . . . نبیل میگوید چون لوح ملاح القدس برای احباب بصدای بلند تلاوت شد عمده در دریای غم و اندوه غرق شدند و دانستند که عنقریب بلایای تازه ظاهر خواهد شد . . . " انتهى

نبیل زرنندی در ضمن وقایح سفر همیکل مبارک به

اسلامبول به فرمان عبدالمزیز شرحی در باره این لوح نوشته و این جمله عین عبارت اوست قوله :

" . . . در یوم پنجم فروردین که مطابق پنجم شوال بود (نامق پاشا والی بغداد) مأموری فرستاده حضورشان (جمالبارک) را در سرایه حکومتی طلبید و در آنروز بمنور جمال ابهی در مزرعه وشاش خیمه نوروزی افراشته داشته با منتسبین و مقربین ایام بسر میبردند و لوح ملاح القدس با اشارات لطیفه به قرب زمان انطوای بساط بغداد و هجرت عراق صدور یافته و موجب تأثر شدید سامعین گردید و امر به جمع خیام عز و عودت به شهر گردید و سوار مأمور در آن حین به محضر ابهی رسید ابلاغ پیام والی کرد . . . " انتهى

۶ - لوح حورینه

در صفحه ۱۴۰ گاد پاسزبای حضرت ولی امرالله نام این لوح را ذکر فرموده اند و میفرمایند که در این لوح بوقایع مهمه ای که در مستقبل ایام باید واقع شود اشاره فرموده اند آغاز این لوح مبارک اینست . قوله تعالی :

" بسم الله الاقدس الاعلی سبحانک اللهم یا الهی اذکرک

حينئذ حين الذی استشرقتم شمس الوهیتك عن افق سما
 سینا لاهوت احدیتك . . . " لوح بسیار مفصل است و اشاره
 به وقایع مهمه ای است که میبایست در امرالله تحقق یابد .

۷ - تفسیر حروف مقطعه

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای به این لوح
 اشاره فرموده اند که : (ص ۱۴۰)
 " تفسیر حروف مقطعه قرقان و تشریح حرف واو که شیخ
 احمد احسائی به آن اشاره کرده و تبیین برخی از آثار
 سید کاظم رشتی " اثر دیگری از آثار مبارکه جمالقدم است
 این لوح خیلی مفصل است و در جواب سوءالات میرزا آقای
 رکاب ساز شیرازی نازل شده و در همین لوح معانی مستوره
 الم قرآن و نیز تفسیر آیه نور نازل در قرآن مشروحا نازل
 گردیده است و نیز در همین لوح اشاره به اکسیر و حجر
 معروف فرموده اند و بسیاری از اسرار و رموز الهیه در این
 لوح مبارک مندرج است . میرزا آقا رکاب ساز شیرازی بسا
 چند نفر دیگر از احبای شیراز به فتوای علمای شیعه شیراز
 بشهادت رسیدند حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای
 در ضمن اشاره به شهدای امر نام میرزا آقا را هم ذکر

فرموده اند :

" . . . در شیراز میرزا آقا رکاب ساز و میرزا رفیع و شهدی نبی را شبانه به امر و فتوای مجتهد محل خفه کردند و عامه مردم بر قبر آنان هجوم کرده آنها را با زباله و کثافات آغشته ساختند . " انتهى

مجتهد شیراز که به فتوای او شهدای مزبور به قتل رسیدند موسوم به شیخ حسین ناظم بود که بعدا معروف به شیخ حسین ظالم گردید و به همین نام در تاریخ ذکر شده است .

۸ — لوح مدینه التوحید

قوله تعالى :

" هذه مدینه التوحید فادخلوا فیها یاملاء الموحدین لتکونوا ببشارات الله لمن المستبشرین هو المیز التوحید العالی العلی الفرید تلك آیات الكتاب فصلت آیاتہ بدعیا غیر ذی عوج . . . "

این لوح مبارک خطاب به شیخ سلمان هندجانی حاصل الواح مبارکه و مدفون در شیراز نازل شده و شرح حالش در کتاب محاضرات به تفصیل با الواحش نوشته شده

است .

در این لوح معنی حقیقی توحید و عرفان را که جزبوسیله
عرفان مظاهر الهیه ممکن نشود به تفصیل ذکر فرموده اند
و میفرمایند :

" . . . و انك انت يا سلمان فاشهد في نفسك وروحك و
لسانك . . . الخ

چون سلمان از توحید سوءال کرده بود ایمن

لوح مبارك نازل شده و میفرمایند :

" و اما ما سئلت في آية التوحيد و كلمة التجريد فاعلم . . .
و شرحی مفصل در باره توحید ذات و صفات و افعال
میفرمایند . این لوح در بغداد نازل شده زیرا بعد از
ذکر سنه ستین و ظهور حضرت اعلیٰ جل ذکره میفرمایند :
" فاستمع يوم ينادى المناد في قطب البقاء و تفنّ حمامة
الحجاز في شطر العراق و يدعوا الكل الى الوثاق و فيه
يفتح ابواب الفردوس على وجه الخلايق اجمعين و هذا
يوم لن يعقبه ظلمة الليل و كانت الشمس يستضي منه
لانه استنار من انوار وجه منير فوالله حينئذ نبسط بساط
قدس بديع من لدى الله المقتدر العزيز المنيع . . . "
و بر همین قیاس تا آخر لوح مبارك در وصف ظهور مبارك
است و این لوح را در مائده آسمانی نگاشته و نقل

کرده ام مراجعه فرمایند .

۹ - صحیفه شطیه

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای در ضمن شرح الواح نازله در بغداد فقط اسم صحیفه شطیه را ذکر فرموده اند و شرحی در باره آن نفرموده اند (ص ۱۴ انگلیسی) این صحیفه بسیار مفصل است و در آن عظمت امرالله و جریان سریع شریعت الله و رفع هرگونه مانع و رادعی که مانع پیشرفت امر بخواند بشود به شط جاری در بغداد تشبیه شده . میفرمایند همانطور که هیچ مانعی هرچند بزرگ هم باشد نمیتواند سرعت جریان شط را مانع شود امر الهی هم همین طور است که بر هر مانعی غالب خواهد شد و . . .

از جمله بیان مبارك در این لوح اینست قوله تعالی :
 " . . . نظر نما به جریان این شط که مشهود است درحین طفیان و ازدیاد حرکت میکند و جاری است آنچه میکند در اقتدار خود ثابت است آنچه از اطراف از نفوس ضعیفه فریاد کنند که سد معظم خرق شد و یاسد فلان محل باطل گشت یا فلان بیت خراب شد و فلان قصر

منهدم گشت هیچ اعتنا ندارد و در کمال قهر و غلبه و قدرت و سلطنت سایر و ساری است . . . الخ

۱۰ - مصیبت حروفات عالین

حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریکا نام این لوح را ذکر فرموده اند . این لوح در بغداد نازل شده در آغاز این لوح میفرمایند قوله تعالی :

" این جزوه در مصیبت حروفات عالین نوشته شده و لکن این ایام به نفسی تخصیص یافت بعد جمعی طالب شرح و تفسیر شدند که به لسان فارسی نوشته شود لهذا مرقوم گشت و از جواهر کلمات ظاهر و هویدا گشت و لکن چون ترجمه کلمه بکلمه مطابق فطرت اصلیه ملاحظتی نداشت آنچه به قلم جاری شد مسطور آمد . . . " انتهى

این لوح بسیار مفصل است و حاوی نکات دقیقه لطیفه است و اینکه فرموده اند " . . . این ایام بنفسی تخصیص یافت . " مقصود میرزا محمد وزیر پسر عمه جمالقدم است که در مازندران صعود کرد و جمالقدم این لوح را به عنوان تسلیت برای همشیره و زوجه میرزا محمد وزیر ارسال فرمودند و در نفس لوح هم تصریح

فرموده اند بقوله تعالى :

"ولكن اختصها في هذه الا زمان للطلمتين و سميت
اولهما باسم التي اختصها و جعلتها ام الخلائق
اجممين (حوا) و الاخرى باسم التي اصطفيتها على
نساء العالمين (مريم) . . . " انتهى

این لوح چنانچه ذکر شد پس از صعود میرزا محمد
وزیر برای تسلیت مریم و حوا به طهران ارسال گردید
و در نفس لوح نیز تصریح فرموده اند میرزا محمد وزیر
پدرش میرزا کریم نمذ ساب و مادرش ملك نساء خانم
نام داشت میرزا محمد وزیر پسر عمه جمالقدم است و بها
حرم ثانی جمالقدم فاطمه خانم (مهد علیا) که دختر
عمه جمالقدم بوده است برادر است قبر میرزا محمد وزیر
در قریه فیول در ایوان امامزاده آنجاست اما مریم گه
در لوح مبارك اسمش را ذکر فرموده اند خواهر میرزا
محمد وزیر و دختر عمه جمالقدم و همشیره حرم ثانی
جمالقدم فاطمه خانم است . مشار الیها بسیار مؤمن
و مورد عنایت بوده و الواح بسیار از جمله لوح مصروف
به لوح مریم که حضرت ولی امرالله در گاد پاسز بسای
از آن نقل فرموده اند به اعزاز مشار الیهاست جمالقدم
به او لقب ورقة الحمراء داده اند و پس از صعودش

زیارتنامه مفصلی درباره اش نازل شد مریم زوجه برادر جمالقدم حاجی میرزا رضا قلی حکیم بود و مقامات ممنویه او بسیار است زعمرای طغیه به ثمره دختر همین مریم است قبر مریم در حضرت عبدالعظیم در مقبره ناصرالدین شاه است اشعاری نیز از او در دست است که در فراق جمال مبارک سروده است اما حوا که در لوح حروفات عالین مذکور شده بنت اخت جمالبارک است پدر حوا میرزا محمد و مادرش طلان خانم همشیره امی جمالقدم است حوا زوجه میرزا محمد وزیر بوده نام شوهرش میرزا محمد و نام پدرش هم میرزا محمد بوده جمالبارک به حوا خانم عنایت بسیار داشتند و او را شاه باجی خطاب میفرمودند قبر حوا در جوار مرقد پدر و مادرش در تکیه تاگر نور واقع است .

(آنچه در قسمت میرزا محمد و مریم و حوا ذکر شد از کتاب اقلیم نور تألیف جناب ملک خسروی استفاده گردیده است .)

۱۱ - جواهرالاسرار

فقط نام این لوح را ذکر فرموده اند این لوح مبارك در بغداد قبل از اظهار امر در باغ رضوان و بمسجد از مراجعت از سلیمانیه کردستان در جواب سوالات حاجی سید محمد مجتهد اصفهانی ساکن نجف از قلم جمالقدم نازل شده است نزول این لوح مبارك قبل از نزول کتاب مبارك ایقان بوده است در ایقان شریف میفرمایند قوله تعالی :

" . . . در اسفار ثلاثه دیگر که منسوب بلوقا و مرقس و یوحنا است همین عبارات مذکور است و چون در الواح عربیه به تفصیل مذکور شد دیگر در این اوراق متعرض ذکر آنها نشدیم . . . " انتهى

مقصود از الواح عربیه که فرموده اند همین لوح مبارك جواهر الاسرار است که عبارات اناجیل اربعه را در آن ذکر فرموده اند و چون نزول ایقان مبارك در سال ۱۲۷۸ هـ . ق بوده جواهر الاسرار قبل از آن سال نازل شده است .

حاجی سید محمد اصفهانی از شاگردان طراز اول مرحوم شیخ مرتضی انصاری مجتهد وحید عالم تشیع بود که در سامرا سکونت داشت و در محضر درس او همزمان طلاب علوم دینی حاضر میشدند و جمالقدم نام او را

در لوح سلطان ایران ناصرالدین شاه قاجار ذکر فرموده اند حاجی سید محمد پس از اخذ اجازه اجتهاد از استاد از سامرا به بغداد آمد و در منزل دو بسرا در تاجر اصفهانی بنام حاجی جعفر و حاجی خلیل منزل نمود و مردم دسته دسته به دیدن او میرفتند مشارالیه قصد آن داشت که به ایران و اصفهان برود و بساط ریاست شرعیه بگستراند در بغداد شنید که بابی ها عده زیادی هستند برای کسب شهرت بیشتر خواست با آنان مذاکره کند و بر آنان غالب گردد شبی را به محضر جمال قدم در بیت مبارک مشرف شد و پس از مذاکرات لازمه امرالله را تصدیق نمود و شب از نیمه گذشته بود که به منزل دو برادر تاجر برگشت آنان علت تأخیر را جویا شدند سید محمد با کمال شجاعت حقیقت مطلب را بداند آنان در میان نهاد آن دو برادر متمصب خشمناک شدند و سید مجتهد را شبانه از منزل خود گرسنه بیرون کردند سید محمد پیاده به سامرا مراجعت کرد و امر مبارک را در محضر عموم طلاب به استاد خود شیخ مرتضی انصاری ابلاغ نمود و اتمام حجت کرد طلاب قصد آزارش کردند شیخ انصاری مانع شد و به او وعده داد که قریباً در باره این موضوع تحقیق خواهد کرد

سخنان تبلیغی سید محمد در آن مجمع عظیم فقط بیک نفر از شاگردان شیخ اثر کرد و او ملا علی نقی سمنانی بود که به بغداد رفت و حضور جمالقدم رسید و مؤمن شد و به سامرا برگشت و حقیقت حال را به استاد خود گفت و سپس راه عتبات در پیش گرفت و عاقبتش مجهول است سید محمد هم ترك ریاست و مسند اجتهاد کرد و به نجف رفت و به تبلیغ مشغول شد و وسیله قاصدی امین سوالات خود را از محضر جمالقدم پرسید و لوح مبارک جواهر الاسرار در جواب او نازل شد مطالب مهمه مندرجه در این لوح شریف به نحو اختصار بقرارار ذیل است :

شرح بلایا و مصائب مبارک ، تفکر در احتجاب امم قبل ،
 علامات ظهور وارده در اناجیل و معانی آن ، مقصود از
 ابدیت شرایع و معنی آسمان و زمین ممکن است زائل
 شود ولی کلام پسرانسان زائل نخواهد شد ، قیامت و
 علاماتش ، مقصود از صراط و میزان و . . شرایط سلوک
 سالکین ، امتحانات الهیه ، وحدت حقیقیه مظاهر مقدسه
 جابلقا و جابلسا و محمد بن الحسن المسکری ، علت
 اعراض نفوس لقا الله قیام اموات ، معنی موت و حیات ،
 اسرار بیان انبیا ، علامات اهل حق ، وادی حیرت مقام

فناء) علامت واصلین ، آخرین مقام سالک که به وصف
نیاید ، و خاتمه لوح مبارک .

۱۲ - لوح شکرشکن

این لوح در بغداد نازل شده و مخاطب آن میرزا سعید
خان گرمودی وزیر امور خارجه ایران در آن ایام بسوده
است که نامه ای به ظاهر دوستانه به حضور جمالقدم
تقدیم میکند و هیگل مبارک را به خیال خود از عنناد
مماندین مطلع میسازد و بر حذر میدارد و تقاضا میکند
که برای حفظ خود و اصحاب از بغداد به نقطه دیگر
تشریف برند و منظورش این بود که باین وسیله هیگل
مبارک را از بغداد که همسایه ایران بود دور نماید و در
عین حال از راههای دیگر هم برای انتقال هیگل مبارک
اقدام میکرده که شرح اقدامات او را در گاد پاسزبای
حضرت ولی امرالله در فصل وقایع بغداد بیان فرموده اند
در جواب نامه او لوح مبارک که به شکرشکن معروف است
نازل و برای او ارسال فرمودند از جمله بیانات مبارک
در آن لوح اینست قوله تعالی :

" دست قاتل را باید بوسید و رقص کنان آهنگ کوی

دوست نمود . . . گردن بر افراختیم و تیغ بی دریغ
 یار را به تمام اشتیاق مشتاقیم سینه را سپر نمودیم و تیسر
 قضا را به جان محتاجیم از نام بیزاریم و از هرچه غیر
 اوست بر کنار فرار اختیار نکنیم و بدفع اغیار نپرد ازیم
 بدعا بلا را طالبیم تا در هوای قدس روح پرواز کنیم
 و در سایه های شجر انس آشیان گیریم و به منتهی
 مقامات حب منتهی گردیم این اصحاب را بلا فنا نکند
 و این سفر را قدم طی ننماید و این وجه را پرده حجاب
 نشود . . . هر مسند سکون ساکنیم و بر بساط صبر جالس
 ماهی مصنوعی از خرابی کشتی چه پروا دارد ؟ و روح قدسی
 از تباهی تن ظاهری چه اندیشه نماید ؟ . . . الخ
 نزول این لوح مبارك در اواخر ایام بفداد بوده
 است .

۱۳ - لوح غلام الخلد

از الواح مبارك نازل در بفداد است که در ایام رضوان
 از فم مشیت حضرت رحمن نازل شده است و در این لوح
 در باره ظهور مبارك حضرت نقطه اولی آیات بدیمه
 از فم اطهر صادر و عنوانش اینست : " هذا ذکر ما

ظهر فی سنة الستین . . . " و در قسمت فارسی آن ذکر
 ظهور موعود و بیان و تجلی حضرت رحمن نازل گردیده
 است و در ایام تسعه آنرا نقل کرده ام .

۱۴ - لوح هله هله ...

و المحبوب

حور بقا از فردوس علا آمد

هله هله هله یا بشارت

با چنگ و نوا هم با کاسه حمرا آمد

هله هله هله یا بشارت

با غمزه جانی با مزه فانی با رقص و نوا آمد

هله هله هله یا بشارت

با گیسوی مشکین با لعل نمکین از نذر خدا آمد

هله هله هله یا بشارت

دو طیف ز ابرویش صد تیر ز مژگانش بهر دل ما آمد

هله هله هله یا بشارت

جانها برهش دلها ببرش جمله فنا آمد

هله هله هله یا بشارت

با کفه بیضا با گیسوی سودا چون اژدر موسی آمد

هله هله هله یا بشارت

این نغمه راودی از سدره لاهوتی باروح مسیحا آمد

هله هله هله یا بشارت

با جذب وفا با صون بهاء از مشرق ها آمد

هله هله هله یا بشارت

با نور هدائی از صبح لقا با طور سنا آمد

هله هله هله یا بشارت

این نغمه جان در نزد جانان از بلبل لا آمد

هله هله هله یا بشارت

با مزده وصلی این حور الهی از شاخه طوبی آمد

هله هله هله یا بشارت

این عاشق فانی این طیر ترابی در ره معشوق فدا آمد

هله هله هله یا بشارت

بر گردن عاشق سیف جفا از عرش وفا آمد

هله هله هله یا بشارت

این نامه قدسی با هد هد تازی از شهر سبا آمد

هله هله هله یا بشارت

این وجهه باقی از امر الهی باید بیضا آمد

هله هله هله یا بشارت

این باز حجازی با لحن عراقی از ساعد شاه آمد

هله هله هله یا بشارت

این طلعت غفاری با جذبه بهاجی از ساحت ادنا آمد

هله هله هله یا بشارت

این بلبل معنی از گلبن قدسی با کف وصل آمد

هله هله هله یا بشارت

این ورقه نورا^۱ از مدین روحا با نور و ضیا^۲ آمد

هله هله هله یا بشارت

این شاهد یزدان این مست می جانان با جام تولا آمد

هله هله هله یا بشارت

آن صرف جمال حق آن جوهر اجلال حق با آیت کبری آمد

هله هله هله یا بشارت

آن طلعت مقصود آن وجهه مصبود با رحمت عظمی آمد

هله هله هله یا بشارت

جانها به وصالش دلها به نثارش کان رب علا آمد

هله هله هله یا بشارت

این ذکر بدیع از گلشن باقی آمد تا عاشقان جمال جانان

آتش حب از دل و جان در کمال اطمینان به بدایع لحنها^۳

خوش به آن مشغول شوند که شاید از جذبه آن عاکفان

کعبه عرفان بشور آیند و وطن قدس الهی را فراموش

نفرمایند .

۱۵ - مدینه الرضا

این لوح نیز در بغداد نازل شده و ذکر معنی رضا و مراتب آن را مشروحا بیان فرموده اند . مخاطب این لوح دقیقا معلوم نیست و باز میفرمایند که به حساب ارض خود تکبیر برساند و اسامی آنان را رمز ذکر فرموده اند از قبیل حرف الکاف و حرف القاف الذی هاجر الی الله فی ایامه و کان المتقین و حرف الهاء الذی هاجر ثم رجع باذن من لدنا و حرف الراء الذی سمع نغمات الورقا و غیره را ذکر فرموده اند و دلیل اینکجه از الواح بغداد است این بیان مبارك در این لوح مبارك است . توله تعالی :

" فارتقب یوم ینفخ فی الصور و تظن فیهِ الورقا و یفتح ابواب الرضوان و یأتی الله بامر بدیع اذن فاسرعوا الیه یا ملاء البیان ولا توقفوا اقل من آن و هذا من اصل الرضا لا تختلفوا فیهِ یا ملاء المقربین . "

۱۶ - لوح فتنه

از الواح نازله در بغداد است به اعزاز شمس جهان مشهور

به فتنه که در آن الواح در باره امتحانات الهیه بیانات مفصله فرموده اند و صورت آن در مائده آسمانی مندرج است .

۱۷ - لوح حق

از الواح بخداد است . قوله تمالی :

الهی الابهی

هذا لوح الحق قد نزل من جبروت الامر و من یقرئ—ه و یتفکر فیہ یتبعه الله فی قطب الرضوان بطراز الذی یتشرق منه انوار الرحمن و یتضحی منها اهل ملاء المالین هو الحق قد کان عن افق الحق علی الحق بالحق مشهودا ان یا ملاء الحق قد ظهر الحق عن افق الحق فی هذا الحق الذی طلع عن مطلع الحق و ینطق بالحق و یدکر کم علی الحق ایاکم ان لا تنسوا الحق حین الذی اخذ عنکم عهد نفسه الحق و لا تكونن من الذینهم اعرضوا عن الحق و کانوا من الممرضین قل تالله ان الحق حینئذ ینادی فی امامه و یجزالموجودات بان هذا لهو الحق قد ظهر علی الحق و انه لهو الحق الذی به حقق الحق من قبل و یحقق الحق من بعد و انتم یا ملاء الحق فانظروا الحق

بما اشرفت من شمس جماله ثم اسمعوا نغمات الحق عما
 يخرج عن شفتائه ثم استشربوا من تسنيم الحق عما
 يمطيطكم من كأس عنايته و كلوا من نعمة الحق عما نزلت
 من سما^ة عز سلطانة و غمام قدس افضاله ثم استظلموا
 في ظل شجرة الحق هذا الغلام الذي لو يحرك فسي
 نفسه ليتحرك به ظهورات الحقية و شمسوات الاحديسه
 و اذا يسكن في نفسه ليستقر جمال الحق ثم هيكله
 على عرش قدس منيع و انتم يا ملاء الحق لو تصفون
 ابصاركم عن غبار الممكنات و ما يحدث منها مما لا يليق
 بسلطان الاسماء و الصفات لتشهدوا بان مظاهر الحق
 و مطالعه و مشارقه و مكانه ليطوفن فيحول هذا الحق
 الذي ظهر بالحق ثم استوى بالحق على المرش الذي
 يسجد عند نطله كل من في السموات و من في الارض
 و لو انهم لن يعرفون ذلك و لا يستشعرون في انفسهم
 و يكونن من الفاقلين عن هذا الحق الذي لو يشفق
 برقع الجلال عن وجه الجمال لينطقن كل الاشياء ويؤيدهم
 روح القدس بما ايده نفس البهاء في عالم البقاء بانسى
 انا الحق لا اله الا هو و انا كل عند ظهور هذا الحق
 لتكونن من الساجدين و ان هذا لهو الذي يمضى عن
 امامه مظاهر الحق و عن ورائه مطالع الارباب و عن يمينه

جواهر السبحان وعن يساره هياكل الرحمن و كلهم
ينطقن و يصيحن و ينادين ان يا ملاء البيان تالله قد
كذبكم السن الرحمن بما تدعون في انفسكم الايمان بالله
المهيمن العزيز القدير لانكم انتم ادعيتم في انفسكم بانكم
آمنتم بالله و مظهر نفسه الذي سمى بعلى قبل نبيل فلما
جاء مرسله بسطان من الامر على غمام القدس في فردوس
الاعلى اذا انكرتموه و كذبتموه الى ان افيتم على قتله
كما افتوا علماء الفرقان على من قبل مظهر نفسه
العلى المتعالى المقتدر المهيمن القدير اذا ما تمرون
على شئى الا و قد يكذبكم و يبرء منكم و يستعيز بالله
من لقائكم فوالله لو تنصفون في انفسكم تشهدون بان
نفس الذى يخرج منكم ليكذبكم و سماء التى رفعت فوق
رؤسكم ليبرء منكم و كلما يمطر من السحاب ينكر ما يخرج
من السنكم لو انتم السامعين و بكم منعت غمام الرحمة
و الفضل و بدلت عيش اهل ملاء الاعلى ثم ايفرت وجهه
الكبريا لانكم فعلتم مالا فعل احد من قبل و انا سترناه
بفضل من لدنا و انا الفضال المقتدر الحكيم و ما اظهرنا
بين المباد هذا رشح من ترشحات بحور اعمالكم و الا لو
انطق على الحق فيما فعلتم ليرجع امر ما يكون الى ما كان
و يرجع الوجود الى عدم البحت البات و يبدل كلما يشهد

فی الملک الی التراب و كذلك نزل الامر من لدن عزیز
وهاب ان انتم تكونن من المعتبہین .

۱۸ - لوح البہا

در بغداد در حین طغیان پیروان یحیی و فساد و فتنه
و اذیت و آزار آنان نسبت به جمال رحمن خطاب به اصحاء
الرحمن و احبای الهی از قم اقدس نازل شده در قسمت
اول به لحن حجازی و در قسمت ثانی مفاد آن رابه لحن
عراقی بیان فرموده و نازل نموده اند این لوح مبارک
بسیار مؤثر و حزن انگیز است و در ایام قریب به خروج
جمال قدم از بغداد مخاطبها للمؤمنین و المؤمنات
نازل گردیده در آغاز آن میفرمایند قوله تعالی :

" هذا لوح البہا " قد نزل من جبروت البقاہ ان
اقرئوا یا ملاء السماء لعل الی سما الامر فی هذا الہوا
ترتقون و علی امر ربکم الرحمن تستقیمون . هو الباقی
ان یا امة اللہ اتصبرین علی مقعدک بعمد الذی کان
قمیص الفلام محمراً بدم البفضا بین الارض و السماء
وینادی فیکل حین بنداء حزمین و کما استغیث من
احبائک یتقربون الیہ بسیف الحسد و كذلك کان الامر

ان كنت من الصارفين اذا وقع جمال البها في غياصة
 الجب و انك ان وجدت سياره المما فارسله لصل
 يدلى دلوا لوفاء في هذا البئر الظلما و يرفع به الفلام
 و يستضي بلحاظه كل المالمين ان يا امي اتصبرين
 على محلك بحد الذي ابتلى الخليل بيد النمرود و لن
 يجد لنفسه ناصرا الا الله العزيز الجميل . . . الس
 قوله تعالى اراد الفلام ان يخرج من بين همولا بما
 ورد عليه مالا يحصيه احد من المالمين . . . *

و بعد از ذکر متمردين ظهورات قبل از قبيل
 بلعام دوره حضرت موسى و غيره مي فرمايند قوله تعالى :

" و انتم يا اهل البها ان وجدتم احد ان يحل
 الالماس و يجريه على الالواح فاكتبوا به ما نزل فس
 هذا اللوح ثم انشروه فيك البلاد ليظهر اثار الله بين
 عباده الموقنين و ان لن تجدوا فاكتبوه بالذهب الخالص
 اياكم ان تجاوزا عما امرتم به و لا تكونوا من الصابرين . . . *

و در قسمت لحن عراقی در همین موضوع

میفرمایند قوله تعالى :

" ای بندگان من و مرا یای جمال من اگر یافتی
 نفسی را اینکه قادر باشد که الماس را حل نماید و جریان
 دهد پس بنویسد آنچه از سما عز تقدیس نازل شده

بمداد الماسیه و نشر دهید او را در هر بلاد تا آنکه
آثار الهی در بین عباد او انتشار یابد و اگر نیافتید
و قادر بر او نگشتید پس بنویسید این کلمات بدیع ضیع
را بمداد زهّب خالص و بفرستید بمدینه ما و دیارهای
من که شاید اهل دیار بحمال مختار راه یابند و هدایت
شوند . . . الخ

۱۹ - لوح بلبل الفراق

از الواح نازله در بغداد است و در آن ذکر احسان
و مصائب جمال قدم و اسم اعظم نازل شده و میفرمایند
که عنقریب طیر الهی از عراق باآفاق دیگر پرواز خواهد
نمود این لوح هم نسبة مفصل است و چون نسخه اش به
ندرت به دست میآید لهذا قسمتی از آنرا در این مقام
مینگارم . قوله تعالی :

هو العزيز المحبوب

بلبل الفراق علی غصن الآفاق ینادی بهذا الفراق یا
ملاء الاشتیاق و طیر الوفا یتفنی علی دوحه البقاء بان
هذا الفراق یا ملاء الاشتیاق و ورقاء الهجر یرن علی
افنان سدره الفراق بان جاء الفراق یا ملاء الاشتیاق

قل قد تمّ زمان الوصل وجاء الفصل عن خلف الغضا و هذا
 الفراق يا ملاه الاشتياق قد جرت الدموع عن عيون اهل
 البقا في الملاه الاعلى بهذا الفراق يا ملاه الاشتياق
 و قد انقطعت نسائم السرور عن رضوان السنه بهذا
 الفراق يا ملاه الاشتياق تالله قد اصفرت وجوه اهل
 الفرفرات بهذا الفراق يا ملاه الاشتياق و تبدلت عيش كل
 شئى بين الارض و السماه بهذا الفراق يا ملاه الاشتياق
 و يكحلن الحوريات من دم الحمراه بما سمعن نداء الفراق
 يا ملاه الاشتياق و لن يزينن هماكلهن من حور البقا
 بما سمعن نداء الفراق يا ملاه الاشتياق و هذا الحزن
 لن يقاس بحزن في جبروت المماه بما هبت نسيم الفراق
 يا ملاه الاشتياق در اين وقت كه طير بقا از ارض عراق
 پرواز نمود و اهل شوق و اشتياق بنار فراق در احتراق
 اين نامه از اين نمله فانيه بسوى احبای خدا ارسال ميشود
 كه اى دوستان تا چشم باقى بگرييد و تانفس موجود بناليد
 زيرا كه بساط وصل و اتصال و قرب و لقا درهم پيچيده
 شد و سلطان قضا باقتضای تقدير مقدره فراش فصل
 و انفصال و هجر و فراق گسترده و ارياح هجر و فراق
 چنان وزيده كه جميع شاخسار وجود از غيب و شهود همه
 قميص فنا پوشيده و بخزان بقا پيوستند پس اى چشم

گریه کن و ای گوش ناله بشنو و ای لسان ندبه و نوحه
 کن و ای جسد در تراب وطن گیر و مع کل ذلك نحمد الله
 علی ما اختصنا بهذه البلیا المتواتره و هذه الرزایا
 المتوالیه و نشکره فی کل حین علی کل الاحوال و انه
 کان بنفسه الحق علی ما نقول شهید در جمیع السواح
 قبل ذکر یافت که وقتی آید و هنگامی شود که طیر عراقی
 آمزنگ حجاز نماید پس بشتابید بسوی او ای عاشقان
 جمال سبحانی و ای والهان حرم ربانی حال آنوقت
 رسید و آن نسیم وزید و این طیر پرید و شما ندیدید
 وفاتز نشدید و بمقصود نرسیدید باری آنچه مرقوم شد
 و هرچه مذکور آمد اقبال نمودید و گوش ندادید حال
 آنوقت گذشت و آن یوم از دست رفت دیگر آن نسیم
 در این ارض نوزد و آن گل رخ نگشاید و آن باب مفتوح
 نشود هرگز شنیدید که بلبل باغ الهی جز بگلزار روحانی
 راحت جوید و یا مقرر گزیند و یا آنکه هد دهد سبای عشق
 جز در سینای روح وطن گیرد و یا قلوب عاشقان جز
 جمال معشوق منظوری طلبد و شما ای عاشقان بخیال
 خود مشغول شدید و هرگز عزم دیار معشوق ننمودید
 زهی غفلت که امکان را فرو گرفته و اکوان را احاطه نموده
 که شمس در وسط زوال منیر و دری و روشن و جمیع

بطيور ليل همراز وهم آواز گشتيد و اختم القول بما غنت
 عندليب الفراق في ارض العراق و ينادى كل من سكن
 في شطر الآفاق بان طير البقاء قد طارت الى مدينة
 العطاء و حمامة الروح قد صمدت من غصن و ارادت غصناً
 اخرى اذا فايكون يا ملاء العاشقين و يا اهل مـ
 المالين و كذلك نلقى عليكم آيات الفراق لعل تقومون
 عن مراقد الغفلة و تكونن من الذين هم كانوا من المتذكرين
 بگوای اهل نفاق این بلبل وثاقی از گل وصال پرید و عزم
 گلزار فراق نمود و عشاق آفاق را در شطر عراق بسوخت
 پس ای دوستان بهجران مبتلی وصل جانان را فرا موش
 ننمائید از فراق ننالید و تخم صبر در ارض طیبه قلب
 بکارید و بآب چشم آبش دهید تا ثمر شیرین دهد
 اینست وصیت بلبل گلزار الهی پس بشنوید . " انتهى
 (تمام لوح نقل نشده)

۲۰ - لوح آیه نور

مخاطب این لوح مبارک جناب میرزا آقای رکاب سـ
 شیرازی است که از محضر مبارک جمالقدم جل جلاله
 از دو مطلب سوءال کرد یکی در باره حروف مقابله قرآنی

و دیگری در تفسیر آیه نور قرآن مجید و لوح مزبور در جواب این دو سؤال او نازل شده است . حضرت ولی امرالله جل سلطانہ در رسالہ آئین بہائی (کہ از طرف محفل مقدس ملی مکرر طبع و نشر شدہ) این لوح را در ذیل دو اسم ثبت فرمودہ اندیکی بہ اسم لوح تفسیر حروف مقطعہ و دیگری در ذیل نام لوح آیہ نور کہ عنوان این صفحہ است . قسمتی از این لوح مبارک اینست قوله تعالی :

” الحمد لله الذی خلق الحروفات فی عوالم الصماء خلف سراق القدس فی رقارف الاسنی ثم اسقهن من کاوس البقاء فیما قدر فی الواح القضاء لیحیی بہن افئدة المقربین فی جبروت الامضاء ثم اقمصهن قمیصی السواد لما قدر بتقدیره الازلیة فی مکن القدر علی قباب الحمراء و فیما سبق الملم بان یستر ما الحیوان فی ظلمات عوالم الاسماء عند سدرۃ المنتهی ثم انزلهن الی ملکوت الانشاء فی ہوا القضاء اذا ظہرت الصوت من مکن الاعلی مخاطبا للقلم الاولی بان یا قلم فاكتب من اسرار القدم علی اللوح المذیر البیضاء اذا عمق القلم شوقا لہذا النداء سبمین الف سنة عما تحصوه اولوا احصاء فلما آفاق فیما رجع علیہ حکم القضاء مرة اخرى اذا بکی سبمین الف سنة من مدام الحمراء ثم وقف بین یدی اللہ فی زمان

ما سبقه حكم الاولية في الابتداء ولا يسبقه حكم الاخرية
 في الانتها فلما احرق بنار الفراق لما انقطع عنه نداء
 الاحلى ظهر في رموعه لون السودا في اجزوت الوفا
 ورشح قطرة من هذا الدموع السودا على اللوح اذا ظهرت
 النقطة في عالم البداء وتجلت هذه النقطة بطرائق
 الاولية على مرايا الحروفات في كينونات الاسماء اذا
 استقبلها الالف قبل كل الحروفات في ناز الامشي
 وفصل هذه النقطة الالهيه في طراز هذه الالف الازلية
 فيما هبت عليه نسيمات الرحمانية عن مصدر الاخلاص اذا
 كشف وجه الواحد به عن خلف حجابات الخضراء وظهرت
 هيكل النقطة على هيئة الالف وقام في اللوح لقيامه
 على امر الله الملى الاعلى في عالم الصفات والاسماء
 وهذه مقام الذي تقمصت كينونة المشية قميص الاسمي
 وتخلعت بخلع الصفته في مدينة الكبريا فلما استعمرت
 هذا الالف القائم على اللوح النورا تجلى بتجلي بدع
 اخرى اذا لاح حروفات المقطعات في اول الظهورات
 ليستدلن على عوالم التفريد والامر في قصبات الانشاء
 ظهرت من هذه الحروفات الى لاح واشرفت من الف
 الاولية في اول الظهورات عوالم التجديد والكسرات
 فلما فصلت وتفرقت وتقطعت ثم اجتمعت وائتلفت و

تمزجت و تزوجت اذا ظهرت كلمات الجامعات والحروفات
المركبات في عوالم الخلق في هياكل الاسماء و الصفات
اذا تم خلق عوالم الملكيه و طراز القدرية في مظاهر
الموجودات ليستدلن الكل بلسان الكينونات بانه هو
الباقي الدائم الخلق المقتدر المميز السلطان وان عليا
قبل محمد مظهر الذات و مظهر الصفات الذي منه
بدء الممكنات و اليه ترجع الكائنات و هو الذي ظهر
من نفسه المنان نفس الرحمن و بها خلق حقايق الجوهريات
و القابليات في عالم الامكان و ظهورات الموجودات في
عوالم الامكان و مرايا المستحكية عنه و الحروفات الناطقة
منه اول خلق الله و مبداء الظهورات و مرجع العباد في
يوم التنازل و هذا ما فضلهم الله على ساير الخلق في
عوالم القدم و بهم اشرفت الانوار و لاحت الاقمار و اضاءت
الشموس و اباحت النجوم و كلهم يحكين عنه و يدلسن
عليه بحيث لا فرق بينه و بينهم الا بانهم خلقوا باسمه
و بمثوا بارادته و حشروا بقدرته هم الذين بهم تدور
الادوار و تكور الكوار و تفرس اشجار التوحيد و تظهر
اثمار التفريد و تنزل امطار التجريد الى ان ترجع
النقطة الى مقامها الاولي بمد دورها في حول نفسها
و بلوغها الى محلها اذا يرجع الانتها الى الابتداء

و حينئذ يظهرنداء الاولى عن شجرة القصى عند اشراق الشمس مرة اخرى و هذا ما غنت الورقاء في قطب البقاع في هذه الليلة الاحديه التي توقد فيها نار الاحديّة من صدره السيناء في ظلل اسم الاقدمية و السر الازليّة الذي سمى بالحق القديم في قيوم الاسماء ليشهدن كل الظهورات في سرائر القلب بالخفيات بانه هو العقتدر المهيمن المنان . . . (تمام اين لوح منتشر شده است و در مائده آسماني مندرج است .)

٢١ - سورة القميص

از الواح صادره در بغداد است و در اين لوح شكايست بسيار از معرضين بيان مذکور است و در اواسط لوح خطاب به جناب رضی الروح شده و جمعی از احبباء را با اسم ذکر فرموده مانند حسين و حسن و محمد علي و عبد العلي و زمان و رحيم و غيرهم و در سه موضع از اين لوح به قميص تعبير فرموده اند از اين قرار :

خطاب به رضی الروح ميفرمايند :

... انا ارسلنا اليك هذا القميص الذي كان

مرشوشا بدم صادق لعل تطلع بما هو المستور عن انظر

الفاطين . " و در آخر لوح میفرمایند :
 " . . . ان يا حرف الجيم اذهب بقميصي هذا ثم السق
 على وجه الممكنات لمل مطالع الصفات يخرجن عن خلف
 الحجابات و يظلمن عن وراء السحاب و يعرفن الذي
 جاءهم عن شطر البقاء بسطان مبین . . . " و در آخر
 لوح میفرمایند :
 " . . . و الحمد لمن يعرف مولاه في هذا القميص
 الدرّي المبین . . . "

آغاز این لوح مبارک چنین شروع میشود :

هذه سورة القميص قد نزلناها بالحق و جعلناها مظهر
 هيكلی بين العالمين بسم الله الاقدس الاقدس و باسمه
 البهي الابهي ان يا اهل البقاء في الملاء الاعلى
 اسمعوا نداء الله عن هذا النسيم المتحرك . . . الخ
 و در همین لوح است که میفرمایند :
 " تالله الحق تلك ايام فيها امتحن الله كل النبيين
 و المرسلين ثم الذين هم كانوا خلف سراق المصممة
 و فسطاط المظمة و خباء العزة و كيف هولاء المشركين
 الذين اتخذوا الههم انفسهم و اذا يظهر عليهم سلطنة
 الله و اقتداره ثم عظمته و اجلاله يجعلون كفا الاعراض
 على ابصارهم ثم يسرعون في المكر ليشتبهن على المباد

كذلك نلقى عليك ما يحفظك عن رمى هولاء الشياطين ..."

۲۲ - سورة القدير

از الواح مبارکه صادره از قلم جمال قدم است که در بغداد نازل شده و شامل اقدامات مخالفت آمیز میرزا یحیی و سایر مطالب است . صورت قسمتی از آن لوح مبارک از روی نسخه خط زین المقربین که در سال ۱۲۸۸ هـ . ق در موصل (حدباء) آنرا نوشته است در اینجا نقل میشود قوله تعالی :

هذه سورة القدير قد قدرناها في جبروت البقاء وانزلناها
على العباد ليكون لهم سراجا مضيئا
هو الحق البهي الابهى فسبحان الذي قدر مقادير
كل شئ في الواح هز محفوظ وخلق كل شئ على
شأن لو يضمن انفسهم عن غيره الوهم والهوى ليصمدن
الى مقاعد القصوى وينطقن بما نطق روح القدس عند
سدره المنتهى بانه لا اله الا هو وان ذات كلمتيين
في هذين الاسمين لقيوم الاسماء في جبروت البقاء
وكذلك احاطت رحمه الايام كل الانام ولكن الناس هم
لا يشعرون ولقد تجلى الله في هذا اللوح باسمه

القدير على كل الممكنات ليستقدرن به كل الموجودات عما
 خلق بين الارضين و السموات لثلا يحرم احد عن سلطان
 قدرته و هذا ما نزل حينئذ من لدن مهيمن قيوم ان يا
 شمس اسمى القدير فاستشرق على الكائنات ببدايع قدره
 ربك ليشهدن كل الاشياء فى انفسهم قدرة الله المقتدر
 العزيز المحبوب و من يجعل محروما عن تجلى هذا الاسم
 لن يوفق على الاقرار بقدرة ربه العزيز المختار و لو يعترف
 لم يكن على التحقيق لان ما فقد عنه كيف يدركه ف سبحانه
 عما يعرضون اذا يا قوم فاجملوا قلوبكم مراتا لهذا الشمس
 لينطبع فيها انوارها و تجليها و كذلك يأمركم ربكم ان
 انتم تعرفون و من انطبع فيه تجلى هذا الاسم ليجمله
 الله قادرا على كل شئى بحيث لو يقول لكل شئى فانقلب
 كلهم ينقلبون و لو يريد ان يخلب على الممكنات بارادة
 من عنده ليقدر من قدرة ربه و ان هذا الفضل مشهود
 و من هذا اللوح هبت روائح القدره على كل ذى قدرة
 و يهب كيف يشاء بامر من عنده ان انتم تعقلون و ان مثل
 هذا الاسم فى هذا اللوح كمثلى ممين الماء يجرى فى
 انهار شتى كذلك من هذا الاسم يجرى مياه القدرة فى
 انهار الموجودات و يأخذ من يشاء على قدر مقدور ان يا
 ذلك الاسم انا خلقناك بامر من عندنا و ارفعنا ذكرك فى

ملكوت الاسماء و زينتك بقميص البقاء لتشكر ربك و تكون
 من الذينهم يشكرون اياك ان لا يفرنك شيئى ولا تحتجب
 عن ذكر اسم ربك و لا تكن من الذين اذا شهدوا انفسهم
 فى علو و ارتفاع غفلوا عن ذكر ربهم ثم استكبروا على الله
 الذى خلقهم بارادة من عنده و كذلك كانوا ان يفصلون
 ان يا مسميات هذا الاسم و مظاهرة ان استتموا نداء
 ربكم الرحمن فى هذا الرضوان و لا تلتفتوا الى ما قدر
 فى الاكوان و لا تكونن من الذينهم لا يفقهون اياكم
 عن لا يفرنكم الاسماء عن ذكر بارئكم و اذا استشرق عليكم
 شمس ربكم خروا بوجوهكم سجداً لله المقتدر المهيم
 القيوم اياكم ان لا يمنكم شيئى عن الخضوع بين يدى الله
 و لا تكونوا بمثل الذى ارفمنا امره بين العباد ثم
 اشتهرنا ذكره فى البلاد فلما شهد نفسه على عـز و
 ارتفاع اذا استكبر على الذى خلقه و سواه و بلغ السى
 مقام الذى اعترض تلقاء الوجه و فرط فى جنب الله و كان
 من الذين اذا استشرقت عليهم شمس الجمال عن افق
 استجلال استكبروا و كانوا من الذينهم يستكبرون ان يا
 اسمى انا جعلناك مظهر هذا الاسم لتدع كل الممكنات
 عن ورائك و تكسر اصنام الوهم من كل شيئى و تدخل
 الكل فى ظل ربك العزيز المحبوب و تنصر ربك فى كل

شأن بما استطعت ليرتفع اعلام النصر على مقاعد قدس
 مرفوع قل يا ملاء البيان انكم ان لن تنصروا الفلام فسوف
 ينصره الله كما نصره بالحق اذا كان فى السجن و نصره
 بجنود لن تروها و انزل معه ما يحفظه عن اعادى نفسه
 انه ما من الله الا هو له الخلق والامر و كل عنده فى
 لوح محفوظ ان يا اسمى ان استقم على الامر ثم ذكر
 الناس بما الهمك الروح و ان وجدت مقبلا فاقبل اليه وان
 وجدت معرضا فاعرض عنه و لا تخف فتوكل على الله ربك
 و انه يحرسك عن الذينهم كفروا و اشركوا و كانوا من
 الذينهم اذا يتلى عليهم آيات الرحمن اذا هم فى
 انفسهم يلعبون قدس نفسك عن كل ما يمنحك عن صراط
 الله الذى له ما فى السموات و ما فى الارض و ان هذا خير
 لك عما كنز فى ملكوت الامر و الخلق ولكن الناس اكثرهم
 لا يفقهون ان ارتقب يوم الذى يأتى الله بسلطان من
 الامر و فى حوله ملكة الروح اذا تجد الناس صرعى
 و يأخذ اضطراب سكان السموات و الارض و ينقلبن كل
 الاسماء و يخرن على التراب محدود الا من ينقطع
 الى الله و يدخل فى ظل ربه الملى المتعالى العزيز
 المحمود كذلك الهماك من بدايع وحي ربك لتستقر فى
 نفسك و تكون من الذينهم مستقرون و البهاء عليك و على

من اتخذ فی ظلِّ ربه مقاما محمودا و الحمد لله المزیز
المقتدر المتعالی المحبوب .

۲۳ - سورة الصبر

از الواح مبارکه نازل در بغداد و در باغ رضوان است
این لوح مبارک به مدینه الصبر و سورة الصبر و سورة ایوب
مصروف است و به اعزاز حاجی محمد تقی ملقب به ایوب
نازل شده است . در لوح قرن احبای آمریک ذکر این
لوح شده و نزول آن را در روز اول رضوان سال ۱۲۷۹
ه . ق ذکر فرموده اند در این لوح شرح شهادت و
مقامات عالیہ جناب وحید اکبر و فداکاری های اصحاب
علی الخصوص جناب حاج محمد تقی ایوب بیان شده
است . مشارالیه از اصحاب جناب وحید دارابی
بود چون خبر عزیمت جناب وحید را از یزد به جانب
نی ریز شنید از نی ریز که محل سکونتش بود تـ
اصطهبانات با استقبال حضرت وحید شتافت و با آن جناب
وارد نی ریز شد ابتدا در مسجد جامع و سپس در قلعه
خواجه به نصرت اصحاب توفیق یافت و چون مردی
ثروتمند بود مدت چهار ماه محاصره قلعه مخارج اصحاب

وحید را تحمل کرد و بعد از واقعه قلعه با سایه
 اصحاب گرفتار گردید و بچنگال ظلم حاکم د چار شد
 حاکم موسوم به زین العابدین خان او را به انواع عذاب
 معذب ساخت و در فصل زمستان هر روز وی را در حوضی
 که آبش یخ بسته بود می افکند و بدنش را به ضرب
 چوب میا زرد بطوری که آب حوض از خون او رنگین میشد
 جناب حاجی گاهی در عوض بعضی از اصحاب که پیرو
 ناتوان بودند نیز صدمه و آزار را قبول میکرد حاجی
 مزبور بالمآل از کثرت ضرب و آزار بدنش متورم شد و
 چشمانش از حال طبیعی خارج گردید عوانان هر روز
 او را در بازارها میگردانیدند و از مردم پول میگرفتند
 حاجی یکسال گرفتار این عذاب بود تا آخر کار مستخلص
 شد و به یزد رو نهاده در آن شهر متوطن گردید بهر
 حال بواسطه استقامتش در بلایای لا تحصی در لوح
 مبارک از لسان عظمت به ایوب ملقب شد . ایوب کلمه ای
 است که معنای آن (بطرف خدا برگشته) است در عهد
 عتیق رساله ای است که به کتاب ایوب موسوم است . در کتاب
 دیانت اسرائیل (تألیف جناب محمد علی فیضی) صفحه
 ۷۵ مسطور است :

" ایوب نام شخصی بوده است که در سر زمین عوض در طرف

شرقی فلسطین نزدیک صحرای لم یزرع زیست مینموسد و دارای اموال و گوسفندان و خدمه بود و مردی بسوده است خدا ترس و دارای مقامات روحانی که مورد امتحان و آزمایش سخت خداوند قرار گرفته است ابتدا اموال و احشامش را کلدانیان بفارت برده و بستگانش را از دم شمشیر گذراندند و سپس خود او مبتلی به مرض سخت گردید که همه از او دوری میجستند و حتی مورد ملامت و سرزنش عیالش نیز قرار گرفت و با اینهمه احوال تن به رضای الهی داده در هر حال شاکر و صابر بود از این جهت صبر ایوب ضرب المثل گردید کتاب ایوب دارای ۴۴ باب و شرح حال او را بیان مینماید که ابتدا خداوند چگونه ثروت او را اخذ و به مرض سختی مبتلایش نمود و بعد مکالماتی را که سه نفر از دوستانش بنام الیفاز و بلد و شوحی و سوفر نعمانی با او در کیفیت عذاب الهی و مکافات و مجازات نموده اند شرح داده است و مراتب ثبات و استقامت و پایداری او را در تحمل بلاها و مصائب میرساند که بالنتیجه خداوند او را نجات داد و تمام اموالش را به او باز گردانید انتهی

در قرآن مجید در سوره مبارکه (ص) و سایر سور ذکر ایوب نازل شده و خداوند او را ستوده است و به استقامت

او در بلایا و صبر او در مصائب اشاره فرموده و حتی قسم داستان زوجه او را هم ذکر فرموده که چگونه ایوب قسم خورد که اگر زوجه اش بر گردد او را کتک بزند و پس از آنکه بیگناهی زوجه اش بر او ثابت شد خداوند چگونه به او یاد داد و تعلیم فرمود که قسم خود را درباره زنی بچه نحو انجام دهد تا خلاف قسم نکرده باشد و به زوجه بیگناهی هم آسیبی نرسد مفسرین اسلامی از سنن و شیعه داستان ایوب را با آب و تاب فراوان ذکر کرده اند . برای اطلاع به تفسیر کشف زمخشری و تفسیر علامه بیضاوی و از کتب شیعه به تفسیر مجمع البیان طبرسی و تفسیر صافی ملامحسن فیض کاشانی و کتب مرحوم مجلسی و غیره مراجعه شود . در قرآن مجید سوره (ص) میفرمایند که خداوند به ایوب فرمود در چشمه آب غسل کند تا زخمهای بدن و امراضش خوب شود و بر طرف گردد او هم این حکم را انجام داد و از امراض شفا یافت حضرت عبدالبهاء جل ثنائیه در لوحی در این خصوص میفرمایند قوله الاحلی :

" . . . آن چشمه چشمه نبوت بود و آن امراض امراض روحانی چون ایوب در چشمه نبوت الهی و محبت الهی داخل شد جمیع عوارض جسمانی و تقیدات نفسانی از

او دور شد ملهم به الهامات ربانی گشت . . . " انتهى
 باری جمال مبارك جل جلاله در سورة الصبر
 شرح حال این ایوب را مطابق نصوص اسلامی بیان
 میفرمایند و سپس درباره حاجی محمد تقی ایوب و
 واقعه نی ریز و شهادت جناب وحید و گرفتاری اصحاب
 آن حضرت و سایر امور آیات مبارکات از قلم مبارك جاری
 شده است .

۲۴ - سورة الذكر

قوله تعالى :

" هذه سورة الذكر قد نزلت بالفضل لعل ملاء الهیان
 ينقطعن عما عندهم و يتوجهن الی یمین المدل و یقومن
 عن رقد الهوی و یتخذن الی ربهم العلی الابهی علی
 الحق سبیلا بسم الله الاقدس العلی الاعلی هذا کتاب
 نقطة الاولی الی الذین هم آمنوا بالله الواحد اللفرد
 العزیز العظیم . . . "

قسمت اعظم این لوح نقل اقوال حضرت اعلی جل ذکره
 است که خطاب به اهل بیان میفرمایند که چرا بنظهور الله
 بی وفایی کردند و جمال قدم جل جلاله را قبول نکردند اند

از قرائن در بغداد نازل شده و مخاطبش معلوم نشد
فقط به او میفرمایند که توسط محمد ما برای تو لوحی
فرستادیم و به احمد برادر محمد نیز خطاب فرموده اند
و به احمد دیگری هم خطاب شده است .

٢٥ - سورة اللّٰه

قوله تعالى :

" هذه سورة الله قد نزلت بالحق من جبروتـه
المقدس العزيز المنير هو العزيز ان يا على بعد نبيل
اسمع ندا " ربك حين الذي يريد ان يخرج عن بينكم
بما اكتسبت ايدي الظالمين . . . الخ

این لوح در اواخر ایام توقف در بغداد نازل
شده هنگامی که اراده الهیه به عزیمت به اسلامبول قرار
گرفته بود و از آیات این لوح لحن حزن و اندوه آشکار
است . میفرمایند :

" فل يا قوم تالله الحق قد اخذتكم الغشوات على مقام
الذي تخرجون الله عن بيته و تذكرون اسمائه في كل
بكور و اصيل . . . الى قوله تعالى :

" و انتم لما اعرضتم عن جماله الا ولى في هيكله الاخرى

و انكرتم آياتہ و كفرتم بنعمته اذا يخرج من بينكم وحده
 حين الذى يكون منقطعا عن كل من فى السموات والارض...
 و كذلك كنت معذبا بين هولاء و عن ورائهم كان غضف^(١)
 (تاريخى و ابر) الفل عن ورائى و دياجن (ابرهاى
 تيره) البغضى عن يمينى و كان الله على ما اقول شهيدا
 الى ان بلغ الامر الى ان يفده الايام التى فيها يريد ان
 يستر جمال القدس من سندس الانس و ينقطع عن كل
 اناث و ذكور و عن كل صغير و كبير الا اللواتى جعلنسى
 الله كفيهن فى الحياء الدينا انه ما من اله الا هو له
 الخلق و الامر و كل عنده فى لوح حفيظ... الخ
 بیشتر شكايه حق از معرضين بيان و مخالفت يحيى است
 و مخاطب اين لوح مبارك محمد على است كه على بمس
 نبيل باشد .

٢٦ - (لوح سبحان ربى الاعلى) - حرف البقاء

اين لوح به اعزاز حاجى ميرزا موسى جواهرى در بغداد
 نازل شده است :

" يا حرف البقاء فالبس يفلين الانقطاع ثم امسش
 على رفراف الاعلى فسبحان ربى الاعلى هذه ارض البقاء و وقع

عليها رجل احد من الاولياء فسبحان من خلق فسوى
ان لا تحزن عن موارد الدنيا ثم اصمد الى جهنوت
الوفاء فسبحان ربي الاعلى و ان لك مقام مسمى فسوى
سرادق الابهى فسبحان خلق فسوى تسمع فيه نفسمات
الفردوس فوق سدرة المنتهى فسبحان ربي الاعلى وتشرب
فيه خم الحمرا عن جمال الله الاسنى فسبحان من
خلق فسوى و فيه تجد من فواكه القدس لا يحصى فسبحان
ربي الاعلى و تطير فيه في كل طرف باجنحة الياقوت
في ممالك الروحا فسبحان من خلق فسوى و تنطق فيه
على كل لحن بلحانات البقاء فسبحان ربي الاعلى و
تجذب من لحظات الجمال في غرفات الاجلى فسبحان
من خلق فسوى اذا تجد في نفسك انوار الهدى وتستفرق
في بحر اللجى المظلم فسبحان ربي الاعلى و تـرزق
من ثمرات الروح من شجره القصى فسبحان من خلق فسوى
و تسمع نداء الله على لحن الجهر من الخفى فسبحان
ربي الاعلى قل نزلت حور البقاء نزلة اخرى لتقبل هذا
القمر الدرى الاحلى فسبحان من خلق فسوى و اخذت
كثوب الحمراء بيده اليمنى فسبحان ربي الاعلى لتسقى
من رضى بهذا الرضوان في جنة الرضى فسبحان من
خلق فسوى رفعت يدها اليمنى و اتكات على رجليها

اليسرى فسبحان ربي الاعلى ثم ظهرت حاجب القوسا
 كالسيف الحدا و قطعت به الاكباد و الاحشاء فسبحان
 من خلق فسوى و حركت كتفيها ظهرت ثعبان السوداء فيما
 كشفت سود الشعر من تحت نقابها البيضاء فسبحان ربي
 الاعلى اذا بلغت كل في السماء الى تحت الثرى فسبحان
 من خلق فسوى و ارجعت الوجود الى الفناء فسبحان ربي
 الاعلى مرة كشفت وجهها ثم مرة غطا فسبحان من خلق
 فسوى و اذا كشفت خلقت الارواح و ارجعت القضاء الى
 الامضاء فسبحان ربي الاعلى ثم بعد ذلك غطت الوجوه
 مرة اخرى لئلا تغنى البقاء من هذا المنظر الحمرا فسبحان
 من خلق فسوى ثم ارفعت طرف برقع السوداء عن غرتها الضرا
 على تجلى بدعا فسبحان ربي الاعلى و قالت الست جمال
 المحبوب في وسط الضحى اذا صاحت طلعة الكبرى بلسان
 الجمال الوجود بان بلى ثم بلى فسبحان من خلق فسوى
 و اذا ترقص جواهر الروح في هياكل البقاء مما ظهر واخفى
 فسبحان ربي الاعلى تجذب افئدة المخلصين من انوارها
 النورا فسبحان من خلق فسوى و تولهت عقول المقدسين
 عما تتنزل و تعلى فسبحان ربي الاعلى اذا ناد المناد في
 وسط الاجواء على مركز البدا فسبحان من خلق فسوى
 فقالت و رب السماء نظرة اليها خير عن ملك الاخرة و الاولى

فسبحان ربي الاعلى ثم قامت وقامت قيامة الكبرى فسبحان
من خلق فسوى جلست وتزلزلت افئدة اولى النهى
فسبحان ربي الاعلى ثم بعد ذلك اخرجت عن خلف
شعرها لوحا من الزبرجد الخضراء فسبحان من خلق
فسوى وقرئت من اللوح حرفا من رموزها الاسرى اذا -
خرجت الارواح عن هياكل الاسماء فسبحان ربي الاعلى
ثم اشارت با نملة الوسطى وانعدمت الاذيان من آدم الى
عيسى فسبحان من خلق فسوى وحركت بعد ذلك
مرة بعد اولى اذا شقت الشمس في سما القضاء فسبحان
من خلق فسوى ثم عرت راسها وعلقت الجعد على شدى
صدرها فسبحان ربي الاعلى وظهرت صوت الله من
شعراتها في ذكر ربه العلى الاعلى فسبحان من خلق
فسوى اذا ظهرت آية الليل من جمدها الظلما وآية
النهار من جبينها البيضاء فسبحان ربي الاعلى وناارت
به نداء القدس في فردوس اللقاء فسبحان من خلق
فسوى فقالت ستفتنونى اصحاب التقى فسبحان ربي الاعلى
فستمنمون عن حرم الجمال في كعبة العما فسبحان من
خلق فسوى هذا رقم على لوح البقاء من قلم الاعلى
فسبحان ربي الاعلى وفيه حكمة من الاسرار التولا تشهدوا
ولا ترى فسبحان من خلق فسوى .

٢٧ - ساقی ازغیب بقا

از قصائد جمال قدم و اسم اعظم است که در مائده
آسمانی مندرج است .

٢٨ - زیارتنامه اولیا

در بغداد از قلم جمال قدم و اسم اعظم نازل شده است
و به ترتیب حروف تهجی در آن رعایت فرموده اند .
پس از نشر این زیارت نامه یحیی هم به تقلید
زیارت نامه ی اولیا بهم بافت و در آن لفات عجیبه
و مطالب غریبه مندرج ساخته است البته احباء اشتباه
نخواهند فرمود و کلام الهی را از کلام بشری تشخیص
خواهند داد .

٢٩ - باز آ و بده جامی

یکی از قصائد جمال قدم و اسم اعظم است که در بغداد
نازل شده و در مائده آسمانی مسطور و مندرج است .

۳۰ - لوح مبارك از باغ الهی

این لوح مبارك در بغداد در اواخر ایام اقامت نازل شده است نبیل در تاریخ خود شرحی در خصوص شأن نزول این لوح بیان فرموده که من در کتاب ایام تسعه در فصل متعلق به ایام رضوان عین عبارات نبیل را نوشته ام و در این مقام احتیاجی به تکرار ذکر آن نیست .

آغاز این لوح مبارك اینست قوله تعالی :

از باغ الهی با سدره ناری آن تازه غلام آمد

های های هذا جذبُ اللہی هذا خلع یزدانی

هذا قمیسی ربانی

با ابحر حیوانی با کوثر روحانی آن ربّ انام آمد

های های هذا عذب سبحانی هذا لطف رحمانی

هذا طرز عذبانی

این لوح بسیار مفصل است و خاتمه آن چنین است قوله تعالی :

" . . . باید اطیّار عرشی که قصد معارج قدسی نمایند

بوله و آهنگی تلاوت نمایند که جمیع من فی الطک را روح

قدسی و حیات ابدی و زندگی دائمی بخشند لعل

رشحات النار علی صدور الابرار قد کان باذن الله مرشوشا .

آیاتی که در بین راه از بغداد

تا اسلامبول نازل شده است

لوح هودج

قوله تعالى :

" تلك آيات ظهرت في خدر البقاء وهودج القدس حين
ورود الاسم الاعظم عن شطر السبحان في ارض السامسون
يم (۱) بحر عظیم اذا نزلت جنود وحی الله بطراز الـذی
انصمقت عنها کل من فی السموات و الارضین و اشرقت
قدامهم شمس الجمال فی هیکل قدس لطیف و خاطب
الفلك بما جرى من قلم الله من قبل فی لوح الذی خاطبناه
فیه ملاح القدس بنداء حزن خفی . . . "

این لوح مبارک به لوح سامسون هم معروف است
چون جمال مبارک در آخرین روز سفر خشکی از بغداد
به اسلامبول به سامسون نزدیک شدند و در میان هودج

(۱) — یم در اینجا لغت دارجہ عرب است بمعنی نزدیک
و مجاور است میگویند یم البیت یعنی نزدیک خانه . . .

که جالس بودند دریا را مشاهده فرمودند این لوح در میان هودج نازل شد تاریخ نزول آن جمادی الثانی سال ۱۲۸۰ هـ . ق مطابق با اگست ۱۸۶۳ میلادی است مندرجات این لوح مبارك از اول تا آخر همه در باره عظمت امر الهی و قدرت و جلالت مظهر امرالله و اظهار شوکت و جلال است . حضرت ولی امرالله درگاد پاسزبای بیانی به این مضمون میفرمایند :

” چون همیكل مبارك به بندر سامسون نزدیک شدند و از میان هودج بحر اسود را مشاهده فرمودند بخواهش میرزا آقا جان خادم لوحی موسوم به هودج ازلسان اطهر جاری شد در این لوح منیع مبارك بظهور امتحانات و فتن عظیمه اشاره فرموده اند و حوادث مندرجه در لوح ملاح القدس تأکید نموده و از وقوع بلیات و امتحانات شدید خبر داده اند . (ص ۱۵۷ انگلیسی)

الواح نازلہ در اسلامبول

۱ — لوح عبدالمعزیز و وکلاء

اصل این لوح و صورت آن در دست نیست . حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک در فصل وقایع اسلامبول بیانی به این مضمون میفرمایند :

” . . . توقیمی از قلم مبارک جمال قدم خطاب به سلطان عبدالمعزیز که خویش را فرمانفرمای مستبد و خلیفه اسلام و سلطان مقتدر آل عثمان میشمرد صادر شد ، (اصل و متن این توقیع و لوح مبارک در دست نیست ، ص ۱۵۸)

و نیز در گاد پاسزبای در همان فصل میفرمایند :

” . . . بعد از صدور حکم نفی در همان روز لوحی منیع از قلم مبارک شامل اندازات شدیدۀ عزّ نزول یافت و جمال قدم آن لوح را در روز بعد توسط شمس بییک در پاکتی سر بسته برای عالی پاشا فرستادند بشمس بییک فرمودند به عالی پاشا بگو که این خطاب از طرف خدا است

شمسی بیک مأموریت را انجام داد و بعدا به جناب کلیم گفته بود من نمیدانم چه مطلبی در آن نامه بود که عالی پاشا پس از مطالعه آن رنگش تغییر کرد و گفت مثل اینست که سلطان مقتدری به بنده زیر دست خود خطاب کرده حال عالی پاشا بقدری متغییر شد که من نتوانستم نزد او بمانم و فوراً بیرون رفتم . پس از ارسال لوح مزبور فرمودند عبدالعزیز و وزراء او بعد از اطلاع بیه مضمون لوح تصمیمی را که درباره ما گرفتند میتوان گفت تا اندازه حق داشتند ولی آنچه را قبل از صدور این لوح در حق ما مجری داشتند رفتاری ظالمانه بود بلا بینته و لا کتاب منیر بر حسب آنچه از گفتار نبیل زرنده بدست میآید لوح مبارک مزبور مفصل بوده و آغازش خطاب بسلطان عبدالعزیز بوده و اعمال او و وزراء او را بشدت نکوهش فرموده اند و عدم لیاقت آنان را برای تصدی آن امر خطیر تصریح کرده اند در آن لوح هیئت وزیران را مخاطب ساخته و آنان را پند و اندرز داده و متذکر داشته اند که به ریاست دنیا و شوق فانیه آن مفرور نگردند و بجلال و عزت ظاهره که دستخوش فنا و زوال است مسرور نشوند و اعتماد ننمایند . . . " انتهى

۲ - لوح سبحانك ياهو

این لوح مبارك مصروف به لوح ناقوس است . حضرت ولی امرالله جل سلطانہ در لوح مورخ پنجم شهر الجلال سنہ ۹۸ در جواب بدیع الله آگاہ آبارہ ای میفرماید قوله الاحلی :

" راجع به لوح ناقوس و شرح نزول آن فرمودند ایمن لوح در اسلامبول نازل شده بر حسب خواهش آقا محمد علی اصفهانی بواسطه حضرت عبدالبهاء و این لوح شب پنجم جمادی الاولی لیل صبحت حضرت اعلیٰ به خط مبارك جمالقدم مرقوم و مسطور گردیده تلاوت این لوح در همان لیلہ مبارکہ محبوب و مقبول . " انتهى

نزول این لوح در اسلامبول در سال ۱۲۸۰ هـ . ق مطابق ۱۸۶۳ میلادی بوده است .

۳ - مثنوی

از آثار مشهوره نازله از لسان الطهر منظر اکبر است کہ در مدینه کبیره اسلامبول نازل شده و در آخر آن بیانی موجود گسته حاکی از سوز فراق عراق و بیت مبارك و شدت

اشتیاق به منزل رب میثاق است در کتاب بدیع که از
الواح نازله در ادرنه است به نزول مثنوی در مدینه
کبیره تصریح شده میفرمایند . قوله تعالی :
" وقتی که جمال ابهی در مدینه کبیره وارد شدند چند
فردی فرموده اند بعضی از آن در این مقام ذکر میشود
و آن اینست :

ای صبا از پیش جانان يك زسان

خوش بران تا کوی آن زورائیان

پس بگویش گای مدینه کردگار

چون بماندی چون که رفت از برت یار

یار تو در حبس و زندان مبتلا

چون حسین اندر زمین کربلا

يك حسین و صد هزارانش یزید

يك حبیب و این همه دیو عنید

(کتاب بدیع خط زین المقربین طبع طهران ، ص ۳۰۳)

الواح ادرنه

حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک در فصل وقت
ادرنه الواحی را که از قلم جمال مبارک در آیین نقطه
نازل شده به دو قسمت منقسم فرموده اند :

قسمت اول الواحی که در ادرنه قبل از حصول فصل اکبر
از قلم الهی نازل شده است (یعنی در سال ۱۲۸۱ -
۱۲۸۰ ه . ق مطابق ۶۴ - ۱۸۶۳ میلادی)

قسمت دوم الواحی که بعد از فصل رهیب اکبر نازل شده
است (یعنی از سال ۱۲۸۱ ه . ق تا ۱۲۸۵ ه . ق
مطابق ۱۸۶۸ - ۱۸۶۴ میلادی)

در این مقاله ضمن دو قسمت درباره بعضی الواح
نازله در ادرنه گفتگو میکنیم .

قسمت اول بعضی الواحی که قبل از فصل اکبر از قلم

الهی نازل شده (۱۲۸۱ - ۱۲۸۰ ه . ق مطابق ۶۴ -

۱۸۶۳ میلادی)

۱ - سورة الامر

از الواح مبارکه نازله در ادرنه است و نام آنرا حضرت

ولی امرالله در کتاب قرن بدیع در فصل وقایع ادرنسه ذکر فرموده اند این لوح در اظهار امر و عظمت ظهورالله در سال ۱۲۸۱ هـ . ق - ۱۸۶۴ میلادی نازل شده و یک نسخه آن را برای یحیی ازل ارسال فرمودند و حجت الهیه بر او بالغ گردید ولی او به ظاهر سکوت کرد و چیزی نگفت و در باطن به مخالفت قیام کرد و جمال مبارک را دعوت نمود و جای مسموم به هیکل مبارک نوشانید و از همیمن وقت مقدمات فصل رهیب اکبر فراهم شد و جمال مبارک مرینی شدند و مدتی در بستر بودند و ابتدا دکتور شیشمان و بعد دکتور چوپان به معالجه قیام کردند و شرح آن در لوح قرن احبای آمریک در ضمن وقایع ادرنسه ذکر شده است .

۲ - لوح احمد (عربی)

این لوح مبارک بر حسب تصریح حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع در فصل وقایع ادرنسه قبل از فصل اکبر از قلم مبارک خطاب به احمد نازل شده است هیکسل مبارک حضرت ولی امرالله این لوح را به انگلیسی ترجمه فرموده اند . شرح حال احمد در کتاب محاضرات جلد

دوم به تفصیل نوشته شده است .

۳ - لوح حبیب

از الواح مبارکه جمال قدم است که به افتخار میرزا حبیب الله نازل شده مشار الیه به میرزای مراغه ای شهرت دارد و اصلا هم جناب میرزا حبیب الله مراغه ای است از شرح حالش چندان چیزی بدست نیامد ولی در سال ۱۳۱۴ هـ ش در طهران از متصاعد الی الله جناب میرزا تقی خان بهین آئین قاجار متوفی بسال ۱۳۱۴ هـ . ش کسه از مبلغین امرالله و از نفوس مخلصین بودند شنیدم که میفرمود آن بزرگوار در دوره حضرت اعلی جل ذکره به امر مبارک موءمن شد و در خفا میزیست و مخصوصا از زوجه خود که مسلمانی متعصب بود ایمان خود را پنهان میساخت و حکمت میکرد قضا را روزی زوجه اش در زیر بالاش او ورقی چند میبیند و میخواند و چون به علوم ادبیه آشنا بوده متوجه میشود که از آثار ظهور بدیع است و پنهان از شوهر خود به تحقیق میپردازد و تصدیق میکند ولی به شوهر خود چیزی نمیگوید و مدتی همین طور بوده تا عاقبت پرده از کار بر میدارد و هر دو نسبت بهم آگاه

میشوند میرزا حبیب الله از علماء بوده و در بغداد به حضور مبارك جمال قدم رسیده و به حقیقت امر آشنا بوده و قبل از اظهار علنی امر مبارك به حق عارف بوده و لوح مفصلی دارد که از جمال مبارك جل جلاله که به عنوان ح ب میباشد و نسبت به او اظهار عنایت میفرمایند و به او امر میشود که بعضی از نفوس غیر غافل را که در قزوین بوده اند و به ازل توجه داشته اند به آنان ابلاغ کلمة الله نماید و در همین لوح اساسی آن نفوس را ذکر فرموده اند از قبیل جواد و رحیم و زمان که مقصود جواد قزوینی ناقص مصروف و آقا میرزا رحیم عموی جناب سمندر قزوینی و کربلائی زمان قزوینی است که بعداً به امر مبارك توجه کرد و الواح بسیار دارد و مانند ابن نبیل و حاجی ابراهیم ملقب به خلیل و همه ایمن نفوس متوجه به حق شدند و از مرآت ظلمانی اعراض کردند و به شمس حقیقت جمال قدم جل جلاله توجه نمودند در این مقام بعضی از آیات لوح مبارك ح . ب را مینگارم .

قوله تعالى : بسم البهي الابهى الابهى

ح ب اسمع ندا الله من جهت

العرش بايات مهيمن مقدم العظيم لعل تقلب بكلك السى

موليك و تصيح بسلطان الامر بين السموات و الارضين ...

وانك انت تعلم ما ورد علينا بما اطلمت في سفرك بما لا
اطلع احد من العالمين لان لم يكن عندنا حين الذى
هاجرنا الى الله المهيم العزيز القدير من ذى بصر الا
انت لذا التفتت و عرفت مالا عرفه احد من هولاء المدعين
(اشاره به زمان هجرت جمال قدم است از بغداد كه در
آن اوان زمزمه يحيى و اتباعش بتدرىچ بظهور ميرسيده و ملا
حبیب الله بآن راز مطلع شده و به عرفان حق فائز گردیده)
و هذا من خمر الذى اختصك الله بها فاشرب و نفسك
سراً لئلا يطلع بها احد من هولاء الغافلين ثم اشكر الله
بما عرفك مالا عرفه احد من الخلائق اجمعين و اخذ يدك
بايدى القدرة و نجاك من بئر الففلة و انه ما من الله
الا هو و انه لولى المقربين . . .

این لوح بسیار مفصل و مهیم است و جمیع آن در
باره عظمت ظهور و ایرادات معرضین و مخالفین و يحيى
و پیروان و خطاب به غافلین و تحذیر آنان از احتجابست
و از جمله میفرمایند قوله تعالى :

” قل يا قوم ان هذا لخير الذى وعدتم به فى التسع
و به اخذ الله العهد عن كل الذرات فطوبى لمن وفست
بميثاقها قل قد ارتفعت خيام القدم و انتم يا اهل البيان
لا تحرموا انفسكم عنها ثم اسكنوا فى فنائها تالله قد اشمرت

سدرۃ البهاء فی هذا الرضوان الذی ظهر علی هیکل
 التربیع (حسین) فی هیئۃ التثلیث (علی) و انتم یا اهل
 سفن البهاء تقربوا بها ثم تنعموا من اشمارها قل یا قوم
 اتکفرون بآیات الله و تقرئون ما نزل من قبلها . . . ثم
 اعلم بان الذین هم كانوا فی هناك منهم من اعرض عن
 الله و کفر بآیات الله و منهم من آمن بربه و کان ممن نجس
 و امن ان الذین كانوا ان یستروا وجوههم فی جلابیب
 الستار خوفا من انفسهم (یحیی ازل) اذن خرجوا من
 خلف الدنان ثم اعترضوا علی هذا الجمال الاظهر الاکمن ..
 تلك سورة الاصحاب قد نزلناه بالحق و ارسلناها الیک
 لتقرئها علی الذین تجل من وجوههم نضرة الرحمن . . .)
 پس از این در لوح مبارک اسم چند نفر از مخلصین
 و مؤمنین را ذکر میفرماید و بانها اظهار عنایت میفرماید
 و در همین لوح مبارک است که راجع به مصرضین و اعداء الله
 فرموده اند . قوله تعالی :
 " تالله الحق من ینکر هذا الفضل الظاهر الباهر
 المتعالی المنیر ینبغی له بان یسئل عن امه حاله فسوف
 یرجع الی اسفل الجحیم . " انتهى
 مطابق همین مضمون در لوح کربلائی محمد رمان قزوینی
 هم میفرماید . قوله تعالی :

" قل من كان في قلبه بفض هذا الفلام فقد دخل
 الشيطان على فراش امه كذلك نلقى عليكم القول من
 هذه السدرة المرتفعة المتعالي محمود . " انتهى
 (مجموعه الواح قزوین خطی متعلق به محفل روحانی
 قزوین . ن)

۴ - لوح سیاح

مقصود از سیاح میرزا علی مراغه، مصروف به آدی گوزل
 است که به معنی " نیکنام " است مشار الیه عالمی متبحر
 بود و در آغاز امر حضرت رب اعلی موفق به تصدیق
 گردید و واسطه ایصال مراسلات و عرایض مؤمنین بس
 ساحت اقدس و ابلاغ توقیعات و اوامر مبارکه به مؤمنین
 بود در قلعه طبرسی خدمت جناب قدوس مشرف بس
 و پس از خاتمه قلعه به امر مبارک حضرت اعلی بسرای
 زیارت شهدای طبرسی به قلعه رفت و دستور مبارک را
 انجام داد و مراجعت کرد بعد از شهادت حضرت اعلی
 به کربلا رفت و دختر شیخ حسن زنوزی را گرفت و بس
 محضر جمال ابهی مشرف و مؤمن شد و مصائب بسیار
 دید و مورد عنایات الهیه بود لوح مبارک سیاح در سال

۱۲۸۱ هـ . ق مساوی با ۱۸۶۴ میلادی به اعزاز او نازل شده این لوح بسیار مفصل و بسیار مهم است و در لوح قرن احبای امریک همیکل مبارک قسمتی از آن را نقل فرموده اند در هنگام نفی جمالقدم و اصحاب به عکا مأمورین حکومتی میرزا علی سیاح را با سه نفر دیگر مزمین جمالقدم همراه یحیی ازل به قبرس فرستادند سیاح از معاریف اصحاب دور ابهی است و نام او در الواح مبارکه مکرر نازل شده آغاز لوح سیاح این طور است قوله تعالی :

” بسمی البهی الابهی ان یا علی فاشهد بانسی ظهور الله فی جبروت البقاء و بطونه فی غیب العما و جمال القدم فی ملکوت البها و سانج الروح فی قمیص الاعلی و کل خلقوا بامری و یطوفن فی حولی و کل بامری لمن العالمین .. ”

حضرت ولی امرالله در صفحه ۱۸۴ گاد پاسزبای به این مضمون بیانی میفرمایند که بر حسب اظهار نبیل در تاریخ خود جمالقدم در سالهای اول ورود به ادرنه در لوح سیاح اشاره به سجن عکا فرموده آن را وادی النبیل لقب دادند عدد کلمه عکا و نبیل با هم برابر است (۹۲) و در همین لوح سیاح در باره عظمت امرالله و سرعت نفوذ آن میفرمایند . قوله تعالی :

” و وجدنا قوما استقبلونا بوجهه عز دریا و هیاکل قدس

احديا و كان بايديهم اعلام النصر و كان مكتوبا عليهما من قلم ياقوتى حمر تالله هذه لاعلام نصر الله التى كانت بدوام الله فى ظلل هذا الاسم مرفوعا . . . اذن نادى المناد فسوف يبعث الله من يدخل الناس فى ظل هذه الاعلام . " انتهى

٥ - سورة الدم

هذه سورة الدم قد رشحناها من بحر الغيب ليكون آية ظهورى بين الخلائق اجمعين هو الباقي فى العرش باسمى البهى الابهى ان يا محمد اسمع ندا ربك عن هذا المقام الذى لن يصل اليه ايدى الممكنات ولا افئدة الموجودات . . . الخ

مخاطب اين لوح جناب نبيل زرندي است و پس از آياتى مفصل ونصائح بسيار اورا امر به تبليغ ميفرمايند -
قوله تعالى :

" و انك انت يا هدهد السباء اذهب بكتابي الى مدائن الله و ان يسئلك الطيور عن طير القدس قل انى تركتها حين التى كانت تحت مخالبا الانكار و منسر الاشرار و ما كان عنده من ناصر الا الله الذى خلقه و سواه و جعله

سراج جماله بين السموات والارض ان انتم توقنون و ان
 وجدت احدا من احبائى يسئل منى قل تالله انسى
 خرجت عن مدينة السجن و حين الذى كان الحسين
 مطروحا على الارض و كان ركة الشين " شمر " على صدره
 و يريد ان يقطع راسه و كان السنان (سنان ابن انس)
 واقفا تلقاء الراس و ينتظر بان يرفعه على السنان كذ لك
 كان الامر فى السر ان انتم تشعرون . . . الخ
 اين لوح مبارك در ادرنه " مدينة السجن " نازل
 شده و حضرت ولى امرالله در گاد پاسزباى در فصل
 وقايح ادرنه تصريح فرموده اند عمده بيانات مبارکه در
 اين لوح تذکر به نفوس و تنبه آنان به توجه الى الله
 و ايمان به مظهر امرالله است .

۶ - سورة الحج

قوله تعالى :

" هذه سورة الحج قد نزلناها بالفضل ليستقرب
 بها العباد الى الله ربهم و رب البيت العظيم هو
 المهاجر المميز البديع تلك آيات الله قد نزلت حينئذ
 عن قطب البقاء . . . " اين لوح مبارك حاوى اعمال

حج بیت مکرم شیراز است و مخاطب آن جناب نبیل زندی است که به او امر میفرمایند به شیراز برود و جمیع اعمال نازله در این لوح مبارک را مفصل و جمیعا انجام دهد و از هیچکس ترس و بیعی نداشته باشد و او هم میروند امر مبارک را اطاعت میکند و جمیع اعمال را بجا میآورد مرحوم افغان حاجی میرزا حبیب اعلائی علیه الرحمة میفرمود نبیل به شیراز آمد و اعمال حج را بجا آورد و مردم که میدیدند میگفتند این مرد دیوانه شده است . ولی او به این حرف اهمیت نداد و تأموریت خود را انجام داد و شرح این داستان را خود نبیل زندی در مثنوی وصل و هجران خود ذکر کرده است . قوله :

که ناگه به من سوره^۴ حج رسید

که بر شطر شیراز باید دوید

بی طوف بیت خدا یکد لــــه

ز شوق و شغف پوی با هر ولــــه

بآداب منزل در لوح یــــار

شدم طائف بیت پروردگار

بشرحی که در این مثنوی و در سایر مواضع صریح است

لوح حج در ادرنه نازل شده است و لوح حج ثانی هم

که در باره مراسم حج بیت اعظم بغداد است در ادرنه

نازل شده و در ضمن لوح اعظم نبیل زرنندی را پس از خاتمه دوران مأموریت حج بیت شیراز امر فرمودند که به بغداد برود و مراسم حج بیت مبارک را انجام دهد و در همان لوح است که سعی کند ندای الهی را بشنود . حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای صفحه ۱۷۷ - ۱۷۶ درباره این مأموریت نبیل زرنندی فرموده اند و میفرمایند که نبیل امر مبارک را انجام داد و . . . خود نبیل زرنندی در مثنوی هجر و وصال خود میگوید که چون لوح مبارک اعظم که حاوی مراسم بیت و حج است رسید رفتم و اعمال را بجا آوردم و ندای الهی را استماع نمودم قوله ره :

از آنجا چو راجع شدم با سرور

شد از لوح اعظم دلم پر ز نور

که باید سوی بیت اعظم روی

به بغدادش از شوق طائف شوی

چو وارد شوی بر سرای حرم

نیوشی زهر نغمه ام لا جرم

اگر نشنوی نیست بهرت گزیر

عمل را به اخلاص از سر بگیری

بحول الله از سدره ارتفاع

بظاعر شد آواز شه استماع

بشکرانه ساجد شدم بهردوست
 که این فضل هم از عنایات اوست
 بهرجا بجسم وجسد حاضر است
 به اعمال هر عاملی ناظر است
 وز آنجا شدم عازم ارض ســـــر
 که فائز شوم زود بر کل پـــــر...
 در بیت مبارک شیراز سوره حج به خط مرحوم عندلیب
 لاهیجانی شاعر معروف موجود است که در حین زیارت
 بیت مبارک تلاوت میشود . بیت مبارک بغداد هم هجالة
 در تصرف امر نیست .

۷ - لوح الروح

قوله تعالى :

هذا لوح الروح قد نزل بالحق و جملة الله
 روحا حيا حیوانا لیحیی به افئدة العالمین هو الباقی
 ببقاء نفس المهیمن القیوم لان نفسی نفسه لو انتـــــم
 تشعرون فسبحان الذی فی قبضته ملکوت ملک الایات ...
 در اول ذکر علی را فرموده اند و او را از فریب شیاطین
 و مخالفین بیان بر حذر داشته اند " ان یا قلم القدم

ذكر الملى بما القى الشيطان فى صدور الذين هم
 اعترضوا على الله . . . و مفرضين بيان را به خطاها ت
 شديده مخاطب فرموده اند و مكرر على را مخاطب
 داشته اند اين لوح در ادرنه نازل شده زيرا در آن به
 صراحت ذكر فرموده اند كه مخالفين يعنى يحيى و اتباعه
 فتواى قتل جمال قدم داده اند و اقدام کردند و چون
 موفق نشدند شهرت دادند كه جمال قدم ميخواستند
 يحيى را مسموم كنند و عمل خود را به حق نسبت دادند
 و اين امور كلا در ادرنه بوقوع پيوسته است قوله تعالى :
 " ان يا على انك اطلعت فى سفرك هذا بما ورد على
 و سمعت مقالات المشركين فى حقى و كنت من الشاعدين
 الى ان قاموا على و افتوا على قتلى بعد الذى بقيامسى
 بين السموات و الارض ظهر امر الله و ارتفع ذكره بين
 العالمين و بذكرى رفع ذكر هولاء و علت اسمائهم واشتهرت
 آثارهم بين الخائفين انا كنا نحفظهم من ضر الذين
 ارادوا قتلهم من ملك الارض و جعلنا اهلى خدما لا نفسهم
 فى كل ساعة و فى كل حين و هم اشتغلوا فى سر السر
 على المكر فى امرى و كانوا ان يسوسوا فى صدور الذين
 مرت على قلوبهم نسائم الرحمن من هذا الرضوان الذى
 خلقت فى ظل ورقة منها جنات عز منيع الى ان قاموا على

قتلی وانا عفونا عنهم بعد قدرتی وسترت عنهم بمــــد
سلطانی و تجاوزت بحلمی و انا المقتدر علی ما اشاء
و انا العزيز الکریم المتعالی الضفور الرحیم و مع ما
اطلمت بکل ذلك سوف تشهد بانهم ينسبون کل ذلك
و ما فعل بی بنفسه بحيث ينسب الظالم . . . (یحیی)
نفسه الی المظلومیة الصرْفه اذن انت تطلع یكذبهم و
تعرف ابتلائی فی عشرين من السنین .

این وقایع در ادرنه بوده و سال بیست هم همان ایام
توقف همیکل مبارک در ادرنه بوده است و نیز مسائلهای
که شاهد نزول لوح در ادرنه است این است که میفرمایند
من در خانه ای تنها و غریب هستم و کسی با من نیست
حتی یک روز یکی از معارف بدیدن من آمد خودم در را
بروی او باز کردم زیرا کسی نبود که خدمت کند و از او
پذیرائی نماید و این مسئله بعد از قضیه اقدام به قتل
جمال قدم جل جلاله از طرف یحیی بوقوع پیوست و همیکل
مبارک از بیت خارج شدند و در بیتی وحده ساکن شدند
و در را بروی خود بستند اینک عین بیانات الهیه در این
لوح مبارک . قوله تعالی :

" ان یا علی قد اشد علی الامر علی شان ضیعت
حرمتی بین الناس لعل یرفع بذلك ایدی البغضاء عن

رأس و لو انهم ما يرضون بشيئى الابان يسفكوا دى على الارض و يحمر به غذائر الحوريات (گيسوان حور) على غرفات قدس منيع و بلغت فى الذلة الى مقام الذى جلست فى البيت وحيدا فريدا و ترا بحيث اراد رئيس المدينة ان يحضر بين يدي الخلام وجد الباب مفلوكة و اذا فتحنا الباب على وجهه ما كان عندنا من احد ليخدمه و بذلك بكت الاشياء كلها و تقطعت اكياد المقربين . . . ”
 و نیز از ادرنه كه اين لوح در اينجا نازل شده
 چنین تعبیر فرموده اند :

” الذى قاموا على قتلى فى هذا الايام التى قامت على كل الملل و حبسونى فى هذا الارض المظلم البعيد ”
 و بعد از ذكر مصائب و بليات خود بيانى مؤثر و حزن انگيز شروع به مناجات فرموده و مناجات مفصلسى در اين لوح فازل فرموده اند و شرح مصائب وارده خود را در آن يکايک به لحن مناجات ذکر فرموده اند . . . و بعد از مناجات خطاب به احباء بيانات مفصله نازل شده تا مىرسد به اينجا که مىفرمايند قوله تعالى :

” ثم اعلم يا على بان حضر بين يدي الله كتاب من احد من اهل القاف (قزوین) الذى توقف فيه هذا الامر من قبل و سئل فيه عن شأنى و انا اجبناه فى هذا اللوح

بكلمات التي تستجذب منها افئدة المقربين . . . الخ
 مقصود از این شخص قزوینی حاجی ابراهیم قزوینی است
 که در باره مقام جمال قدم جل جلاله و ابناء و در باره
 فطرت سوءال کرد و لوح مصروف به لوح ابناء در جوابش
 صادر شد و قسمتی از آن را حضرت ولی امرالله جل
 سلطانه در گلی نینگز به انگلیسی ترجمه فرموده اند و
 بعدا حاجی ابراهیم موءمن شد و مخلص و ملقب به خلیل
 گردید و مشرف شد و مورد عنایت بود و در دوره میثاق
 هم ثابت بود و الواح بسیار از حق منیع و مرکز میثاق جل
 ثناءه دارد که الان در مقابل این عبد موجود است و
 اخلافش امروز در طهران در ظل امرالله هستند . . .
 بعد در این لوح الروح جواب سوءال علی مخاطب لوح
 را داده اند که از مقام صاحب امر سوءال کرده است و
 بعدا اشاره به اعراض مردم از مظاهر امرالله از آدم تا
 خاتم فرموده و تا دوره حضرت اعلی و حضرت بهاءالله را
 ذکر میفرمایند و عظمت مقام صاحب امر را مفصلا بیان
 میفرمایند و پس از بیانی طولانی لوح مبارک به پایان
 میرسد این لوح مبارک شامل رموز و اسرار و حقایقی است
 که شرح آن به لسان و قلم بشر ضعیف ممکن نیست بایست
 احباء خودشان لوح مبارک را بخوانند و بفهمند و شکر

جمال قدم جل جلاله را در مقابل این همه نعم و آلاء
روحانیه و موائد سماویه که به خلق خود عنایت فرموده
است بجای آورند .

قسمت دوم

الواحی که پس از حصول فصل اکبر
در اردنه نازل شده (۱۲۸۵-۱۲۸۲
ه . ق مطابق ۱۸۶۴ میلادی)
بعضی از آن الواح ذکر میشود

۸ - سوره ملوک

حضرت ولی امرالله در گار پاسزبای میفرمایند (صفحه
۱۷۲ - ۱۷۱) بیانی به این مضمون :
" مهمترین آثار عظیمه صادره از قلم جمال مبارک
که در اردنه بعد از حصول فصل اکبر نازل شده سوره
ملوک است همیکل مبارک در این لوح عظیم برای اولین
بار رؤسا و بزرگان و سلاطین روی زمین را در شرق
و غرب مخاطب قرار داده اند بطور عموم و علاوه بر این
پادشاه عثمانی و وزرای آن مملکت و سلاطین مسیحی

و نمایندگان سیاسی فرانسه و ایران را که در اسلامبول پایتخت عثمانیان مقیم بوده اند و پس از آن مشایخ و حکام و ایرانیان و مردم ساکن مدینه اسلامبول و فلاسفه جهان را همریک بخطابی خاص مخاطب داشته اند و نیز در گاد پاسزبای بیانی به این مضمون میفرمایند : (ص ۱۷۲)

” جمال قدم در سوره طوك امرالله را به سلاطین و بزرگان عالم ابلاغ فرمودند و آنان را به اطاعت از دین الله دعوت نمودند حقانیت دعوت و امر مقدس حضرت باب را اثبات فرمودند و بزرگان و امرای عالم را از عدم اقبال به امرعظیم الهی سرزنش کرده و به آنها نصیحت فرموده اند که راه عدالت در پیش گیرند و به اصلاح امور همت گمارند و از اختلاف ممانعت نمایند مصارف جنگ و ستیز را تقلیل دهند و از تجهیزات عسکریه بکاهند سپس شرحی از مصائب خود را بیان میفرمایند و زمامداران را به رعایت حال فقرا متوجه میسازند و میفرمایند اگر به نصیحت و پند و اندرز خالصانه الهی اهمیت ندهند و غفلت کنند عذاب خداوند از جمیع جهات آنان را احاطه خواهد کرد قوله تعالی :

” ان لن تستنصخوا بما انصحناكم في هذا الكتاب بلسان بدیع مبین یاخذکم العذاب من كل الجهات . . . ”

در باره ارتفاع امرالله و نزول نصرت الهی میفرمایند قوله
تعالی :

" انا كتبنا على نفسنا نترك في الملك و ارتفاع امرنا
ولولن يتوجه اليك احد من السلاطين . "

پادشاهان مسیحی را نیز در این لوح مبارک بواسطه
عدم توجه و اقبال به امرالله مورد سرزنش و ملامت قرار
داده میفرمایند : قوله تعالی :

" فاذا جاء روح الحق . . . ماتوجهتم اليه و انتم
بلمعب انفسكم لمن اللاعبين . . . و كنتم في وادي الشهوات
لمن المتحيرين فوالله انتم و ما عندكم ستفنى و تر جمون
الى الله و تسئلون عما اكتسبتم في ايامكم في مقر السذی
تحشر فيه الخلائق اجمعين . "

همچنین در این لوح خطاب به سلطان عبدالعزیز میفرما^{یند} :
" اسمع قول من . . . كان على قسطاس حق مستقيماً . . .
و به او نصیحت میفرمایند که در امور بشخصه اقدام نماید
و به وزیران بی لیاقت اعتماد نکند و به ثروت و شکوه
و شوکت دنیا مفرور نشود در هرکاری طریق اعتدال را در
پیش گیرد و در " مناهج عدل قویم " قدم بر دارد و همچنین
در این لوح شرح مصائب ویلایا و سرگونی خود را از مدینه
کبیره به ادرنه و تسلیم و رضای خویش را در قبال اراده

خدا و اطاعت و انقیاد خود را از او امر سلطان و وزیران تشریح فرموده و بیان کرده اند و در آخر مقال در باره او دعا فرموده اند که به عرفان حق و اجرای او امر و احکام الهیه موفق شود .

و نیز در گاد پاسزبای میفرمایند (ص ۱۷۵ - ۱۷۴) بیانی به این مضمون " قلم اعلی در سوره ملوک رفتار و کردار و زرای سلطان را مورد ملامت قرار داده و آنان را به ترك پیروی نفس و هوی و اطاعت از او امر خدا نصیحت میکنند و آنان را انداز میفرمایند که بزودی جزای اعمال خود را خواهند دید و آنان را از ظلم و جور تحذیر و به عدل و انصاف ترغیب مینمایند و در پایان گفتار حقانیت امرالله و مظلومیت مظهر امر الهی را ثابت و مدلل میسازند در همین لوح منیع سفیر پاریس را که مقیم اسلامبول بسود مخاطب ساخته اند میفرمایند که تو با سفیر ایران در مخالفت امر حضرت رحمن همداستان شدی فرمایش حضرت مسیح را که در انجیل وارد شده به او متذکر میشوند و میفرمایند که در نزد خدا و در پیشگاه عدالت الهی از اعمالی که مرتکب شده باز خواست خواهی شد و سؤال و سؤال و مؤاخذه خواهی بود و میفرمایند مبادا رفتاری را که نسبت به من کردید با دیگری بنمائید . قوله تعالی :

" ایاکم ان تفعلوا باحد کما فعلتم بنا " و نیز در همین لوح منیع سفیر ایران را مخاطب قرار داده اند و خبیث طینت و افکار نالایقه او را آشکار فرموده اند و با اینهمه سوگند یاد فرموده اند که از او به هیچوجه بغض و کینه‌ئی در دل ندارند بقوله تعالی :

" فوالله لم یکن فی قلبی بغضک ولا بغض احد من الناس . " و پس از آن خطاب به او میفرمایند " لو تطلع بما فعلت لتبکی علی نفسک " و بعد میفرمایند که این غفلت و بی خبری تو تا آخر عمر باقی خواهد ماند و بعد شرحی در باره گرفتاری های در طهران و عراق و بسد جنسی و خبیث نیت قونسول ایران در بغداد (میرزا بزرگ خان قزوینی) و محمد ستی و کمک سفیر با قونسول مزبور بیاناتی فرموده اند .

و در همین لوح جمالبارک و شایخ و رؤسای اهل سنت را در اسلامبول مخاطب قرار داده اند میفرمایند شما به واسطه اعراض از حق از حیات معنویه محروم هستید و غرور و نخوت شمارا از عرفان الهی بی نصیب کرده و آنان را به عظمت امرالله متذکر میدارند و میفرمایند که اگر پیشوایان و ائمه شما در این روز خاضع بودند " لیطوفن حولی ولن یفارقنی فی کل عشی و بکور " . به مشایخ مدینه

کبیره میفرمایند که شما از عابدین اسماء هستید و طالب دنیا و ریاست میباشید و با این حال هیچ عملی از شما در پیشگاه قدس خداوندی مقبول نخواهد بود و الا بان تجدد وا عند هذا الصبدان انتم تشمرون ."

حکمای مدینه کبیره و فلاسفه ارضی در این لوح مبارک در آخر مخاطب قرار گرفته اند به آنها نصیحت میفرمایند که از علوم ظاهره دچار غرور نشوید و از بحر علم لایزالی خود را محروم مسازید . جمالقدم در این مقام حقیقت حکمت را تشریح میفرمایند و مراتب ایمان و اعمال حسنه و کردار پسندیده و اخلاق مرضیه را بیان میکنند و بسه واسطه آنکه این نفوس از عرفان اصل و منبع حکمت و علم محروم مانده اند و او را نشناخته اند آنان را ملامت میفرمایند و به آنان خطاب میفرمایند که " اوصیکم فی آخر القول بآن لا يتجاوزوا عن حدود الله ولا تلتفتوا الی قواعد الناس و عاداتهم " و همچنین در این لوح مبارک به ملامت مدینه خطاب فرموده اند بقوله تعالی :

" انا ما نخاف من احد الا الله وحده . . . ولا نقول

الا ما امرت و مانبتبع الا الحق بحول الله و قوته ."

در باره غفلت و انهماك پیشوایان و رؤسا در شئون نفسانیه میفرمایند " فلما وردنا المدینه (اسلامبول)

وجدنا رؤسائها كالأطفال الذين يجتمعون على الطين
 ليلصبوا به و ما وجدنا منهم من بالغ لنعلمه ما علمنى الله"
 به مردم نصیحت میفرمایند که اوامر الهی را اطاعت کنند
 و از عناد با حق و دوستان حق پرهیز نمایند سپس
 درباره حضرت سیدالشهدا^۱ و مصائب و مظلومیت آن بزرگوار
 آیاتی میفرمایند و مقامات عالیّه آن حضرت را ستایش
 مینمایند و از درگاه خداوند فوز به چنین مقام شهادت
 و فداکاری را در سبیل الهی مسئلت مینمایند و میفرمایند
 بزودی نفوس مخلصه فداکار بمصوئ خواهند شد که
 بباد بلایا و مصائب حق در این ایام بیفتند و برای
 احقاق حق مظلومان قیام نمایند و سپس بنفوس غافل
 تأکید میفرمایند که آیات الهیه را با گوش جان بشنوند
 و بسوی خدا توبه و انابه نمایند ملاء اعجام را نیز در
 این لوح مخاطب فرموده و نصیحت مینمایند بقوله تعالی
 "اعلموا یا ملاء الاعجام بانکم لوتقتلونی یقوم الله احدا
 مقامی . . . اتریدون ان تطغئوا نورالله فی ارضه ابی الله
 الا ان یتمّ نوره ولو انتم تکرهوه فی انفسکم . . ."

۹ - کتاب بدیع

این لوح در سال ۱۲۸۳ هـ . ق در ادرنه بعد از فصل
 رهیب اکبر در جواب شبهات یکی از معرضین بیان گه
 مقیم اسلامبول بود از لسان اطهر بنام آقا محمد علی
 تنباکو فروش اصفهانی نازل شده . حضرت ولی امرالله
 در فصل ادرنه و وقایع آن در کتاب قرن بدیع ص ۱۷۲
 بیانی به این مضمون میفرمایند :

" از جمله آثار مهمه صادره از قلم جمالبارک کتاب بدیع
 است که در رد مفتریات و اعتراضات میرزا مهدی رشتی
 و جواب اعتراضات اهل بیان نازل شده و مانند کتاب
 ایقان که در اثبات دعوت الهیه حضرت باب از قلم
 مبارک نازل شده دارای اهمیت و مقام عظیم است ."

۱۰ - لوح اول ناپلئون سوم

در گاد پاسزبای ص ۱۷۲ باین مضمون بیانی فرموده اند
 " دیگر لوح اول امپراطور فرانسه ناپلئون سوم است که در
 آن لوح مبارک اظهارات و بیانات امپراطور را در مقام
 آزمایش در آورده اند و در صفحه ۱۷۳ باین مضمون

میفرمایند :

" لوحی مخصوص ناپلئون سوم امپراطور فرانسه در ادرنه از قلم مبارك نازل شده و بواسطه سفیر آن دولت برای ناپلئون ارسال گردید در آن لوح فرموده اند که در محاربه روس ما شنیدیم تو گفته ای که مظلومان را حمایت میکنی و از حقوق بی پناهان دفاع مینمائی لهذا در مقام آزمایش بر آمدیم و به او خطاب نمودیم که مظهر حق و اولیای او بانهایت مظلومیت دچار ستمکاران هستنند وقت آن است که به قول خود وفا کنی و از این مظلومان دفاع کنی و آنان را از چنگال ظالمین برهانی . . . انتهی

لوح اول ناپلئون سوم در سال ۱۲۸۳ هـ . ق مساوی با ۱۸۶۶ میلادی در ادرنه نازل شده حضرت ولی امرالله در توقیع منیع روز موعود فرارسید در باره ناپلئون سوم و الواح منیمه صادره از قلم اعلی خطاب به او بیانی مفصل فرموده اند و در اینجا مجمل و خلاصه‌ای کوتاه از مضمون فرموده مبارك را نقل میکنیم (ص ۴۵ بعد)

در زمانیکه حضرت بهاءالله در ادرنه خطاب به ملوک و سلاطین جهان سوره ملوک را نازل و ابلاغ فرمودند از همه سلاطین روی زمین امپراطور فرانسه عظیمتر و مهمتر بود ناپلئون سوم پسر لوئیز بناپارت برادر ناپلئون اول مهمترین سلاطین

غرب محسوب میشد و پایتخت فرانسه مهمترین عواصم اروپا
شمرده شد و دربار فرانسه درخشانترین و پرآرایشترین
دربارهای قرن هیجدهم بود و ارثتخت و تاج ناپلئون
کبیر ابتدا در تصرف مقام سلطنت دچا رشکست شد و
مجبور بخروج از فرانسه گردید و به امریکا سفر کرد و پس
از گرفتاری خلاصی یافته به لندن عزیمت نمود تا آنکه
به سال ۱۸۴۸ و سائل مراجعت او به فرانسه فراهم آمد
و بعد از وقایعی خود را بنام ناپلئون سوم امپراطور فرانسه
خواند . . . زندانی عکا که بحکم سلطان عبدالعزیز محبوس
شده بود از پشت دیوارهای قشله عسکریه که در آن —
محبوس بود صدای خود را به چنین مرد مفروری مانسد
ناپلئون سوم رسانید و به او خطاب فرموده که قوله تعالی
" نشهد انه ما ایقظک النداء " (یعنی فریاد و
فغان ترکهای که در بحر اسود غرق شده بودند) بل
الهوی لانا بلوناک وجدناک فی معزل . . . ولو کنت صاحب
الکلمة ما نهذت کتاب الله وراء ظهرک (لوح اول ناپلئون
سوم) اذ ارسل الیک من لدن عزیز حکیم . . . بما فعلت
تختلف الامور فی مملکتک و یخرج الملک من کفک جزاء عملک
(لوح اول ناپلئون که از قلم جمال قدم خطاب به ناپلئون
نازل شده بود توسط یکی از وزرای فرانسه به امپراطور

داده شد حضرت بها^۱ الله در لوح ابن الذئب در این خصوص میفرمایند قوله تعالی :

"لوحی به او ارسال نمودیم جواب نفرمودند (لوح اول) و بعد از ورود در سجن اعظم از وزیر ایشان نامه و دستخطی رسید اول آن به خط عجمی و آخر آن به خط خودشان مرقوم داشته بودند و اظهار عنایت فرموده بودند و مذکور داشتند که نامه را حسب خواهش رساندم و الی حیثین جوابی نفرموده اند ولیکن به وزیر مختار خود مان در علیه وقونسولوس آن اراضی سفارش نمودیم هر مطلبی باشد اظهار فرمائید اجرا میگردد از این بیان ایشان معلوم شد مقصود این عبد را اصلاح امور ظاهره دانسته اند . . "

حضرت بها^۱ الله در لوح اول به او چنین فرمودند
قوله تعالی :

" انا سمعنا منك كلمة تكلمت بها ان سألک ملک السروس

عما قضی من حکم الفزا (جنگ کریمه) . . . "

گویند وقتی که لوح اول جمال قدم به ناپلئون سوم رسید آن سلطان مفرور لوح الهی را دور انداخت و گفت . " اگر این شخص خداست من دو خدا هستم " ترجمه لوح ثانی نیز برای او ارسال شد حامل آن لوح در حین عبور از درب سجن آن را در کلاه خود پنهان کرد تا از گزند

سربازان محفوظ ماند و آن را به قونسول فرانسه که در عکا اقامت داشت تسلیم نمود نبیل زرنندی در تاریخ خود میگوید این لوح به لغت فرانسه ترجمه شد و برای امپراطور فرستادند قونسول فرانسه در عکا پس از مشاهده ظهور اندازات الهیه در آن لوح در باره ناپلئون سوم به امر مبارك اقبال نمود آنچه را حضرت بهاءالله در لوح دوم — انداز فرموده بودند همه تحقق یافت و دستگاه امپراطوری ناپلئون بهم پیچیده شد در جنگ سدان در سال ۱۸۷۰ دوره امپراطوری فرانسه خاتمه یافت و پس از انقلاب جمهوری اعلان شد ناپلئون سوم محبوب گردید و یگانه پسر ناپلئون سوم چند سال بعد در جنگ زولوس به قتل رسید . . . ویلهلم اول پادشاه پروس امپراطور المان گردید و در همان قصری که نماینده قدرت و یادگار عظمت دوران سلطنت لوئی چهاردهم بود تاج گذاری کرد آری دوره عظمت فرانسه و ناپلئون سوم خاتمه یافت . . .

در دائرة المعارف بریتانیا میگوید که ناپلئون سوم مسمی به چارلس فرزند همورتلز دختر ژوزفین زن مطلقه ناپلئون اول و لوئی بناپارت برادر ناپلئون اول بود چارلس سه ناپلئون سوم مشهور شد مشارالیه ابتدا بریاست جمهوری فرانسه منصوب شد و در دوم دسامبر ۱۸۵۲ خود را امپراطور

فرانسه نامید و در سال ۱۸۷۰ با پروس جنگ کرد و اسیر
بیسمارک گردید و در نزدیک لندن در چیزل هورست
محبوس شد و عاقبت در ۱۸۷۳ وفات یافت .

۱۱ - لوح سلطان ایران

این لوح در اردنه به سال ۱۲۸۴ هـ . ق ۱۸۶۷ میلادی
نازل شده و مخاطب آن ناصر الدین شاه قاجار است که
پس از پدرش محمد شاه قاجار که نسبت به هیگل مبارک
حضرت رب اعلی آن ظلم شدید را روا داشت و در سال
۱۲۶۴ هـ . ق به مرض نقرس در گذشت بجای پسر
به تخت سلطنت نشست و مظالم شدیده نسبت به مظهر
امرالله مرتکب شد و بسیاری از اعیان الهی را از دم تیغ
و شمشیر گذرانید و پس از ۹ سال سلطنت در اوقاتی
که میخواست جشن پنجاهمین سال پادشاهی خود را -
منعقد سازد به ضرب گلوله میرزا رضای کرمانی از پیروان
سید جمال الدین افغانی در حرم حضرت عبدالعظیم
که در ری زیارتگاه مسلمین است از پا درآمد بسال
۱۳۱۳ هـ . ق و در همان جا مدفون شد .

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای صفحه ۱۷۳-۱۷۴

در فصل وقایع ادرنه در باره نزول لوح مبارک خطاب به مشارالیه بیانی به این مضمون میفرمایند .

" از قلم مبارک جمالقدم خطاب به ناصر الدین شاه لوحی نازل شد که از سایر الواح خطاب به سلاطین جهان مفصلتر است در این لوح منیع مصائب و بلیات وارده بر همیکل اطهر را به تفصیل بیان فرموده اند و متذکر شده اند که در حین توجه به عراق پس از خلاصی از حبس طهران بی گناهی وجود مبارک در محضر سلطان ثابت شد او را سوگند میدهند که نسبت به مردم بمعدل و انصاف رفتار کند و میفرمایند که من به اراده الهیه و مشیت ربانیه برای ابلاغ کلمة الله قیام نموده ام و از محبت خالصی که بتو دارم تورا نصیحت میکنم و در این لوح میفرمایند که من به یگانگی خداوند جهان و حقانیت انبیا و مرسلین اقرار و اعتراف دارم و چند موضع به لسان مناجات در باره شاه دعا کرده اند و حسن رفتار و کردار خود را در عراق به او گوشزد فرموده اند و به نفوذ و سرعت تقدّم امرالله اشاره کرده اند نزاع و جدال و جنگ و ستیز را مذموم شمرده اند و از شاه ایران خواسته اند که برای اتمام حجت علمای عصر را مجتمع سازد تا در محضر آنان اتمام حجت فرمایند بقوله تعالی :

" ایکاش رأی جهان آرای پادشاهی برآن قرار میگرفت
 که این عبد با علمای عصر مجتمع میشد و در حضور حضرت
 سلطان اتیان حجت و برهان مینمود . "

در این لوح مبارك ذكر فرموده اند که چگونه
 پیشوایان دین در این دور مبارك و در زمان ظهور
 حضرت مسیح و ظهور حضرت خاتم انبیاء در چارغفلت
 شدند و به این بیان مبارك اشاره به مصائب و بلاهای
 وارده از طرف اعداء و مخالفین میفرمایند قوله تعالی :

" البته این بلاها را رحمت کبری از پس و این شدائد
 عظمی را رخاء عظیم از عقب . "

مصائب وارده بر اهل بیت خود را با بلاهای نازل بر
 خاندان رسالت مقایسه و تشبیه میفرمایند و به بی وفائی
 دنیا و شو ن آن تصریح میکنند شهری را که بالاخره
 محل نفی و حبس حضرتش خواهد بود (عکا) توصیف
 میفرمایند و از عاقبت زشت و خسران علماء خبر میدهند و
 بالاخره تائید سلطان را از خدا مسئلت میکنند و دعا
 میفرمایند که خدا او را " ناصرا لامره و ناظرا الی عدله
 بدارد " (ص ۱۷۴ - ۱۸۳)

و نیز در صفحه ۱۷۲ گاد پاسزبای به این مضمون
 بیانی فرموده اند که لوح دیگر خطاب به سلطان ایران

است که لوح مفصلی است و مخاطب آن ناصر الدین شاه میباشد . در این لوح مبارك اصول تعالیم امرالله را تفصیل داده اند و برای اثبات حقانیت ظهور مبارك اقامه براهین و دلائل فرموده اند . " انتهى

حامل لوح سلطان ایران جوانی هفده ساله از اهلی نیشابور خراسان بود که در سال ۱۲۸۶ هـ . ق در عکا به حضور مبارك مشرف شد و مورد عنایات لاتحصی گردید و لوح سلطان را به او مرحمت فرمودند که به طهران برود و با دست خود لوح را به ناصر الدین شاه بدهد این جوان که در الواح مبارك به بدیع ملقب شده مأموریت خود را به خوبی انجام داد و در همان حال در شکارگاه شاه به امر او به مقام شهادت کبری رسید .

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای صفحه ۱۹۹

به این مضمون بیانی فرموده اند :

" از جمله شهیدان معروف امر مبارك آقا بزرگ خراسانی است که جمال قدم او را به لقب بدیع و فخر الشهداء سرافراز فرموده اند . نبیل زندی این جوان را تبلیغ کرد وی در سال دوم سجن (۱۲۸۶ هـ . ق) در سن هفده در قشله عسکریه به حضور جمال قدم مشرف شد بنا برآنچه در الواح مبارك جمال مبارك نازل شده هیکل

مبارك در بدیع روح قدرت و اطمینان دمیدند و خلسق جدید یافت بدیع با کمال انقطاع حامل لوح سلطان شد و پیاده و تنها به طهران شتافت چهار ماه در راه بود و سه روز در حال صیام و توجه گذرانید تا شاه را در — شکارگاه از دور دید و عاقبت به حضور سلطان رسید و او را به خطاب " یا سلطان قد جئتک من سبا نبیاً عظیم " مخاطب ساخت شاه فرمان داد لوح را از او گرفتند و به علمای طهران دادند تا جوابی به آن بنویسند علماء در جواب تملک کردند و بدیع را محکوم به قتل ساختند حسب الامر شاه عوانان بدیع را سه شبانه روز شکنجه و آزار کردند و داغ و درفش نمودند و عاقبت با ضربسه قنذاق تفنگ که بر سرش زدند او را به شهادت رسانیدند و بدنش را در کودالی افکنده بسنگ و خاک انباشتند شاه لوح مبارک را نزد سفیر خود به اسلاصول فرستاد تا آنرا برای وزیران خلیفه عثمانی بفرستد و به این وسیله وسائل جدیدی برای تشدید و گرفتاری و حبس جمال قدم فراهم آورد تا سه سال بعد از شهادت بدیع ذکر انقطاع و فدکاری او از قلم مبارک جمال مبارک در الواح مقدسه نازل میشد و همیکل مبارک فرموده اند که ذکر جانبازی و فدکاری بدیع نمک الواح است ، انتهى

حضرت ولی امرالله در لوح مبارك " روز موعود رسید " شرحی مفصل در باره سقوط قاجاریه و مظالم ناصرالدین شاه و عاقبت حال او بیان فرموده اند که از صفحه ۷۲ تا ۷۸ در لوح مزبور طبع هند میتوان یافت .

ناصرالدین شاه پسر محمد شاه قاجار (متوفی در ۱۲۶۴ هـ . ق) است مادر ناصرالدین شاه خواهر یحیی خان کرد بود تو ناصرالدین شاه در سال ۱۲۴۵ هـ . ق است و از سال ۱۲۶۴ هـ . ق تا سال ۱۳۱۳ هـ . ق تا سال (۱۸۴۸ - ۱۸۹۶) سلطنت کرد و در هفدهم ذی القعدة ۱۳۱۳ هـ . ق در بقعه شاهزاده عبدالعظیم در ری بدست میرزا رضای کرمانی هدف گوله شد و قهرش در جوار حضرت عبدالعظیم مصروف است . در صفحه ۲۲۵ گاد پاسزبای راجع به سقوط قاجاریه مفصلا بیان فرموده اند .

۱۲ - سوره غصن

از الواح صادره در ادرنه است . حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای (کتاب قرن بدیع) در فصل وقایع ادرنه بیانی به این مضمون میفرمایند . " در همین اوقات بود که

سوره غصن از قلم مقدس جمال قدم نازل گردیده جمال مبارك در این لوح مقدس مقام حضرت عبدالبهاء را مشخص فرموده اند و از آن وجود مبارك به القاب شامخه غصن القدس و غصن الامر و ودیعة الله تعبیر نموده اند و میفرماید
 قوله تعالى :

" انا قد بعثناه على هيكل الانسان . . . " این مقام عظیم که در باره حضرت عبدالبهاء در سوره غصن نازل شد بعداً در کتاب اقدس و کتاب عهدی تأیید و تأکید شد (در صفحه ۱۷۷ انگلیسی)

سوره غصن بسیار مفصل است و به اعزاز میرزا علی رضا مستوفی سبزواری که الواح بسیار به افتخارش از قلم جمال مبارك نازل شده است صادر گردیده مشارالیه مستوفی خراسان در دوره ناصرالدین شاه بود برادرش میرزا محمد رضای سبزواری وزیر خراسان هم بود و مقام مهمنی داشت و آثار خیریه او هنوز در راه بین سبزوار و مشهد باقی است این دو برادر توسط جناب باب الباب در خراسان به امر حضرت رب اعلى مؤمن و سپس به ظهور مقدس جمال ابهی مؤمن شدند میرزا محمد رضا ملقب به مؤتمن السلطنه شبا همتی به جمالقدم داشت و در لوح او به این مطلب اشاره فرموده و او را به خطاب

مستطاب " یامن تشبه بهیگی " سرافراز داشته اند
 میرزا علی رضا در جوار حرم حضرت رضا ع مدفون و قبرش
 معلوم است . جناب نبیل اکبر آقا محمد قاینی مشنوی
 مخصوصی خطاب به میرزا محمد رضای وزیر به رشته نظم
 کشیده است و نسخه آن در نزد اعقاب نبیل اکبر موجود
 است .

۱۳ - سوره^۱ رئیس

مقصود از رئیس به نص صریح حضرت عبدالبها^۲ در لوح
 خطاب به میرزا فضل الله بن بنان الملك شیرازی عالی
 پاشا صدر اعظم عبدالعزیز خلیفه عثمانی است .

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای (کتاب قرن

بدیع) صفحه ۱۷۲ بیانی به این مضمون میفرمایند :

" سوره رئیس در قریه^۳ کاشانیه در طریق گالی پولی

نزولش آغاز شد و در گیاورکی اوی خاتمه یافت . " انتهى

و نیز در گاد پاسزبای میفرمایند :

" در لوح خطاب^۴ به عالی پاشا صدر اعظم عثمانی

چنین فرموده اند " یا رئیس اسمع ندا^۵ الله الملك المهیمن
 القیوم انه ینادی بین الارض و السماء . . . و لا یضعه قباک

ولا نباح من فى حولك ولا جنود العالمين . . . قدارتکبت
 ما ينوح به محمد رسول الله فى الجنة العليا . . . سوف
 تجد نفسك فى خسران مبین و اتحدت مع رئیس المجمع
 فى ضرى . . . هل ظننت انك تقدر ان تطفئ النار التى
 اوقدها الله فى الافاق لا و نفسه الحق لو كنت من
 المعارفين بل بما فعلت زاد لهيبها و اشتعالها سوف
 يحيط الارض و من عليها سوف تبدل ارض السرو ما
 دونها و تخرج من يد الملك و تظهر الزلازل و يرتفع
 الصويل و يظهر الفساد فى الاقطار يا رئیس قد تجلينا
 عليك مرة فى جبل التينا و اخرى فى الزيتاء و فى هذه
 البقعة المباركة "

در این لوح منیع اشاره به عناد و مخالفت صاحبان اقتدار
 در دوره مظاهر الهیه فرموده و رفتار ناهنجار شاه ایران
 را در دوره ظهور اسلام نسبت به رسول اکرم و رفتار فرعون
 را با حضرت موسی و عناد نمرود را با حضرت ابراهیم
 ذکر کرده و صریحا میفرمایند " قد جاء الغلام لیحیی
 العالم و یتحد من علی الارض . " انتهى (ص ۱۷۴ انگلیسی)
 و نیز در گاد پاسزبای به این مضمون بیان
 میفرمایند :

" . . . و در همین هنگام (صدور فرمان نفی همیکل

مبارك از ادرنه (بعضی از احباب برای تشریف به محضر مبارك وارد ادرنه شدند از جمله حاجی محمد اسمعیل ناشرانی بود که در لوح رئیس او را ملقب به انیس فرموده اند به عزم تشریف وارد ادرنه شد ولی موفق به تشریف نگردید و ناچار به طرف گالی بولی عزیمت نمود . . . پس از ابلاغ فرمان نفی صاحب منصب ترك موسوم به حسن افندی با عده سربازیه امر حکومت ملتزم موکب مبارك شد و در روز ۲۲ ربیع الثانی ۱۲۸۵ هـ . ق مطابق با ۱۲ اوت ۱۸۶۸ م همگی مبارك با عائله شریفه به جانب گالی بولی عزیمت فرمودند چهار روز طول این مسافرت بود منازل بین راه اوزون گوهر و کاشانیه بود لوح مبارك رئیس در کاشانیه نازل شد . " انتهى (ع ۱۸۰ انگلیسی)

در لوح منیع روز موعود رسید حضرت ولی امرالله در باره سقوط خلافت عثمانی و وقایع سفر همگی مبارك به مدینه کبیره و ادرنه و الواح مهمه نازله در آن نقاط به تفصیل بیان فرموده اند و مطالبه آن سبب روح و ریحان است .

(روز موعود فرارسید چاپ هند)

۱۴ - سورة العباد

در ادرنه (سجن بمید) نازل شده خطاب به سید مهدی دمجی که بعد از هجرت جمال قدم جل جلاله به اسلامبول و ادرنه از طرف همیکل مبارک در بغداد ماند و طرف مکاتبه و مخاطبه بود در این لوح آیاتی در باره سفر به اسلامبول و توقف چهار ماهه در آنجا و سپس سفر به ادرنه را بیان میفرمایند و اساسی عده از اصحاب را که در بغداد بوده اند مانند زین المقربین و آقاعبد - الرسول قوی و غیرهما ذکر فرموده اند موضوع نمایندگی سید مهدی در بغداد و طرف مکاتبه بودنش در چند لوح که حین هجرت از بغداد به اسلامبول نازل شده است مذکور گردیده .

آغاز سورة العباد این است قوله تعالی :

" هذه سورة العباد قد نزلت بالحق من لدى الله العلی العظیم و انه تنزیل من لدن علیم حکیم . "

بسم الله الابدع الابدع . . . الی قوله تعالی و ظهر امره و علا برهانه و تمت حجه و کملت کلمته الی ان اشهر امر الله بین الخلائق اجمعین الی ان قطعنا الاسبال و دخلنا المیادین کما انتم سمعتم من المهاجرین و فوکل

تلك الاماكن والايام ما سترنا الامر وما احجبناه بل
 اظهرناه لطلوع الفجر عن افق صبح منير الى ان وصلنا
 الى البحر الذى ذكر اسمه فى الالواح ان انتم من
 الشاهدين وركبنا السفينة باسمنا ثم اجرناه على البحر
 باسمى العزيز المقتدر الجميل و حفظناه بقدرة من
 عندنا و حفظنا الذين ركبوا عليها الى ان وصلوا الى
 ساحله من مدينة التى اشتهر اسمها بينكم ان انتم من
 العالمين و كنا فيها اربعة اشهر متواليات بما رقم فى
 الواح عز حفيظ و فى تلك الشهور ما راودنا احد من
 الذين هم كانوا فيما لا من اعلامهم ولا من اسفلهم و كان
 الله على ذلك شهيد و عليم و ما ذهبنا الى احد و ما
 توجهنا الى نفس اظهارا لسلطنته الله و امره و ابلاغنا
 لقدرة الله و هيمنة الى ان تمت ميقات الوقوف و خرجنا
 عنها و قطعنا السبيل الى ان دخلنا فى هذا السجن
 البعيد . (ادرنه) . . الخ

١٥ - سورة الذبح

قوله تعالى :

" هذه سورة الذبح قد نزل من سما' الامر للذى

سمينه بالذبيح في ملكوت الاسماء لعل يخلص وجهه لله
رب العالمين هو الباقي البديع اقر الله على عرش العظمة
والجلال بانى انا الله لا اله الا انا المهيمن القيوم . . .

مخاطب اين لوح حاجي محمد اسمعيل ذبيح

كاشانى است . قوله تعالى :

" ان يا ذبيح فارفع رأسك عن النوم ثم افتح اللسان

بالبيان باسمي المقتدر المنان . . . ان يا ذبيح تالله

الحق ان الفلام قد وقع في جب البفضاء فيا ليت يكون

من سياره ليُدلى لوالنصر لعل يخرج به الفلام ويستضيئ

وجوه اهل السموات و الارض . . . الخ

مفاد كلمات مبارکه جَمِيعاً در باره معرضين اهل بيان است

و از قرائن در ادرنه نازل شده زيرا ميفرمايند :

قوله تعالى " ان يا ذبيح قد ذبحت في كل حين فسى

عشرين من السنين و لا يعلم ذلك الا ربك العزيز المحبوب . . .

۱۶ - سورة الاحزان

در سجن ادرنه نازل شده و ظاهراً مقصود از على مخاطب

در آن ميرزا على سياح مراغه اى است که خطاب يا سباح

بحر المعانى و يا سباح الاحديه مخاطب شده ولى سباح

با یاء موحده است که به معنی شنا کننده است نه آنکه سیاح با یاء مثناة باشد . در این لوح به تفصیل شرح عناد یحیی و پیروانش در ادرنه نسبت به حق تعالی ذکر شده است و این لوح را حق تعالی سورة الاحزان نامیده^{ند} و در آغاز لوح این بیان مبارك نازل شده . قوله تعالی :
 " هذه سورة الاحزان قد نزلت من لدى الرحمن
 للذي توجه الى شطر السبحان في هذا الزمان الذي كل
 انقضوا عن ظل الله ورحمته واتخذوا الشيطان لانفسهم
 معينا . " انتهى

۱۷ - رضوان الاقرار

هذا رضوان الاقرار قد نزل من الله المهيم القيوم .
 بسم الله الاقدس الامنع الابهي اقر الله بذاته لذاته بانه
 لا اله الا هو له الحق والامر و كل له خاضعون
 از ابتدای لوح در باره عظمت مقام مظهر امرالله
 و نصیحت عباد بیانات مفصله فرموده اند .
 مخاطب لوح محمد علی است که گاهی هم او را نبیل
 خطاب کرده اند و شکایت از مفرضین و معرضین بیان
 فرموده اند که اصل را که عرفان موعود است رها کرده

و به فروع مانند حرمت شرب دخان و خوردن پیماز
پرداخته اند :

" ان الذی اعرض عن الله و استکبر بایاته ینهی
الناس عن اکل البصل و شرب الدخان قل فانصف یا عبد
ارتکاب هذین اعظم عند الله ام اعراضک عن الله الذی
خلقک بقول من عنده . . . "

مخاطب لوح را گاهی هم محمد فرموده اند :

" ان ینبیل انا جعلناک نفحه من نفحات الامر . . .

ان یا محمد قم علی امرالله و دینه . "

و در مقامی هم رضی الروح را مخاطب فرموده اند

و به نبیل میفرمایند :

" انک ان رایت رضی الروح ذکره بما ور د علی الفلام . . .

و بعد خطاب مفصل برضی الروح فرموده اند . و مقصود

از نبیل همان نبیل زرنندی است و این لوح در ادرنه نازل

شده زیرا میفرمایند به نبیل به عراق که رفتی به کلیم

چنین و چنان بگو و جناب کلیم در ایام ادرنه که مخالفت

یحیی به اعلی درجه رسید از ادرنه سفر کرد و عاقبت

جمال قدم نبیل زرنندی را دنبال او فرستادند و مراجعت

کرد شرح این داستان را نبیل زرنندی در مثنوی وصل

و هجران به رشته نظم آورده . باری میفرمایند در همین

لوح مبارك قوله تعالى :

"وانك انت يا محمد اذ وردت ارض العراق وحضرت
 بين يدي الكليم فاطهر له قميص الغلام بما ورد عليه
 من اخيه (يحيى) ليطلع بما ورد على سلطان القدم
 من الذي رفع اسمه بامر من لدنه (يحيى) كذلك نزل
 بالحق من جبروت اسم قديم ان يا كليم قم على الامر
 ثم انصر ربك وكن من الناصرين . . . الخ
 اين لوح نسبتاً مفصل است .

الواح نازلہ در عکا

حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای انگلیسی صفحه

۲۰۵ میفرمایند :

"الواح مبارکه نازلہ در عکا را با دقت کامل که ملاحظہ کنیم میتوان آن را به سه قسمت منقسم نمود . اول الواح مبارکی که شامل تبلیغ امرالله و ابلاغ کلمة الله صادر شد و در حقیقت دنباله و متمم آثار مبارکه نازلہ در اردن است .

دوم الواحی که متضمن احکام و شامل تعالیم مقدسه امر اعظم است که بیشتر آن احکام در کتاب اقدس نازل شد .

سوم متضمن اصول و مبادی امرالله و همچنین تشریح و تبیین همان اصول و مبادی مقدسه را متضمن است .

در این مقاله الواح مهمه مبارکه نازلہ در عکا که

حضرت ولی امرالله فهرست فرموده اند یکایک مورد بحث قرار میگیرد و در اطراف هر یک مسائل مربوطه لازمه را که

از بیانات مبارکه استخراج شده است مینگارند :

قسمت اول - الواح نازلہ در عکا
الواح ملوک و مشاهیر جهان

حضرت ولی امرالله در لوح منیع گاد پاسزبای صفحه
۲۱۶ بیانی به این مضمون میفرمایند :

" بشهادت تاریخ در ازمنه سابقه هیچیک از شارعین
ادیان این گونه ابلاغ عظیمی و دعوت خطیری از جمیع
طبقات ننموده اند فقط در دوره حضرت رسول نامه‌ای
چند به عنوان دعوت به اسلام خطاب به بعضی از سلاطین
و بزرگان مفاصل آن حضرت ارسال شد که میتوان فی الجمله
آنها با خطابات مهیمنه عظیمه این ظهور اعظم مشابسه
دانست . جمال مبارک بنفسه المقدس در الواح مبارکه
به عظمت این ابلاغ عمومی الهی تصریح فرموده اند از جمله
میفرمایند " از اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهره واقع
نشده . " و در لوح دیگری در باره اهمیت الواح ملوک
که حضرت عبدالبهاء آن را از معجزات و آیات عظیمه این
ظهور مبارک فرموده اند این بیان مبارک از قلم حضرت
رحمن نازل شده قوله تعالی :

" مخصوص هر نفس از رؤسای ارض لوحی مخصوصی
از سماء مشیت نازل و هر کدام به اسمی موسوم الاول بالصحه
و الثانى بالقاره و الثالث بالحاقة و الرابع بالساعـسـره
و الخامس بالطامه و كذلك بالصاخة والآفة و الفزع الاكبر
و الصور و الناقر و امثالها تا جميع اهل ارض یقیـمـن
نمایند و به بصر ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک
اسماء در هر حال غالب بر کل بوده و خواهد بود . " انتهى

۱ - لوح ملك روس

در گاد پاسزبای صفحه ۲۰۷ به این مضمون

میفرمایند :

" در سجن اعظم از قلم جمالقدم لوحی منیع خطاب بـه
الکساندر دوم امپراطور روسیه نازل شد که بعضی از بیانات
الهیة در آن لوح مبارك اینست قوله تعالی :

" قد اتى الاب والابن فى الوادى المقدس يقول لبيك اللهم
لييك . . . انى انا المذكور بلسان اشعيا و زين باسمى
التورات و الانجيل . . . قم بين الناس بهذا الامر المبرم
ثم ادع الام الى الله العزيز العظيم . . . اياك ان -
يحجبك هميك عن التوجه الى ربك الرحمن الرحيم . . . قد

نصرنی احد سفرائك از كنت فى سجن الطاء تحست
السلاسل و الاغلال بذلك كتب الله لك مقاما لم يحط به
علم احد الا هو اياك ان تبدل هذا المقام العظيم . . .
و در توقیع روز موعود فرا رسید در باره ملك روس ولوحی
که در باره او نازل شده مفصلا بیان فرموده اند (ص ۶۱
طبع هند) و در صفحه ۲۲۶ گار پاسزبای نیز به عاقبت
حال الکساندر دوم تصریح فرموده اند .

الکساندر دوم (۱۸۱۸ - ۱۸۸۱) - مشار الیه
بزرگترین فرزند نیکلای اول است در نهم آوریل ۱۸۱۸ -
متولد شد و در روز سیزدهم مارچ ۱۸۸۱ بدست یکنفر
نهلیست مقتول گشت وقتی که در یکی از خیابانهای بزرگ
پطرزبورک راه میرفت در نزدیکی قصر زمستانی به وسیله
بمب کوچکی که یکی از نهلیست ها باو افکند مجروح شد
و پس از چند ساعت وفات کرد . (دائرة المعارف بریتانیای
کبیر)

۲ - لوح ثانی رئیس

در باره لوح اول رئیس در ضمن الواح نازله در ادرنه
گفتگو کردیم و به شرحی که سابقا داده شد مقصود از رئیس

عالی پاشا صدر اعظم عبدالعزیز خلیفه عثمانی است .
 حضرت ولی امرالله در گام پاسزبای بیانی به این مضمون
 در فصل وقایع عکا میفرمایند (ص ۲۰۷ انگلیسی) چون
 حضرت بهاءالله وارد عکا شدند خطاب به عالی پاشا
 صدر اعظم عثمانی توقیع دیگری نازل فرمودند و خبیث
 طینت و ظلم و جور او را تشریح فرمودند . بقوله تعالی :
 " . . . بِالْمَلِكِ سَعْرَ السَّمِيرِ وَ نَاحِ الرُّوحِ . . . لا زال هر
 يك از مظاهر رحمانیه و مطالع عز سبحانیه که از عالم باقی
 به عرصه فانی برای احیای اموات قدم گذارده اند و تجلی
 فرموده اند امثال توآن نفوس مقدسه را که اصلاح عالم
 منوط و مربوط به آن هیاکل احدیه بوده از اهل فساد
 دانسته اند . " سپس شرحی در باره مصائب و آلام وارده
 بر هیکل اقدس و احبای الهی و اهل بیت مبارک را ذکر
 فرموده و نزول عذاب و جزای اعمال وزراء و صدر اعظم را
 اخبار نموده اند بقوله تعالی :

" سوف يأخذكم بقهر من عنده و يظهر الفساد بینکم و
 یختلف مالکم . "

و سپس خطاب به عالی پاشا میفرمایند :

" اگر ملتفت میشدی و بنفحه از نفحات متضوعه از شطر قدم
 فائز میگشتی جمیع آنچه در دست داری و به آن مسروری

میگذاشتی و در یکی از غرف مخروبه این سجن اعظم ساکن
میشدی . "

در لوح فؤاد نیز جمال مبارك به مرگ ناگهانی فؤاد پاشا
وزیر امور خارجه عثمانی اشاره میفرمایند و به عالی پاشا
نیز وعید میدهند بقوله تعالی . " سوف نمزل الذی کان
مثله (عالی پاشا) و ناخذ امیرهم (سلطان عبدالعزیز)
الذی یحکم علی البلاء و انا العزیز الجبار . " انتهى

در لوح مبارك " روز موعود " نیز شرح مفصلی درباره
مظالم عالی و فؤاد و عدوان عبدالعزیز و جزای اعمال
آنان و عاقبت زشتی را که هر يك باقی میگذارد نذکر فرموده اند
و قسمت مهمی از لوح اول و ثانی رئیس را هم نذکر فرموده اند
که برای اطلاع باید به آن لوح مبارك رجوع کرد و نیز به
صفحه ۲۳۱ گام پاسزبای مراجعه نمود

عبدالعزیز خلیفه عثمانی پسر سلطان محمود ثانی
است که در نهم فوریه ۱۸۳۰ متولد شد و در ۱۸۶۱ بعد
از برادر خود عبدالمجید به سلطنت رسید و عاقبت در
سی ام می ۱۸۷۶ معزول و محبوس شد و دو هفته بعد
اورا مرده یافتند .

۳ - لوح پاپ

در صفحه ۲۰۹ گاد پاسزبای شرحی مفصل درباره پاپ کاتولیک پی نهم بیانی فرموده اند و قسمتی از لوح پاپ را هم که در عکا خطاب به او نازل شده ذکر فرموده اند در لوح روز موعود هم شرح حال او را ذکر کرده اند و خلاصه آن بیان مبارک را به فارسی در اینجا ذکر میکنم (این قسمت را جناب عبدالحسین بشیر الهی از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده اند) مضمون بیان مبارک در لوح روز موعود اینست :

" پاپ پی نهم نیز به ذلتی دچار گردید که هر چند بظاهر چندان نمایان نبود ولی در تاریخ مهمتر از ذلت ناپلئون سوم بشمار میرود :

این پاپ که قبلا اسمش کونت ماستای فراتی و اسقف ایولا بود دو بیست و پنجاه و چهارمین پاپی است که به جانشینی پطرس انتخاب گردیده و دو سال پس از اعلان امر حضرت باب بر سریر روحانی پاپی جلوس نمود و دوره خلافت وی از تمام اسلافش طولانی تر بوده و همواره بجهت دو منشوری که صادر کرد ذکرش در تاریخ باقی خواهد ماند به این قرار که در سال ۱۸۵۴ اعلان کرد

کیفیت حامله شدن مریم عذرا یکی از اصول دیانت مسیح است و نیز در سال ۱۸۷۰ عقیده جدیدی طرح و اشاعه داد مشعر بر اینکه پاپها دارای مقام عصمت هستند این پاپ که طبعا مستبد الرأی و در امور سیاسی مردی بسی اطلاع و از سازش و توافق با رأی و نظر دیگران خائف و گریزان بود تصمیم شدید داشت مقام و اقتدار خود را حفظ کند ولی با اینکه توانست با احراز تسلط کامل مقام خویش را تحکیم و اقتدار روحانی خود را تقویت نماید معذلك عاقبت الامر نتوانست فرمانروائی دنیوی را که رؤسای کلیسای کاتولیک سالها در دست داشتند حفظ کند .

قدرت ظاهری پاپ در طی قرون بسیار محدود شده و در سالهایی که در شرف زوال بود مشحون از حوادث و انقلابات سخت گردیده بود همچنانکه شمس ظهور حضرت بهاء الله متدرجا بوسط السماء جلال و عظمت صعود میکرد بهمان قسم سایه های مذلت و زوال و ارشین سلطنت پطرس مقدس را فرا میگرفت و لوح مبارك حضرت بهاء الله خطاب به پاپ پس نهم این زوال را تسریع میکرد چندانکه برای ثبوت این مطلب فقط يك نظر اجمالی به جریان اوضاع فلاکت بار آن سنوات کافی است ناپلئون اول پاپ را از املا^{کش}

بیرون کرد کنگره وینه مجدداً ریاست املاک را به او تفویض نمود که امور آن بدست اسقفها اداره گردد . فساد عمومی و بی نظمی و عجز از تأمین امنیت داخلی و تجدید — مظالم تفتیش مذهبی در آن اوقات چنان بود که مورخسی را بر آن داشت چنین بنویسد . هیچ گوشه ایتالیا و شاید اروپا به استثنای ترکیه مانند قلمرو پاپ گرفتار هرج و مرج اداری نیست . شهر رم از جهت صوری و معنوی هر دو خراب و ویران بود .

بالاخره شورشهایی بپا شد که منجر به دخالت دولت اتریش گردید و پنج دولت معظم خواستار اصلاحات وسیعی شدند که پاپ وعده انجام آن را داد ولیسی از عهده اجرا بر نیامد دولت اتریش دو باره دخالت کرد ولی^ت دو فرانسه به مخالفت برخاست و آن دو دولت همچنان مراقب قلمرو پاپ بودند تا آنکه در سال ۱۸۳۸ هر دو عقب کشیدند و بار دیگر حکومت استبداد مطلق دربار پاپ تجدید گردید . اکنون کار بجائی رسیده بود که حتی بعضی اتباع خود پاپ با اقتدار ظاهری او مخالف بودند و مقدمات زوال قطعی آن را که بسال ۱۸۷۰ اتفاق افتاد فراهم کردند . اغتشاشهای داخلی پاپ را مجبور کرد نیمه شب با لباس مبدل و بصورت يك كشيش فقير از شهر

رم که در آن اعلان جمهوری شده بود فرار کند و پس از —
چندی شهر رم بار دیگر به وضع سیاسی سابق خود برگشت
تأسیس سلطنت ایتالیا و سیاست بی ثبات ناپلئون سوم و
شکست سدان و اعمال بی قاعده حکومت پاپ که در کنگره
پاریس در پایان جنگ کریمه از طرف کلارندن به عنوان
" رسوائی اروپا " قلمداد گردید همه اینها باعث شد که
زوال حکومت متزلزل پاپ بصورت قطعی در آید .

پس از نزول لوح حضرت بهاءالله خطاب به پاپ بی نهم
در سال ۱۸۷۰ ویکتور امانوئل اول پادشاه ایتالیا با
حکومت پاپ به جنگ برخاست و لشکریانش وارد رم شده
آنها تصرف کردند در شبی که شهر رم تصرف شد پاپ به
لاتران رفته با وجود کبر سن و در حالی که اشک از دیدگانش
میبارید با زانوهای خمیده از پله مقدس بالا رفت . روز بعد
همین که شلیک توپ شروع شد امر کرد بیرق سفید بر فراز
گنبد کلیسای سنت پیتر افراخته شود و با وجود آنکه از همه
چیز ساقط شده بود باز از شناسائی وضع انقلابی امتناع
جسته مهاجمین به قلمرو و املاک خویش را تکفیر کرد و ویکتور
امانوئل را به عنوان " پادشاه سارق " و " غافل از هرگونه
مبادی دینی و مخالف هرگونه حق و ناقض هرگونه قانون "
طرد نمود . رم شهر جاودانی که بیست و پنج قرن در مجد

و عظمت زیسته و سلسله پاپها مدت ده قرن با حق بی‌امان
 مبارز بر آن حکومت کرده بودند بالاخره پایتخت سلطنت
 جدید صدق ذلت و حقارتی گردید که حضرت بهاء‌الله
 پیشگوئی فرموده و زندانی و اتیکان آن ذلت را برای خود
 خریده بود .

وقایع نگاری که شرح حیات این پاپ را نگاشته چنین
 مینویسد :

سنین اخیره زندگی پاپ کهنسال پر از آلام و محن بود
 علاوه بر ابتلائات جسمی اغلب از دیدن منافع حزن آور
 بی حرمتی به دیانت در قلب روم و آزار و شکنجه
 صاحبان مناصب دینی و ممانعت اسقفها و کشیشها از انجا
 و نظایف مخصوصه شان رنج و عذاب میکشید هرگونه
 اقدامی که برای اصلاح وضع حاصل در ۱۸۷۰ به عمل
 آمد بی نتیجه ماند اسقف پوزن برای جلب وساطت
 بیسمارک به نفع پاپ به ورسای رفت ولی مورد اعتنا قرار
 نگرفت بعدا یک حزب کاتولیک در آلمان تشکیل یافت
 تا به صدر اعظم آلمان فشار سیاسی وارد آورد ولی از
 آن هم نتیجه بدست نیامد و گویا مقدر بود آن قدرت عظیمه
 که به آن اشاره رفت سیر خود را به پیماید حتی اکنون
 پس از گذشتن متجاوز از نیم قرن بازگشت به اصطلاح

سلطنت صوری آن سلطان مقتدری که به اسم او سلاطین
 میلرزیدند و به سلطنت نامری و معنوی او سر تسلیم فرود
 میآوردند باعث شده که بیچارگی و درعاندگی بیشتر
 نمایان گردد و این سلطنت صوری هم که در حقیقت محدود
 به شهر کوچک واتیکان است و حکومت رم را به اختیار یک
 دولت غیر دینی وا گذاشته بقیمت شناسائی بی قید و شرط
 دولت پادشاهی ایتالیا تمام شده است عهدنامه لاتران
 که ادعا میشود برای همیشه مسئله رم را حل کرده است
 در حقیقت آزادی عملی برای حکومت تأمین کرده که از جهت
 شهر محصور واتیکان مشحون از ابهام و خطرات است
 چندانکه یک نویسنده کاتولیک درباره آن مینویسد :

" دو قوه روحی شهر جاویدان (رم) فقط به خاطر آن
 از همدیگر جدا شدند که میان آنها مصادمات شدیدتری
 واقع گردد . " انتهى

(لوح مبارک روز موعود فرارسید ، ۵۷)

در فصل وقایع عکا و در ضمن شرح عاقبت احوال دشمنان
 امرالله در کتاب قرن بدیع (گاد پاسزبای) حضرت ولی
 امرالله شرحی در باره پاپ پی نهم مرقوم فرموده اند
 مراجعه فرمائید (صفحه ۲۰ انگلیسی) و نیز در صفحه

۲۳۷ نگار پاسزبای، مراجعه فرمائید .

۴ - لوح ملکه ویکتوریا

در نگار پاسزبای به این مضمون میفرمایند :

" در همان ایام لوحی عنایتیم به اعزاز ملکه ویکتوریا از قلم
اعلی نازل شده که بعضی از بیانات الهیه مندرجه در
آن لوح منیع اینست قوله تعالی : " یا ایتها الملکه فی
لندن اسمی نداءه ربك مالك البریه . . . ضمی ما علی
الارض ثم زینت رأس الملك باکلیل ذکر ربك الجلیل انه
قد أتى فی العالم بمجده الاعظام و کمل ما ذکر فی
الانجیل . . . قد بلغنا انک منعت بیع الفلمان والا ما . . .
قد كتب الله لك جزاء ذلك . . . ان تتبخی ما ارسل
اليك من لدن علیم خبیر . . . و سمعنا انک اودعت زمام
المشاوره به ایدى الجمهور نعم ما فعلت . . . ینبغى
لهم ان یكونوا امناء بین العباد . . . طوبى لمن یدخل
الجمع لوجه الله و یعلم بین الناس بالمدل الخالص . . . "

انتهی

و در توثیح روز نومود درباره ملکه ویکتوریا شرحی مبسوط
بیان فرموده اند و قسمتی از لوح اورا هم نقل کرده اند

از جمله بیانی به این مضمون فرموده اند "رأیت کرده اند که چون ملکه انگلستان لوح مبارک را که به اعزاز او ارسال شده بود خواند گفت اگر این دعوت از طرف خدا است پیشرفت خواهد کرد و اگر از طرف خدا نیست بهیچوجه ضرری وارد نخواهد آمد ."

(روز موعود صفحه ۷۲ - ابع همد)

ملکه ویکتوریا الکساندرینا (۱۸۱۹ - ۱۹۰۱)

یگانه فرزند ادوارد دوک کیت و چهارمین فرزند جورج سوم مادرش پرنسس ویکتوریا ماری لویز است این ملکه در روز ۲۴ ماه می سال ۱۸۱۹ در قصر کن سیتک تون بدنیا آمد در سال ۱۸۳۰ جورج چهارم وفات کرد و الکساندرینا ویکتوریا وارث تاج و تخت شد پس از مدت ها حکمرانی در عصر جمعه هیجدهم جانوری ۱۹۰۱ خبر بیماری او منتشر شد و در روز سه شنبه ۲۲ جانوری وفات یافت . جمیع دنیا از مرگ او متأثر و غمگین شدند . لوحی که به اعزاز او از قلم جمالقدم نازل شده ضمیمه سوره مبارکه هیکل است .

ه - سوره هیکل

حضرت ولی امرالله در فصل اول و قایح عذا بیانی به این مضمون

میفرمایند " جمال مبارك امر فرمودند مهتمترین السواح نازله بنی اب به سلاطین و ملوک به ضمیمه سوره مبارک که هیكل به شکل ستاره ای دارای پنج ركن و شبیه به هیكل انسانی است نوشته شود این امر مبارك مجری گردید و در یکی از الواح نازله به اعزاز مسیحیان میفرمایند قد اهتز کوم الله من نسمة الوصال انه سبی بکرمل ینادی قد اتی بانی الهیکل و مظهر الملک طوبی للزائرین . "

(ص ۲۱۲ - ۲۱۳)

و نیز حضرت ولی امر الله در لوح منیع " یوم المیحاد " به این مضمون میفرمایند " حضرت بها الله امر فرمودند که مهتمترین الواحشان که به هر یک از سلاطین منفردا خطاب گردیده به شکل هیكل که کنایه از هیكل انسانی است نوشته شود و در خاتمه کلمات ذیل که اهمیت این رسالات را واضح و ارتباط آنها را با نبوات عهد عتیق بطور مستقیم ثابت میدارد درج گردیده است قوله تعالی :

" كذلك امرنا الهیکل بایادی القدرة و الاقتدار ان کنتم تعلمون هذا لهیکل وعدتم به فی الکتاب تقریوا الله هذا خیر لکم ان کنتم تفقهون انصفوا یاملا الارضی هذا خیر امر الهیکل الذی بنی من الطین توجهوا لله كذلك امرتم من لدی الله المبرین القیوم . . " انتهى

بشارت تمصیر هیکل در عهد عتیق، در باب سوم کتاب
ملاکی نبی و نیز در کتاب زکریای نبی مذکور است .

قسمت دوم — الواح نازلہ در عکا
شامل حدود و احکام

۶ — کتاب اقدس

در الواح جمالقدم از کتاب مستطاب اقدس به ام الكتاب
و فرات الرحمه و القاب منیمه دیگر تعبیر شده است .
حضرت ولی امرالله در گار پاسزبای صفحه ۲۱۳ در باره
کتاب اقدس میفرمایند باین مضمون که " این لوح منیع
گنجینه اوامر و حدودیست که اشعیای نبی و یونسادار
مکاشفات بشارت آن را داده اند و از آن لی قویم به
تصییرات مختلفه " آسمان جدید و زمین جدید و میان
رب و مدینه مبارکه و عروس اورشلیم دید که از آسمان
نازل میشود در کتب خود یاد کرده اند اوامر و احکام
مندرجه در کتاب اقدس تا مدت پانصد هزار سال باقی و برقرار

و سلطانت و نفوذش اقطار ارض را احاطه خواهد کرد و
 در این قرن الهی اعلیٰ ثمره امرالله و ام الكتاب دوره مقدسه
 الهی و اساس نظم بدیع خداوندی محسوب است
 جمال مبارك وقتی بمه بیت عودی شمار تشریف بردند در
 عین ابتلای به بلایا و مصائب نازله از اعدای خـارج
 و مدعیان داخل کتاب اقدس از سماء قدرتشان بسـال
 ۱۸۷۳ میلادی و ۱۲۸۷ هـ . ق نازل گردید . کتاب
 اقدس از حیث ممانت و قطعیت و جامعیت نسبت به کتب
 آسمانی قبل بنی نظیر و عدیل است کتاب هورات در ایام
 شارع آسمانی آن مدون نگشت و رسائل انجیل نیز توسط
 مدودی از پیروان مسیح تألیف شد شامل برخی بیانات
 و دستوراتی است که به حضرت مسیح نسبت داده اند و در
 عصر خود مسیح تنذیم و ترتیب نیافته . قرآن مجید بسا
 آنکه قطعی الصدور از منبع رسالت و آیاتی است که بر
 حضرت رسول بوحی الهی رسیده در مسئله مهمه خلافت
 به کلی ساکت مانده و چیزی در این خصوص فرموده است
 اما کتاب اقدس از اول تا آخر جمیعا از قلم مبارك شارع
 مقدس نازل و مدون گشته و به علاوه احکام و حدود
 الهیه مبین آیات و مرکز عهدی را نیز تعیین فرموده و تبیین
 آیات را به مربع منصوص موصول نموده اند و برای حفظ

وحدت و اثبات جامعیت امرالله مؤسسات لازمه را بیان کرده اند

حضرت ولی امرالله در باره مندرجات کتاب اقدس بسه تفصیل در گاد پاسزبای ذکر فرموده اند و برای اطلاع باید به اصل آن لوح منیع صفحه ۲۱۶ - ۲۱۳ مراجعه فرمایند و در صفحه ۲۰۶ به این مضمون میفرمایند

در تاریخ ترین ایام دوره زندان عکا در کتاب اقدس سلاطین و ملوک را مخاطب ساخته میفرمایند^۵ یا معشر الملوك قد نزل الناموس الاكبر في المنظر الانور اتم المماليك قد ظهر المالك باحسن الطراز قوموا على خدمة المقصود الذي خلقكم بكلمة من عنده وجعلكم مظاهر القدرة لما كان وما يكون تالله لا نريد ان نتصرف في ممالككم بل جئنا لتصرف القلوب دعوا البيوت ثم اقبلوا الى الملوكوت طوبى لملك قام على نصرة امرى في مملكتى انه بمنزلة البصر للبشر

انما ننصحكم لوجه الله و نصبر كما صبرنا بما ورد علينا منكم يا معشر السلاطين^۶ و در صفحه ۲۰۷ میفرمایند خطاب به ملوک امریکا و رؤسای جمہور در کتاب اقدس این خطاب مبارک نازل " زينوا هيكل المنى بالطراز العدل و التقى و رأسه باكليل ذكر ربكم فاطر السموات

. . . قد أهدى الصعود . . . اغتنموا يوم الله . . . اجبروا
 التصير بأيادي المدل وكسروا الصحيح العالم بسياط.
 اوامر ربكم الأمر الحكيم . . . ودر صفحه ٢٠٨ ميفرمايند
 در كتاب اقدس خطاب به ويلهلم اول پادشاه پروس
 و امپراطور ممالك متحده المان ميفرمايند يا ملك برلين
 اسمع النداء من هذا الهيكل المبين انه لا اله الا انا
 الباقي الفرد القديم اياك ان يضمنك الضرور عن مطلع
 الظهور . . . اذكر من كان اعظم منك شأنًا و اكبر منك
 مقامًا . . . اخذته الذلة من كل الجهات الى ان رجع
 الى التراب بخسران مبين . . . يا شواطى نهر الريسن
 قد رأيناك مفضاة بالدماء بما بيدك عليك سيوف الجزاء . .
 و نسمع حنين برلين و لو انها اليوم على عز مبين .
 در حنين لوح مبارك در صفحه ٢٠٨ مقام ديگر به فرانسوا
 ژوزف امپراطور اطریش و وارث امپراطورى مقدس روم خطاب
 ميفرمايند بقوله تعالى " يا ملك النعمة كان مطلع نسور
 الاحمدية فى سجن عنا اذ قصدت المسجد الاقصى وردت
 و ما سئلت عنه بعد اذ رفع به كل بيت و فتح كل باب
 ضيف . . . كنا معك فى كل الاحوال و وجدناك متمسكا
 بالفرع غافلا عن الاصل ان ربك على ما اقول شهيدا قد
 اخذتنا الاوزان بما رأيناك تدور لاسمنا و لا تعرفنا

امام وجهه، افتح البصر . . . و ترى النور المشرق من
 هذا الافق اللصیح . صفحه ۲۰۸ و در صفحه ۲۰۹ میفرماید
 به این مضمون که جمال قدم خطاب به علماء و پیشوایان
 ادیان مختلفه آیاتی نازل فرموده اند که برخی در کتاب
 اقدس نازل و بعضی در سایر الواح مبارکه مندرج است
 در آن آیات مبارکه خطاب به علمای ادیان امر اعتنا
 خویش را اظهار فرموده اند و آنان را دعوت کرده اند
 و از غفلت و سهل انگاری علماء را تحذیر فرموده و به تقوی الله
 نصیحت کرده اند . از جمله میفرمایند قوله تعالی " یا مشر
 العلماء خذوا اعنة الاقلام قد ینطق القلم الاعلی بین
 الارض و السماء . . . ضموا الظنون و الاوهام متوجهین
 الی افق قد اشرق منه نیر الایقان . . . لا تزنا کتاب الله
 بما عندکم من القواعد و المعلوم انه لقسطاس الحق بین
 الخلق . . . تهکی علیکم عین عنایتی لانکم ما عرفتم الذی
 دعوتوه فی المشی و الاشرار و فی کل اصیل و بذور . . .
 هل یقدر احد منکم ان یستنّ منی فی میدان الماشفة
 و العرفان او یجول فی مضمار الحکمة و التبیان . . . انا
 ما دخلنا المدارس و ما طالعنا المباحث اسمعوا ما یدعوکم
 به هذا الامی الی الله الابدی . . . انا خرقنا الاحجاب
 ایاکم عن تعجبوا الناس بحجاب آبر . . . ایاکم ان تكونوا

سبب الاختلاف في الاطراف كما كنتم علة الاعراض في
 اول الامر . . . انصفوا بالله ولا تدعوا الحق بما
 عندكم اقرئوا ما انزلناه بالحق . . . (ص ۲۰۹)

بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله در باره کتاب
 اقدس در توقیعات منیعه بسیار است و آنچه نقل شد
 نمونه ای بود که به ذکر آن در این مقاله اکتفا رفت .

در کتاب اقدس به چند نفر از سلاطین معروف جهان
 مانند ویلهلم اول و فرانسوا ژوزف و عبدالعزیز و عبدالحمید
 که از او به (بوم) تعبیر فرموده اند اشاره فرموده اند
 به شرحی که ذکر شد و به چند نفر از علماء معروف شیعه
 هم خصوصا اشاره فرموده و اعراض و غفلت آنان را ذکر
 کرده اند مانند شیخ محمد حسن صاحب جواهر متوفی
 در ۱۲۸۶ هـ . ق و حاج محمد کریم خان کرمانی رئیس
 شیخیه متوفی در ۱۲۸۸ هـ . ق و نیز به ملا جعفر
 گندم پاک کن اصفهانی که به حضرت اعلی مؤمن شد
 و در سال ۱۲۶۵ هـ . ق در قلعه شیخ طبرسی بشهادت
 رسید اشاره کرده اند از مظالم یحیی مطلع اعراض و سیئات
 سید محمد اصفهانی نیز شمه ای بیان فرموده اند و در آخر
 کتاب اقدس دو علامت بلوغ عالم را اشاره فرموده اند .

کتاب اقدس بحری است مواج که از قدرت قدیمه جمالقدم

ظاهر شده است .

۷ - الواح مهمه دیگر

پس از ذکر الواح نازلہ در عکا که حضرت ولی امرالله آنرا به سه قسم منقسم فرموده بودند و شرح آن گذشت همیکل مبارک در گاد پاسزبای در فصل وقایع عکا الواح مهمه دیگری راهم که در عکا نازل شده نام میبرند که به ترتیب در اینجا در باره هر یک بحث میشود .

لوح حکمت

از الواح مهمه نازلہ از قلم مقدس جمال قدم است و حضرت ولی امرالله نام این لوح را در ضمن ذکر اسامی و فهرست آثار منیمه الهیه مرقوم فرموده اند (ص ۲۱۹) مطالب مندرجه در این لوح منیع از امهات مسائل عالییه فلسفیه است . در این لوح راجع به کلمه الله که علت اصلییه ایجاد است و در باره آغاز خلقت و معرفتی طبیعت و وحدانیت الهیه به تفصیل ذکر فرموده اند و نیز در این لوح بیان شده که جمیع فلاسفه و دانشمندان

بصیر در قدیم الایام معترف بوجود خالق قدیر و عظمت او بوده اند و در همه حال با حضرت متعال به مناجات و نیایش میپرداختند و شطری از مناجاتهای آنان را هم ذکر فرموده اند و نیز از اساسی چند تن از فلاسفه الهیون قدیم را از قبیل سقراط و افلاطون و ارسطو و مورخس و انبازقلس و غیرهم ذکر فرموده اند و سقراط را سید الفلاسفه لقب داده اند و میفرمایند که سقراط عارف به حقائق مستوره از ابصار بود و رمز اکسیر جسد جوانی را کشف کرده بود و از دنیا به قلیل قانع و در کوهی منزل داشت و خلق را به خداوند دعوت میفرمود از این قبیل مطالب مهمه در این لوح مبارک فراوان میتوان یافت این لوح به اعزاز جناب آقا محمد قاضی که از قلم جمال قدم به لقب نبیل اکبر سرافراز شده بود نازل گردیده و در سال ۱۲۹۰ هـ . ق مطابق با ۱۸۷۴ میلادی که نبیل اکبر در عکا مشرف بود این لوح مبارک به اعزاز او نازل شد و او را در همین لوح به خطاب نبیل مفتخر فرمودند . حضرت عبدالبهاء در تذکره الوفاء شرح حال نبیل اکبر را مفصلاً مرقوم فرموده اند و نبیل زرنندی در شرح حال مشار الیه مثنوی مفصلی به رشته نظم آورده و جزئیات حالات او را ذکر کرده و در اینجا مختصری

از شرح حال او به اندازه گنجایش این صفحات به عرض
 احباب^۱ میرسد .

مطابق تصریح نبیل زندی جناب آقا محمد قائنی پسر
 مرحوم ملا احمد قائنی است . تولد آقا محمد در سال
 ۱۲۴۴ هـ . ق (۱۸۲۸ م) در نوفرست قاین اتفاق
 افتاد و آقا محمد به تحصیل علوم متعارفه عصر خود
 مشغول شد و به مقامی عالی رسید و فلسفه را در سبزوار
 از مرحوم حکیم سبزواری حاج ملا هادی (۱۲۱۲ - ۱۲۹۱
 هـ . ق) که نامش از قلم الهی در لوح بسیط الحقیقه
 نازل شده به خوبی فرا گرفت و برای تکمیل تحصیلات
 خود به سامرا نزد شیخ مرتضی انصاری که اعلم فقه‌های
 شیعه بود رفت و از شیخ اجازه اجتهاد گرفت و در مراجعت
 به ایران آوازه امرالله را شنید و در بغداد به حضور
 جمال قدم مشرف شد مبلغ او اول دفعه در کربلا ملا
 حسین رشتی بود پس از تشرف به حضور مبارک در بغداد
 ایمانش تکمیل شد و مأمور سفر خراسان شد . حسب الامر
 مبارک راه خراسان پیش گرفت و به قائن رفت و مورد
 احترام عموم مردم و امیر قائن شد پس از مدتی رازش از
 پرده بدر افتاد و حاسدین از هر کنار به آزارش پرداختند
 امیر قائن او را به سختی بیازرد و یک جفت چکمه را پراز

ریگ کرده به گردن او انداختند و او را سر و پهای
 برهنه از شهر بیرون کردند و چند فرسخ پیاده او را
 بردند و با تازیانه میزدند و عاقبت در نزدیک سیستان
 در قلعه ای او را محبوس ساختند پس از چهل روز
 امیر قاین به او فرمان داد که به مشهد برود و در قاین
 نماند در مشهد تبلیغ میکرد علما به مخالفتش برخاستند
 و حکومت مشهد او را با مأمورین به طهران فرستاد و او در
 طهران به نشر نفحات رحمن پرداخت و همواره مسود
 ازیت و آزار بود تا در سال ۱۲۹۰ هـ . ق مطابق
 ۱۸۷۴ م) حسب الاجازه هیکل اطهر به عکا مشرف
 شد و مورد عنایت گردید و لوح حکمت یا حکما به اعزاز
 او نازل شد و ملقب به نبیل اکبر گردید امیر قاین و
 معاندین آنچه املاک و اثار در قاین متعلق به نبیل
 اکبر بود همه را صادره و تصرف کردند و او اعتنائی
 نکرد و پس از چندی حسب الامر مبارک به طهران سفر
 کرد و از سرحد آذربایجان وارد تبریز شد و مدتی
 در این شهر با کلاه (بدون عمامه که مخصوص اهل علم
 بود) به تبلیغ پرداخت و از آنجا به زنجان و قزوین
 و عاقبت به طهران وارد شد و در همه جا با احبب
 ملاقات میفرمود و به تبلیغ طالبین مشغول بود در طهران

شهرت یافت که فاضل قاینی از عکا مراجعت کرده و مردم را فریب میدهد علمای سوء فریاد وادینا برآوردند و آن حضرت به طرف عشق آباد سفر فرموده و مدت در آنجا تشریف داشت پس از آن عازم بخارا شد و جمعی را به زلال مصرفت الله هدایت فرمود و عاقبت در روز نهم ذی الحجه سال ۱۳۰۹ هـ . ق یعنی درست يك ماه بعد از صعود جمال قدم در بخارا به ملکوت ابهی صعود فرمود و در بخارا مدفون گردید .

آنچه تا اینجا مرقوم شد از مثنوی نبیل زندی بود جناب میرزا حیدر علی اسکوئی مبلغ امرالله علیه رحمة الله نوشته است که يك ماه قبل از صعود جمال قدم لوحی از قلم مبارك به اعزاز فاضل قاینی نبیل اکبر نازل شد که در آن فرموده بودند " نبیلی امش علی اثر قدمی " نبیل ایمن اشاره را دریافت و فرمود صعود مبارك نزدیک است و منهم بعد از هیکل مبارك صعود خواهم کرد يك ماه بعد در ذیقعد ۱۳۰۹ هـ . ق (۱۸۹۲) جمال قدم صعود فرمودند و يك ماه بعد هم فاضل صعود فرمود .

باری بچندی از حضرت عبدالبهاء به محفل روحانسی عشق آباد لوحی رسید که فوراً اقدام کنند و رسم جناب نبیل اکبر را از بخارا به گلستان جاوید عشق آباد منتقل

سازند . محفل روحانی فورا اقدام کرد وبا اجازه حکومت
 رمس نبیل اکبر رابه عشق آباد منتقل نمود . طولی
 نکشید که حکومت فرمان داد قبرستان بخارا را ویران
 کردند و خیابان اسفالته ایجاد نمودند و سرّ امر مرکز
 میثاق در باره انتقال رمس نبیل اکبر بر احباء آشکسار
 گردید . از آثار نبیل اکبر چند مثنوی منظوم و اوراق —
 منثور است و از جمله قصیده تائیه ایست مفصل که به سبک
 قصیده ابن فارسی عارف مصری منظوم کرده و به خط خود
 نبیل موجود است . علیه رضوان الله .

۸ — زیارت نامه سید الشهدا

لوح مبارکی است در ذکر مقامات عالیه و مراتب فاضله
 روحانیه حضرت حسین بن علی بن ابی طالب امام سوم
 شیعیان و شرح مصائب و بلیات و فداکاری و شهادت
 آن بزرگوار که به عنوان زیارت نامه آن حضرت از قلم
 ابی نازل شده . این لوح مبارک را احبای الهی به
 دستور مبارک در یوم شهادت حضرت رب اعلی (بیست و
 هشتم شعبان ۱۲۶۶ هـ . ق) تلاوت مینمایند .
 حضرت ولی امر الله این لوح مبارک را در فصل وقایع عکا

در ضمن الواع نازل در عکا اسم برده اند (۲۱۹ ص)

۹ - رساله سوآل و جواب

پس از نزول کتاب اقدس ملازین العابدین نجف آبادی ملقب به زین المقربین در باره برخی احکام کتاب با اجازه جمال قدم سوآلاتی عرض نمود و در جواب او بیانات مبارکه نازل شد و به رساله سوآل و جواب مشهور گردید . حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای در فصل وقایع عکا در ضمن ذکر آثار مهمه جمال قدم که در عکا نازل شده نام این رساله را به عنوان رساله سوآل و جواب ذکر فرموده اند (ص ۲۱۹)

۱۰ - لوح برهان

این لوح از اهم آثار مبارکه است و به اهمیت آن در صفحه ۲۱۹ گاد پاسزبای تصریح فرموده اند . لوح برهان در عکا به سال ۱۲۹۲ هـ . ق بعد از شهادت سیدان الشهدا^۱ و محبوب الشهدا^۲ خطاب به ذئب و رقشا نازل شد . حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای بیانی بس

این مضمون میفرمایند . " شیخ محمد باقر که حضرت
 بهاء الله در لوح برهان او را ذنب نامیده اند و نیز او
 را به جمله مثلک کمثل بقية الشمس علی رؤوس الجبال
 مخاطب داشته اند در نهایت بدبختی و مسکنت و ندامت
 و پشیمانی چنان داد . محمد حسین ملقب به رقصاء که
 جمال قدم او را از ظالم و رضی طف بی رحم تر و شیر تر
 نامیده اند در همان ایام از اصفهان تبعید و نفی گردید
 و از قریه ای به قریه ای پناه میجست و ناگهان به مرضی
 گرفتار شد که بدنش نندین و بوی عفنی داشت و
 راجحه گزاش بدرجه ای بود که زن و دخترش نیز به او
 نزدیک نمی شدند با این حال زار بمرد و هیچکس از اهل
 محل جرأت نکرد او را به خاک بسپارد و عاقبت به واسطه
 چند نفر حمال مدفون گردید . (عی ۲۳۳ - ۲۳۲)

آیات نازله در لوح برهان همه انذار به عذاب و مشعر
 بر هلاک ابدی و دوزخ هولناک برای ذنب و رقصاء است .
 و در الواح متعدده نیز مظالم این دو نفس خبیث بسسه
 تفصیل نازل شده است . مرگ رقصاء بسال ۱۲۹۸ هـ .
 ق . دو سال بعد از شهادت نورین نیرین بود و ذنب
 در عتبات به سال ۱۳۰۱ هـ . ق . ۱۸۸۵ م گمنام و تیره
 روز وفات کرد .

۱۱ - لوح کرمل

لوحی است منیع که قریب دو سال قبل از صدور مبارک جمال قدم یعنی به سال ۱۸۹۰ م - ۱۳۰۷ هـ . ق . در کوه کرمل که خيام عزت احدیه در آن جبل مقدس برافراشته بود از قلم منیع نازل گردید . حضرت ولی امرالله در لوح قرن احبای امریک در فصل وقایع عکا به این مضمون بیانی فرموده اند " در همان سال (۱۸۹۰ که ادوارد براون مشرف شد) خيام عز در صبح کوه کرمل کوم الله و کرم الله مقام ایلیا نصب شده و خباء مجد در جبل مقدس کوه حضرت اشعیا آنرا جبل الرب نام نهاده و اخبار کرده که جمیع امت ها به جانب آن توجه خواهند کرد منصوب شد . شهر حیفا چهار دفعه به قدم هیکل مبارک مشرف شد و در دفعه آخری مدت سه ماه توقف فرمودند سراپرده عظمت در جوار دیر منصوب گردید و لوح کرمل که شامل اسرار الهیه و مبشر تأسیسات بدیعه امریه است از لسان اظهر جاری گشت . انتهى (۱۹۴)

در صفحه ۲۱۹ گاد پاسزبای نیز ذکر لوح کرمل را فرموده اند .

۱۲ - لوح شیخ محمد تقی
اصفهانى مشهور به آقا نجفى

این لوح مبارک نیز از مهمترین آثار مقدسه این ظمهور
اعتماد است و خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانى
پسر شیخ باقر ذئب نازل شده و حجت الهیه بسراو
بالغ گردیده است . این لوح مبارک را حضرت ولی امرالله
به انگلیسى ترجمه فرموده اند و قسمتى از لوح بر همان
نیز که خطاب به ذئب و رقشاه است در ضمن این لوح
مدرج است . لوح ابن الذئب رایكى از احبای اصفهان
بطور ناشناس بر سر سجاده شیخ محمد تقی ابن ذئب
گذاشت و او بر حقیقت آن لوح مطلع شد . شیخ محمد
تقی بقدرى خونخوار و لدود در عداوت امرالله بود که
در مجلس ظل السلطان حاکم اصفهان پسر ناصرالدین
شاه قاجار و در محضر علماء اصفهان آستین های خود را
بالا زد و فریاد کشید که من حاضرم با دست های خود
این دوسید بهائى را (سلطان الشهداء و محبوب
الشهداء) به قتل برسانم . مراتب تزویر و ریاکاری و خبیث
دینت او بیرون از حد و حساب است و جمعى از احبای
الهی مانند سداان الشهداء و محبوب الشهداء و میرزا

اشرف آبادی و ملا کاتام طالب خونیبه ای و حاجی حیدر
 و حاجی گلپلی نجف آبادی و غیرهم به فتوای او و فرمان
 ظل السلطان به شهادت رسیدند . ابن الذئب در سال
 ۱۳۳۱ هـ . ق مطابق ۱۹۱۵ م در اصفهان مرد و در
 چارسو مقصود اصفهان دفن شد .
 نام لوح ابن الذئب و نام شیخ محمد تقی ابن الذئب
 را در صفحه ۲۱۹ گاد پاسزبای ذکر فرموده اند .

۱۳ - لوح روئیا

این لوح مبارک در عکا بسال ۱۲۹۰ هـ . ق در یوم میلاد
 حضرت مبشر نوزده سال قبل از صعود مبارک نازل شد .
 حضرت ولی امرالله در گاد پاسزبای در فصل صعود
 جمال قدم جل کبریائه بیانی به این مضمون فرموده اند .
 " . . . پس از مصائب و بلا یائی که سراسر حیاتت یکدل
 مبارک را احاطه کرده بود آن روح مقدس از قیود آن
 شدائد و محن خلاصی یافت و به ممالک الاخری التسی
 ما و قمت علیها عیون اهل الانشاء صعود فرمود و مطلبی
 را که نوزده سال قبل از صعود در لوح روئیا فرموده بودند
 تحقق یافت . مفاد این لوح در تالیف و احترام روز تولد

حضرت نقطه اولی میسر جمال قدم از قلم مقدس نازل شده بود و از لسان ورقه نورا طیس بشیاب بیضا از سما مشیتش نازل گردیده بود (ص ۲۲۱ گاد پاسزبای انگلیسی)

۱۴ - کتاب عهدی

حضرت ولی امرالله در باره کتاب عهدی در بیانات مبارکه شرح مفصلی ذکر فرموده اند از جمله در گاد پاسزبای فصل اول قسمت سوم (فصل ۱۴) در باره کتاب عهدی بیانی مفصل فرموده اند که مضمون قسمتی از آن به قرار ذیل است . . . این میثاق محکم و عهد متین الهی همان است که در کتاب اقدس ذکر فرموده اند و وقتی که در دوران قریب صمود مبارک اهل حرم در آخرین وداع به بالین همیکل مبارک جمع شده بودند جمال قدم بدین عهد و میثاق اشاره فرمودند و نیز آن را در وصیت نامه خود که به کتاب عهدی مشهور است درج نموده اند و کتاب عهدی را به حضرت غصن اعظم بزرگترین فرزندانشان خود سپردند کتاب عهدی را جمال مبارک به خط مقدس خود مرقوم فرموده و به شام مبارک مبر کرده اند نه روز بعد از حدود با حضور نه نفر باافین و منتسبین کتاب

عهدی مفتوح و قرائت شد و همان روز به مد از ناهر نیز
 در حضور اغصان و افغان و یاران الهی و زائرین و ائمه
 در جوار روضه مبارکه تلاوت شد و همه بر مندرجات کتاب
 عهد الهی مطلع شدند کتاب عهدی را جمال قدم بسه
 القاب شامخه اکبر الواح و صحیفه حمراء که در لوح ابن
 زئب نازل شده تعبیر فرموده اند . عظمت عهد و میثاق
 الهی به حدی است در هیچ دوری از ادوار شرایع
 سابقه و مظاهر مقدسه قبل حتی در آثار مبارکه حضرت
 رب انلی شبیه و نظیر آن را نمیتوان یافت . حضرت
 عبدالبهاء در باره عظمت میثاق و عهد الهی میفرمایند :

" از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه
 چنین عهد محکم متینی گرفته نشده . " و پس از نقل
 بیانات مبارکه وارده در الواح حضرت عبدالبهاء راجع به
 عهد و میثاق الهی در باره خلاصه مندرجات کتاب عهدی
 بیانی به این مضمون فرموده اند :

" . . . در این لوح مبارك حضرت بهاء الله میراث مرشوب
 لا عدل له را که از برای وراثت باقی گذاشته اند تشریح
 فرموده اند و مقصود اصلی از انزال آیات و اظهار بیانات
 را بیان کرده اند مردم عالم را به آنچه سبب ارتفاع مقامات
 آنهاست رهبری فرموده اند و اعمال گذشته را به نلمسه

مبارکه عفی الله عما سلف بخشوده و مشمول عفو قرار داده اند
 عظمت مقام انسان را بیان کرده اند و مقصود از تشریح
 مذهب الهی و ظهور مظاهر مقدسه را توضیح داده اند
 در باره سلاطین و ملوک روی زمین که از آنان به مظاهر
 قدرت و مطالع عزت و ثروت حق تعبیر فرموده اند دعا
 میفرمایند و حکومت ارض را به آنان تفویض نموده و قلوب
 را به خود اختصاص داده اند نزاع و جدال را نهی
 کرده اند و به مساعدت و نصرت "مظاهر حکم و مطالع امر"
 که به طراز عدل و انصاف مزین باشند تأکید کرده اند .
 اغصان سدره را مخاطب داشته اند بقوله تعالی . " یا
 اغصانی در وجود قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون و مستور
 به او و جهت اتحاد او ناظر باشید " اغصان و افغان
 و منتسبین را امر میفرمایند که "طرا به غصن اعظم ناظر
 باشند" و به صراحت بیان کرده اند که مقصود از " من
 اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم " که
 در کتاب اقدس نازل شده حضرت غصن الله الاعظم است
 در باره اغصان میفرمایند ما قدر الله لهم حقاً فی اموال
 الناس و حرم و آل الله و افغان و منتسبین را میفرمایند
 احترام کنید و جمیع را به تقوی و مصروف امر فرموده اند
 و به آنچه سبب ارتفاع مقام است سفارش فرموده اند و به

مردم خاطر نشان فرموده اند که " اسباب نظم را سبب پریشانی ننمائید و علت اتحاد را علت اختلاف سازید " و در پایان کتاب عهد جمیع مؤمنین را سفارش میکنند که به اصلاح عالم و خدمت ام قیام کنند " انتهى (ص ۲۳۸ انگلیسی)

قسمت سوم از الواح نازلۀ در عکا

الواحی است که از قلم جمال قدم در باره اصول و مبادی روحانیه این امر اعظم نازل شده است . این الواح متعدد و مفصل است و در آثار مبارکه حضرت ولی امرالله شرح و بسط آن مندرج . در توقیع روز موعود شرحی مبسوط فرموده و نصوص مبارکه را ذکر کرده اند و از جمله در توقیع مبارک گاد پاسزبای در فصل وقایع عکا در مقامی به این مضمون بیان میفرمایند . (ص ۲۱۶) " بعد از نزول کتاب اقدس که شامل احکام و حدود الهیه است الواح دیگری نیز در باره مبادی و اصول متعالیه امر اعظم از قلم جمال قدم نازل شده است و تبیین و تشریح برخی از احکام نازلۀ از قبل نیز در این الواح ذکر شده در این قسمت از الواح انذارات و بشارات جدیدی از قلم اعلی صادر گردیده

و برخی از احکام هم که متمم کتاب اقدس است در این الواح مندرج شده است . " انتهى

در همین گفتار همیکل مبارك بمضى از الواح مبارکه که جزو قسمت سوم الواح نازل در عکا نام برده اند به قرار ذیل و به این مضمون میفرمایند . الواح اشراقات و بشارات و طرازات و تجلیات و کلمات فردوسیه و لوح اقدس و لوح دنیا و لوح مقصود از آثار مهمه ای است که در او اخسر از قلم الهی صادر شده " و پس از این شرحی مفصل در باره مندرجات کلیه این الواح به طور عموم میفرمایند که باید به اصل توفیق مبارك گام پاسز بسای مراجعه شود . در اینجا الواح مبارکه مذکوره در بیان مبارك را یکایک و بنحو اختصار مورد بحث قرار میدهیم و مجلی در باره مندرجات خاصه هر لوح مینگاریم .

۱ - لوح اشراقات

این لوح مبارك بسیار مفصل است در آغاز لوح شرحی در باره معنی عصمت کبری و معصوم بودن انبیا و تمجید از امانت و درستی میفرمایند . مخاطب این لوح مبارك یکی از احبا موسوم به جلیل است و پس از مطالب مفصله

مزهوره چنین میفرمایند قوله تعالی :

« . . . رجال بیت عدل الهی باید در لیالی و ایام
 به آنچه از افق سماء قلم اعلی در تربیت عباد و تعمیر
 بلاد و حفظ نفوس و صیانت ناموس اشراق نموده ناظر
 باشند اشراق اول . . . اهل ثروت و اصحاب عزت و قدرت
 باید حرمتدین را به احسن ما یمكن فی الابداع ملاحظه
 نمایند دین نوری است مبین و حصنی است متین . . .
 اشراق دوم جمیع رایه صلح اکبر که سبب اعظم است از برای
 حفظ بشر امر نمودیم . . . اشراق سوم اجرای حدود
 است چه که سبب اول است از برای حیات عالم آسمان
 حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر مشورت و شفقت و خیمه
 نظم عالم به دو ستون قائم مجازات و مکافات . اشراق
 چهارم جنود منصوره در این ظهور اعمال و اخلاق پسندید
 است . . . اشراق پنجم معرفت دول بر احوال مأمورین
 و اعطاء مناصب به اندازه و مقدار . . . اشراق ششم
 اتحاد و اتفاق عباد است . . . اشراق هفتم قلم اعلی
 کل را وصیت میفرماید به تعلیم و تربیت اطفال . . . اشراق
 هشتم امور ملت معلق است به رجال بیت عدل الهی
 ایشانند امنا الله بین عباد و مطالع الامر فی بلاده . . .
 ایشان مله مند به الهامات غیبی الهی بر کل اطاعت

لازم . . . اشراق نهم دین الله و مذهب الله محض
اتحاد و اتفاق اهل عالم از سما مشیت مالک قدم نازل
گشته . . . انتهى

حکم جواز ریح نقود نیز در آخر همین لوح مبارک نازل
شده است میفرمایند قوله تعالی :

" قلم اعلى بر تجدید آن توقف نمود ه حکمة من عند ه
وسعة لمباد ه و نوصى اولياء الله بالعدل و الانصاف . . . "

۲ - لوح بشارات

این لوح مبارک شامل پانزده بشارت است در آغاز آن
میفرمایند قوله تعالی :

" هذا ندا الابهى الذی ارتفع من الافق الاعلى فى
سجن عکا هو الصيّن المليم الخبير حق شاهد و مظاهر
اسماء و صفاتش گواه که مقصود از ارتفاع ندا و کلمه علیا
آنکه از کوثر بیان اذان امکان از قصص کاذبه مطهر شود
و مستعد گردد از برای اصفاء کلمه طیبه مبارکه علیا که
از خزانه علم فاطر سما و خالق اسما مظاهر گشته طویسی
للمنصفین یا اهل ارض بشارت اول که از ام الكتاب در این
ظهور اعظم به جمیع اهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد

است از کتاب . . .

بشارت دوم اذن داده شد احزاب عالم با یکتدیگر به روح
و ریحان معاشرت نمایند . . .

بشارت سوم تعلیم السن مختلفه است . . .

بشارت چهارم هر یک از حضرات طوک و فقهیم الله بسر
حفظ این حزب مظلوم قیام فرماید و اعانت نماید باید کسل
در محبت و خدمت او از یکتدیگر سبقت گیرند . . .

بشارت پنجم این حزب در مملکت هر دولتی که ساکن شوند
باید به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند
بشارت ششم صلح اکبر است . . .

بشارت هفتم زمام البسه و ترتیب لحن و اصلاح آن در قبضه
اختیار عباد گذارده شد ولکن ایاکم یا قوم ان تجملوا
انفسکم طمب الجاهلین . . .

بشارت هشتم اعمال حضرات رهبه و خوریهای طست
حضرت صیح علیه سلام الله و بهائه عند الله مذکور ولکن
الیوم باید از انزوا قصد فضا نمایند . . .

بشارت نهم باید عاصی در حالتی که از غیر الله خود را
فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند . . .

بشارت دهم حکم محو کتب را از زیر و الواع بر داشتیم
بشارت یازدهم تحصیل علوم و فنون از هر قبیل بجائز . . .

بشارت دوازدهم قد وحب علی کل واحد منکم الاشتغال
 بامر من الامور من الصنایع و الاقتراف و امثالها . . .
 بشارت سیزدهم امور ملت مطلق است به رجال بیت عدل
 الهی . . .

بشارت چهاردهم شد رجال مخصوص زیارت اهل قبور
 لازم نه . . .

بشارت پانزدهم اگر چه جمهوریت نغمش به عموم اهل عالم
 راجع ولکن شوکت سلطنت آیتی است از آیات الهی دوست
 نداریم مدن عالم از آن محروم ماند اگر بدترین این دورا
 جمع نمایند اجرشان عند الله عظیم است . . . الخ

۳ - لوح مبارک طرازات

این لوح مبارک در آغاز با ذکر عظمت امرالله و سپس با
 فنا جاتی ادامه مییابد تا آنکه خطاب حق به این بیسان
 مبارک متوجه مخاطب لوح میگردد و قوله تعالی :
 " یا ایها الشارب رحیق بیانی من کأس عرفانی امروز از
 حقیقت سدره منتهی که در فردوس اعلی از ید قدرت مالک
 اسماء غرس شده این کلمات عالیات اصغاف گشت طراز اول
 و تجلی اول که از افق سما ام الکتاب اشراق نموده در

مصرفت انسان است به نفس خود و به آنچه سبب علو و دنو و ذلت و عزت و ثروت و فقر است بحد از تحقیق وجود و بلوغ ثروت لازم . . .

طراز دوم معاشرت با ادیان است به روح و ریحان . . .
طراز سوم فی الخلق انه احسن طراز للخلق من لدی الحق . . .

طراز چهارم فی الامانة انها باب الاطمینان . . .
طراز پنجم در حفظ و صیانت مقامات عباد الله است . ع .
طراز ششم دانائی از نعمت های بزرگ الهی است . . .
پس از این شرحی در باره ظلم و عناد مفرضین بیگان و مطالب کاذبه ای که در جراید نوشته اند بیان فرموده و خطاب به هادی دولت آبادی که خود را وصی یحیی ازل میدانست مطالبی ذکر کرده اند و حجت را بر اهل بیان از هر جهت اکمال فرموده اند و لوح مبارک خاتمه مییابد .

۴ - لوح مبارک تجلیات

مخاطب این لوح مبارک جناب استاد علی اکبر بنسای یزدی است که نامش در آغاز لوح از قلم اعلی ذکر شده

مشار الیه در سال ۱۳۲۱ هـ . ق در واقعه انقلاب یزد به فتوای علمای یزد و اقدام جلال الدوله پسر ظل السلطان با عده کثیری از احبای الهی بشهادت کبری فائز شد اصل این لوح مبارک به خط نزولی امروزه در نزد بازماندگان آن شهید مجید موجود است و این عبد آنرا در مشهد خراسان در منزل پسر شهید سعید زیارت کرد شرح شهادت استاد علی اکبر در تاریخ شهدای یزد تألیف حاجی محمد طاهر المصیری یزدی مسطور و عبرت آمیز است . ابتدای لوح خطبه ای است که در آثار عظیمه ظهور الله است و سپس خطاب به استاد علی اکبر میفرمایند :

" یا علی قبل ^{کسر} آنا سمعنا بذالك مرة بعد مرة . . . " سپس اشاره به تشرف او به محضر مبارک فرموده اند بقوله تعالی " شهد انك اقبلت و قطمت السبيل الى ان وردت وحضرت و سمعت ندا المظلوم . . . "

بعد در باره مفتریات معاندین و آثار عظیمه ظهور الله بیانی نازل شده و پس از آن میفرمایند قوله تعالی :
 " تجلی اول که از آفتاب حقیقت اشراق نمود معرفت حقیق جل جلاله بوده و معرفت سلطان قدم حاصل نشود مگر به معرفت اسم اعظم . . . "

تجلی دوم استقامت بر امرالله و حبه جلّ جلاله بوده
و آن حاصل نشود مگر به معرفت کامل و معرفت کامل
حاصل نشود مگر به اقرار به کلمه مبارکه یفعل مایشاء . . .
تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است علم به منزله جناح
است از برای وجود . . .

تجلی چهارم در ذکر الوهیت و ربوبیت و امثال آنست
اگر صاحب بصر در سدره مبارکه ظاهره و اثمارش نظر
نماید آنها تغنیه عن دونها . . .

پس از آن شرحی در باره مفروضین بیان بیجان
فرموده اند و لوح خاتمه مییابد .

ه - لوح کلمات فردوسیه

این لوح به اعزاز جناب میرزا حیدر علی اصفهانی نازل
شده و در آغاز لوح خطاب به او فرموده اند قوله تعالی :
" یا حیدر قبل علی علیک ثنا الله و بهائه " در ابتدای
لوح مطالب مختلفه مانند ^{سبب} ارتفاع انسان و اجتناب از اوهام
و شرایط مبلغین و مناجات و شرح اعمال نالایقه برخی
از نفوس و مضرات اختلاف و اوهام متصوفه اسلام و تقدیس
ذات حق از این گونه اوهام و اشاره به گفتار حکیم

سبزواری و اندرز و نصیحت و امثالها ذکر فرموده اند
و سپس میفرمایند :

" کلمة الله در ورق اول فردوس اعلى از قلم ابهى مذکور
و مسطور به راستی میگویم حفظ. مبین و حصن متین از برای
عموم اهل عالم خشية الله بوده . . .

کلمة الله در ورق دوم از فردوس اعلى قلم اعلى در این
حین مظاهر قدرت و مشارق اقتدار یعنی ملوک و سلاطین
و رؤسا و امراء و علماء و عرفا را نصیحت میفرماید و بدین
و بتمسك بآن وصیت مینماید . . .

کلمة الله در ورق سوم از فردوس اعلى یا بن الانسان
لو تكون ناظرا الى الفضل ضع ما ينقص و خذ ما ينتفع
به العباد و ان تكن ناظرا الى المعدل اختر لدونك
ما تارة لنفسك . . .

کلمة الله در ورق چهارم از فردوس اعلى یا حزب الله
از حق جل جلاله بطلبید مظاهر سطوت و قوت را از شر
نفس و هوی حفظ. فرماید . . .

کلمة الله در ورق پنجم از فردوس اعلى عطية كبرى ونصمت
عالمی در رتبه اولی خرد بوده و همت . . .

کلمة الله در ورق ششم از فردوس اعلى سراج عباد دار
است او را به یاد های مخالف عالم و اعتساف خاموش

نمائید . . .

کلمة الله در ورق هفتم از فردوس اعلی ای دانایان اسم از بیگانگی چشم بردارید و بیگانگی ناظر باشید . . .

کلمة الله در ورق هشتم از فردوس اعلی دار التعلیم باید در ابتدا اولاد را به شرایط دین تعلیم دهند . . . آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند انه یلهمهم ما یشاء . . . تکلم به دو لسان مقدر شده باید جهد شود تا به یکی منتهی گردد و همچنین خطوط عالم . . .

کلمة الله در ورق نهم از فردوس اعلی براستی میگوید هر امری از امور اعتدالش محبوب چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد در تمدن اهل غرب ملاحظاته نمائید که سبب اضطراب و وحشت اهل عالم شده و آلت جهنمیه به میان آمده . . . اسباب عجیبه و غریبه در ارض موجود و لکن از افنده و عقول مستور و آن اسبابی است که قادر است بر تبدیل هوا ارضی کلهها و سمیت آن سبب ملامت سبحان الله امر عجیبی مشاهده گشت برقی یا مثل آن مایع قائم است و به امر او حرکت مینماید . . .

کلمة الله در ورق دهم از فردوس اعلی یا اهل ارضی انزوا

و ریاضات شاقه بمنز قبول فائز نه . . .

پس از بیانی در باره انفاق مال بتشریف افغان و
 امین حقوق الله و نبیل بن نبیل یعنی شیخ محمد علی
 قزوینی پسر شیخ محمد نبیل قزوینی و تشریف ابن سمندر
 اشاره فرموده اند و سپس در باره اقوال موهومه معرضین
 بیان و اتمام حجت به آنان و ذکر عظمت ظهور موعود بیان
 به تفصیل آیات نازل فرموده اند و بلمن و عناد علماء
 شیعه بر منابر نسبت به امر الله و متابعت هادی دولت
 آبادی از علمای شیعه و فداکاری و جانبازی جناب
 میرزا اشرف آبادی در اصفهان که به فتوای ابن الذئب
 به شهادت رسید نیز اشاره فرموده اند و لوح مبارک را با
 خطاب به اهل طار که از قرای نزدیک کاشان است خاتمه
 داده اند .

۶ - لوح اقدس

این لوح در عکا به اعزاز قسیم فارس سوری نازل شده
 نبیل زرنندی در مثنوی خاصی شرح مسافرت همکل اقدس
 همین را با عائله مبارکه و اصحاب از ادرنه به عکا با
 مأمورین دولت عثمانی و وقایع و جزئیات امور بین راه را در

آن مثنوی ذکر کرده است مشار الیه در ضمن ابیات بود
فرموده که من از ادرنه به امر جمالقدم به طرف مصر سفر
کردم و در آنجا به تفتین و معاندت قونسول ایران رفتار
زندان شدم و پس از چندی مرا از مصر به زندان اسکندریه
منتقل کردند در زندان اسکندریه با قسیس مسیحی آنکه
مردی عالم و با زکاوت بود آشنا شدم و با او در باره
امر اعظم الهی مذاکره کردم پس از چند روز به امر مبارك
تصدیق کرد و مملو از عشق و شور گشت در زندان با هم
در باره امر مبارك و عظمت جمال قدم سخن می گفتیم ناگهان
خبر دار هدیم که جمال قدم و عائله مبارکه و اصحاب
به امر دولت عثمانی از ادرنه عزیمت فرموده و عنقریب با
گشتی به اسکندریه خواهند رسید هر دو از شرف و سرور
سراز پا نصیشناختیم و با هم بالای بام زندان میرفتیم
و بدریا نظر میدوختیم شاید از رسیدن گشتی با خبر
شویم قسیس که سراپا شرف و نشاط بود عریضه ای به عربی
نوشت من نامه او را خواندم اشعه محبت و شعله های
ایمان از خلال کلمات و سطور آن تابان بود قسیس نامه
را توسط جوانی مسیحی که در زندان به دیدن او آمده
بود به ساحت اقدس فرستاد من به آن جوان نشانه میرزا
آقا جان خادم الله را دادم و به جوان آفتم که نامه را

بوسیله نادم به حضور مبارک تقدیم نند. جوان نامه را تقدیم کرد و مورد عنایت واقع شد و جذبه عظمت هیگزل مبارک تصدیق به امرالله کرد و بعدها مصدر خدمات گردید جمالقدم در همان حین لوحی به اعزاز نبیل نازل فرمودند و در آن لوح اظہار عنایت به قسیس فرمودند و لوح را به وسیله همان جوان ارسال فرمودند قسیس پس از خلاصی از زندان به تبلیغ مسیحیان پرداخت و خدمات شایانی کرد و جوان هم که نامش قسطنطین و شغلش ساعت سازی بود به تبلیغ پرداخت و دقیقه ای آرام نداشت . . . جمال قدم در ضمن لوحی راجع به این موضوع چنین میفرمایند . قوله تعالی :

" کنا طائرا فی هوا " الاشتیاق الی ان وردنا فسی شاطی البحر اذن استوی بحر الاعظم علی الفلک و جرت علی البحر الابیض، و صرنا الی ان بلغنا مقابل المدینہ التی سمیت بالاسکندریہ قد دخل علینا فتی من اهل الایمن و حضر تلقا' الوجه بکتاب عربی مبین الذی کتبه احد من اسقف البصری و وجدنا منه رائحة رحمة ربک العزیز العظیم . " و در لوح دیگری که به اعزاز افنان یزد نازل شده شع و اصول عربیة کشیش مزبور را ذکر فرموده اند . قوله تعالی :

" الى ان بلخنا مقابل مدينة من مدن الارز . . . اذن
 حضر تلقاء الوجه احد من الذين نسبوا الى الابن بكتاب
 مبین . . . الخ "

حضرت ولی امرالله در فصل وقایع ادرنه داستان
 حبس نبیل را در مصر ذکر فرموده اند به این مضمون
 که " قونسول ایران . . . جناب نبیل را که از طرف حضرت
 بهاءالله از ادرنه برای تظلم و دادخواهی نزد خدیو
 مصر عازم آن دیار شده بود به زندان انداخت . . . "
 صورت عریضه ی قسیس را جمالقدم به خادم الله امر
 فرمودند که برای احبای ایران بفرستد و امروز متن آن
 عریضه موجود و نسخه ان مشهور است . آغاز لوح مبارک
 اقدس اینست قوله تعالی :

" هذا لوح الاقدس نزل من الملکوت المقدس لمن
 اقبل الى قبة العالم الذی اتى من سماء القدم بمجده
 الاعظم . "

در این لوح پیروان مسیح را مخاطب قرار داده اند و
 بشارت ظهور موعود عظیم را به آنها میدهند و تقسیمی
 نبوات اشعیا و مسیح و سایر بشارت کتب مقدسه را
 که در باره حضرت موعود است آوشزد میفرمایند و عظمت
 امرالله را به جان متلفه بیان فرموده اند و قسیسان

و ره بانان مسیحی را مناجات قرار داده و به امرالله دعوت فرموده اند باری به شرحی که نوشتیم در کشتی در بندر اسکندریه پس از وصول عریضه قسیس به حضور مبارك در همان وقت لوحی به اعزاز نبیل زندی نازل میشود و در آن نسبت به قسیس اظهار عنایت فرمودند و بعد از عکا به اعزاز او لوح اقدس نازل شد .

۷ - لوح دنیای

نزول این لوح در سال ۱۳۰۸ ه . ق بوده که به حکم دولت جناب ملاعلی اکبر ایادی و جناب حاجی ابوالحسن اردکانی امین حقوق را در قزوین و بعدا در طهران محبوس ساختند و مخصوصا جناب امین را عوانان برای آنکه پولی دریافت کنند خیلی زجر دادند و در عوض غذای معمولی برای او چند قطعه نان خشک بویسن میآوردند و در میان سطلی که پر از آب کثیف ظرف شویی بود نانها را میریختند و مقداری هم روغن چراغ (روغن بیدانجیر) در آن میریختند و به امین میدادند این غذای او بود و هر روز او را کتک میزدند و زنجیر گردن او را به قدری کوتاه میکردند که به زنجیر پای او که در کند

و زنجیر بود می بستند که قامتش همانطور که نشسته بود بقدری خم میشد که فوق طاقت بود و او همه این مصائب را تحمل میفرمود و شکر جمال قدم را بجا میآورد در آن سال که ملا علی اکبر و امین محبوس شدند این لُـوـج مبارک نازل شد و در آغاز آن اشاره به محبوسیت آن دو نفر میفرمایند . بقوله تعالی :

" حمد و ثنا سلطان مبین را لایق و سزااست کـه سجن متین را به حضور حضرت علی قبل اکبر و حضرت امین مزین فرمود و بانوار ایقان و استقامت و اطمینان مزین داشت علیهما بهاء الله و بهاء من فی السموات و الارضین . "

سپس اظهار عنایت نسبت به ایادی امرالله فرموده و اصحاب ایران را مخاطب قرار داده و بعد خطاب به افغان میفرمایند :

" یا افغانی . . . خیمه امر الهی عظیم است جمیع احزاب عالم را فرا گرفته . . . بعد از آن نصایح و مواظبات فرموده اند و سفارش به حکمت کرده اند و به بشارت نازله در باره طهران و مظالم جلال الدوله حاکم پسر پسر ظل السلطان اشاره فرموده اند و در باره ایران و زمامداران بیانات مفصله فرموده و شطاری از تمالیم

الهیّه را بیان کرده اند و پنج امر مهم را که سبب اصلاح عالم است ذکر فرموده اند یعنی در باره بیت العدل اعظم و وحدت لسان و لزوم تمسک به اسباب محبت و اتحاد و تأکید در اشتغال نفوس به کسب و صنعت و اهمیت موضوع زراعت بیانات مبارکه نازل شده و بعداً در باره نسخ برخی از احکام بیان اشاره فرموده اند و زمامداران ایران و علماء را به اهمیت مسئله مشورت متوجه ساخته اند و تعالیم لازمه اصلیّه را که سبب عمار بلاد و آسایش عباد است به تفصیل ذکر فرموده اند و از توجه به نفوس خادعه و فریبنده بر حذر داشته اند و در باره سید جمال الدین افغانی و فتنه و فساد و معاندت در باره امر اعظم و تأسیس جریده عروة الوثقی و سایر مطالب آیات مبارکّه نازل فرموده اند و پس از مناجاتی که از قلم ابهی صا در شده در باره عظمت امرالله و بلایا و استقامت مظهر امرالله و نصیحت به افراد مؤمنین و تقدیر از مقام علمای راشدین و اظهار عنایت نسبت به اهل بها و اصحاب سفینه حمراء لوح مبارک خاتمه مییابد . جناب حاج امین اردکانی همواره به خدمت امر مشغول و مورد عنایات جمال مبارک و مرکز میثاقی و حضرت ولی امرالله بوده تا آنکه پس از کسالتی متد و زجر بسیار که از مرضی تحمل

فرموده در سال ۱۳۰۷ هـ . ش هفتم مردادماه در
 طهران صعود فرموده و در گلستان جاوید مدفون شد
 و تلگرافی از ساحت اقدس در باره او واصل گردید و جناب
 ملا علی اکبر ایادی شه میرزادی هم که معروف به حاجی
 آخوند است خدمات بسیار کرد و الواح بسیار دارد و —
 بالاخره در روز جمعه یازدهم صفر ۱۳۲۸ هـ . ق مطابق
 ۲۵ فبروری ۱۹۱۰ م صعود فرمود مدت حبس آنان دو
 سال در قزوین و یک سال هم در طهران بود که از قزوین
 آنان را محبوسا به طهران منتقل و محبوس ساختند . شرح
 حال مفصل ملا علی اکبر و حاجی امین در تاریخ ام‌الله
 مسطور است .

۸ — لوح یوسف

لوحی است که به اعزاز سید یوسف اصفهانی نازل شده
 و این طور آغاز میشود :

« ای یوسف حجت‌م بر کل من فی السموات و الارض
 من قبل ان اعرف نفسی تمام بوده و بالغ شده چه کس
 به ظهوراتی ظاهر و به شیئونات باهر که احدی را مجال
 توقف و اعراض نه تفکر در ام قبل کن . . . الی قوله تعالی

” ان اعلم بما امرت ولا تكن من الصابرين و البهاء عليك
و على من معك ان تستقيم على هذا الامر الاعظم العظيم .
انتهی

۹ - لوح هفت پرش

به اعزاز پارسیان است و صورت این لوح مبارک در مجموعه
الواح حضرت بهاء الله مطبوع در مصر موجود است و معروف
و در دسترس احباب است .

۱۰ - لوح هرتیک

جمال قدم جل جلاله در لوح حاجی میرزا حیدر علی
اصفہانی در باره تحقق وعود قبل میفرمایند قوله تعالی :
” در جمیع کتب ذکر ظهور در این ارض موعود است
و همچنین در اطراف آن و جمعی هم از مالک اخری آمده
و در اطراف این ارض مقدسه مبارکه ساکن شده اند و
میگویند ظهور نزدیک است و ما آمده ایم تا به آن فائز
شویم و ادراک نمائیم معدنك در غفلت عظیم مشاهده
میشوند رئیسشان چند سنه قبل اراده نمود به حضور

فائز شود و در ساحت اقدس این عرش مقبول نیفتاد و لکن لوح امنع اقدس مخصوص او نازل و در آن لوح ثبت شد آنچه که هر منصفی را نجات بخشد و هر قاصدی را بسه مقصود کشاند . ممدلك مصداق كلمه لا يمسه الا المطهرون ظاهر باری به قطره از بحر معانی آن فائز نشدند و هنوز منتظرند کما انتظر قوم قبلهم و معهم . . . " انتهی

در بیان مبارك اشاره به پیروان میلر است که از آلمان جمعی به اراضی مقدسه رفتند و دیری بنا کردند در جبل کرمل و منتظر رجعت و ظهور حضرت مسیح (ع) هستند و لوحی را که میفرمایند خطاب به رئیسشان نازل شده همان لوح موسوم به هرتیک باشد که نام آن رئیس بوده و حضرت ولی امرالله جل سلطانیه در رساله امر بهائیه در جزو قائمه الواح مهمه جمال قدم جل جلاله لوح هرتیک را ذکر فرموده اند ولی نگارنده تا کنون این لوح را زیارت نکرده است .

۱۱ - لوح نصیر

این لوح مبارك در مجموعه الواح حضرت بهاءالله بابیح مصر موجود است .

۱۲ - لوح عولود

عنوان این لوح مبارك این است :

" بسم المولود الذی جعله الله مبشرا . . . الخ

صورت این لوح در ایام تسعه موجود است .

۱۳ - لوح مریم

از الواح مبارك است که به اعزاز مریم دختر عمه هیگل مبارك که در طهران میزیسته و زوجه حاج میرزا رضا قلی حکیم برادر هیگل مبارك بوده است نازل شده و در ریحیق مختوم و در مائده آسمانی مندرج است .

۱۴ - لوح مانکچی

مانکچی سرپرست زردشتیان در ایران بود که از هند در دوره ناصر الدین شاه به ایران آمد و در بغداد به حضور مبارك جمال قدم مشرف شد . این لوح به اربع رسیده و در مجموعه الواح حضرت بهاء الله اربع مصر مندرج است .

۱۵ - لوح کریم

در صفحه ۳۶۵ کتاب مبین خط زین المقربین از نشریات
لجنه نشر آثار این لوح مندرج است :

" بسم الله الاقدس العلی الابهی ان یا کریم . . . "

و لوحی دیگر بنام کریم این است :

بنام خداوند یکتا

ای کریم انشاء الله به عنایت کریم در ظل سدره رب -
العالمین مستریح باشی و به فیوضات منزله از سماء
فضل فائز زکرت لدی العرش بوده و خواهد بود . . .
الی قوله تعالی :

" . . . بگوای احبای من شما اطبای معنوی

بوده و هستید باید به حول و قوه الهیه به دریاق اسام
اعظم امراض باطنیه ام و رمد عیون اهل عالم را مداوا
نمائید . . . "

و پس از بیانات مفصله لوح مبارک این طور ختم میشود :

" ای کریم وصایای الهیه را از برای هر نفسی ذکر

نمائید و تلاوت کنید که شاید بما اراد الله عامل شوند
و ذکر من قبلی من معک من کل اناث و ذکور قل لک
الحمد یارب المزیز المحبوب . "

انتهی

۱۶ - لوح قناع

در جواب شبهه حاجی کریم خان کرمانی است که به کلمه قناع به یکی از اعیان که نامه ای به او نگاشته بود و او را تبلیغ به امر کرده بود ایراد گرفته بود و لوح مفصلی به همین مناسبت خطاب به او نازل شد . این لوح از اسهات الواح مبارکه است و در مجموعه الواح حضرت بهاء الله چاپ مصر مندرج است .

۱۷ - لوح عبد الوهاب

این لوح در عکا به افتخار ملا عبد الوهاب قوجانی نازل شده و در جواب سؤالات او از روح و بقای آن مفصلاً بیانات فرموده اند . صورت این لوح در مجموعه الواح حضرت بهاء الله چاپ مصر مسطور و مندرج است .

۱۸ - لوح عاشق و معشوق

آغاز این لوح عبارت " ای بلبلان الهی " است که در مجموعه الواح حضرت بهاء الله مندرج در مصر در صفحه

۳۴۳ به بعد مندرج است .

حضرت ولی امرالله جل سلطانہ در رسالہ آئین بہائی این لوح مبارک را بہ نام مذکور در عنوان در فہرست الواح — صادرہ از قلم مبارک جمال قدم جل جلالہ ذکر فرمودہ اند ولی ہنام لوح گزار الہی در بین احباب مصروف است .

۱۹ - لوح طب

در عکا از قلم مبارک بہ اعزاز میرزا محمد رضای طبیب یزدی نازل شدہ و در مجموعہ الواح حضرت بہا اللہ طبع مصر بہ طبع رسیدہ است .

۲۰ - لوح شیخ فانی

از الواح نازلہ در عکاست و بسیار مفصل است و قسمتی از آن را ہیکل مبارک حضرت ولی امرالله جل ثناء بانگیسی ترجمہ فرمودہ اند و آن قسمت بہ قرار ذیل است قولہ تعالی :

" . . . موجد الیوم نفسی است کہ حق را مقدس از اشباح و امثال ملاحظہ نمایند آنکہ امثال و اشباح

را حق داند مثلا ملاحظه کن از صانع صنمی ظاهر میشود و از نقاش نقشی حال اگر گفته شود این صنعت و نقش نفس صانع و نقاش است هذا کذب ورب المرش و الثری بلکه مدّند بر ظهور کمالیه صانع و نقاش ای شیخ فانی معنی فنای از نفس و بقای بالله آن است که هر نفسی خود را در جنب اراده حق فانی و لاشیئی محض مشاهده نماید مثلا اگر حق بفرماید افضل کذا بتمسّام همت و شوق و جذب قیام نماید نه آنکه از خود توهمی کند و آن را حق بداند در دعای صوم نازل و لو یخرج من فم ارادتک مخاطبا ایاهم یا قوم صوموا حبا لجمالسی و لا تعلّقة بالمیقات و الحدود فوعزتک هم یصومون و لا یأکلون الی ان یموتون اینست معنی فنا در این مقام درست تفکر نمائید تا به سلسبیل حیوان که در کلمات مالک امکان جاری و ساری است فائز شوید و شهادت دهید به این که حق لم یزل منزّه از خلق بوده و خواهد بود باید آن جناب بما اراد الله قیام نمایند و ما اراد الله ما نزل فی الالواح است به قسمی که بهین وجه از خود اراده و مشیعتی نداشته باشید اینست مقام توحید حقیقی از خدا بخواهید در این مقام ثابت باشید و ناس را به سلطان معلوم که به هیکل مخصوصی ظاهر و به نعمتات

مخصوصه ناطق است هدایت کنید اینست: بُوهر ایمان
و ایقان نفوس که به اوهام خود معتکف شده اند و اسم
آن را باطن گذاشته فی الحقیقه عبده اصنام اند کذلهك
شهد الرحمن فی الالواح انه لهو الملیم الحکیم .
انتهی

۲۱ - لوح اول و لوح دوم سلمان

سلمان الواح متعدده دارد و شرح حالش در محاضرات
جلد اول مندرج است . الواحش که به فارسی و عربی
نازل شده به طبع رسیده و در دسترس عموم احبباً
است .

۲۲ - لوح السحاب

از الواح جمال مبارك جل جلاله است و صورت آن در کتاب
مبین نسخه مطبوعه از خط زین المقربین صفحه ۱۴۹ به
بعد مندرج است به این عنوان :
" . . . بسم الله الملیم الحکیم هذا کتاب من
لدى الرحمن . . . "

۲۳ - لوح زین المقربین

از جمله الواحی که در سجن اعظم به اعزاز زین المقربین نازل شده این لوح مبارك است که آغازش اینست . قوله تعالى :

بسم الذی هو مقدر الاحزان

یا ایها الناظر الی وجهی و الشارب كأس عنایتی و کوب
رحمتی و افضالی و الساکن فی ظل عظمتی . . .

این لوح بسیار مفصل است و به طبع نرسیده است ولی لوح دیگری به افتخار زین المقربین نازل شده که در صفحه ۳۳۷ مجموعه الواح طبع مصر به عنوان " هو المیز الباقی " مسطور است .

۲۴ - لوح رسول

این لوح در کتاب مبین خط زین المقربین صفحه ۱۷۶ مبدون است با این عنوان . " الاقدس الالهی رسولی لا تحزن . . . "

لوح مبارك، دیگری نیز بنام لوح رسول از قلم مبارك نازل شده که آغازش اینست قوله تعالى :

" انا الذی قد نکت مخزونا فی قباب الدنیا ان یا رسول
 اگر از شمس سماء معنی پرسی در کسوف حسد مکسوف
 و مغطو و اگر از قمر بقای قدس خیر خواهی در خسوف
 بنمضا مخسوف و مقنوع و اگر از انجم فلك عمائی اطسلاع
 طلبی در افول غل مافول و محجوب يك حسین و صد
 هزار شمر بر او قائم و يك خلیل و هزاران نمرود بر او
 محیط يك روح پاك و صد هزار قابض و يك حنجر و صد
 هزار هزار خنجر در تمام عمر شبی نیاسودم و در جمیع
 ایام دمی نیارمیدم گاهی سرم را دیار به دیار هدیه
 فرستادند و گاهی در هوایم بیاویختند وقتی مصاحبم
 سنان بود و وقتی موآنسم خولی هر صبح که سر از فراش
 برداشتم بالای جدیدی استقبال نمود و هر شام که در
 محفل وحدت جالس شدم عقوبتی رخ گشود نه در بلایایم
 تأخیر و نه در عقوبتم تصویقی و معدلك قیامم در مقابل
 اعداء چون شمس واضح بود و ظهیرم در بین ملکوت و اهل
 آن چون تم لائح و در آنی به حفظ جان نپرداختم و اقل
 من حین به آسایش روانم دل نیستم جان را انفاق سبیل
 محبوب نمودم و روانم را فدای مقصود . . . الی قولسه
 تعالی . . . حال سلحان قدم اراده خروج از بین یا جوع
 نمود ولکن بعد از خروج هم معلوم نیست که از لسد غ

شبان این جوهر را من محفوظاً ماند چنانچه در مچرت
 اول این مطالب به وضوح آمد . . . (از این بیان مبارک
 واضح است که محل نزول لوح رسول بنماد بوده است)
 باری این لوح همینطور ادامه دارد تا آنکه میفرمایند :
 " باری این ایام ایامی است که چشم ابداع و بصیرت اختراع
 شبه آن ندیده جهد نما تا از سبیل وهم و تقلید خارج
 شوی و به جبروت مشاهده و ملکوت مکاشفه وارد شوی
 چه که این ایام کل در سکر غفلت مدهوشند الا من شاء
 ربك برخی سراب بقیمة را بحر اغمر دانند و ظلمت
 دیجور را صبح انور شمرند و بعضی به قطره فانی از کوثر
 باقی قانع و قناعت نموده اند اینست حال عباد و اطوارشان
 كذلك خلقنا النفوس اطوارا ای رسول اگر طیران در عوایم
 را خواهی از ملکوت سماوات و ارض و آنچه در این دو
 موجود است طیران نما تا در رضوان رضای سبحان
 وارد شوی فہنیتا للواردین . . . ای مظہر جود من
 قدم استقامت مستقیم کن کہ اریاح نفاق از شطر شقاق
 در بیوست . . . " الی قوله تعالی :
 " و كذلك قدرنا لك من قدرة التي اعطيناك علی همکل
 الكلمات فی هذا الكتاب ان تكون علی امر ربك لمن
 الراسخين و المستقیمين . " انتهى

۲۵ - لوح حسین

این لوح مبارک با این بیان اقدس آغاز شده قوله تعالی :
" دوست باقی مادونش فانی ای حسین بذکرالله مأنوس
شو و از مادونش غافل چه که ذکرش انیسی است بسی
نفاق و مونسى است با کمال وفاق . . . " الی قوله تعالی
" فطوبی له و لکم احباء الله را از قبل این مظلوم ذکر
برسانید . " انتهى

این لوح را حضرت ولی امرالله جل شانه در رساله
آئین بهائى بهمین نام (لوح حسین) ثبت فرموده اند
لوح دیگری نیز بنام حسین صادر شده که در صفحه ۳۳۳
کتاب صیبن مطبوع و از روی خط زین المقربین مندرج است
آغازش این است :

" بسم الله الا منع الا قدس ان یا حسین . . . "

۲۶ - لوح جمال

خطاب به جمال بروجردی در مجموعه مصروفه به اقتدارات
و سایر کتب الواح مندرج است . صغفی مهاده که جمال
بروجردی به اعزازش در دوران ثبوتش بر امرالله الواح

بسیار نازل شده که از صد لوح متجاوز است و در کتابخانه
امری مشهد، خراسان مجموعه ای است خطی با خطی
زیبا و نسخ که الواح جمال منحصر در آن مندرج است .
و نیز لوح دیگری از جمال در کتاب مبین مطبوع از خط
زین (۲۵۲) با عنوان :

” بسم الله الا منع الا قدس الابهی ج ل اسمع . . . ”
مندرج است .

۲۷ - لوح توحید

این لوح مبارک در مجموعه منظمه در مصر که حاوی الواح
جمال قدم جل جلاله است مندرج و مطبوع است و اول آن
اینست :

” . . . حمد مقدس از عرفان . . . ” الخ

۲۸ - لوح پسر عم

مقصود جناب محمد حسن فرزند جناب میرزا زین العابدین
یعنی پسر عم جمال قدم است . این لوح در سجدن اعظم
نازل شده و خطاب به او در آغاز لوح میفرمایند ای پسر

عم . . . این لوح به طبع رسیده و در صحاح و تراجم اول
هم در باره پسر عم مزبور به تفصیل نوشته شده است .

۲۹ - لوح البقاء

در کتاب مبین مطبوع از روی خط زین المقربین (ص ۲۱۸)
با عنوان :

" بسم الله الاقدس الابهی هذا لوح البقاء . . . "

مدرج است .

۳۰ - لوح بسیط الحقیقه

در جواب سؤالات در باره جمله بسیط الحقیقه کل
الاشیاء در سجن اعظم نازل شده و در مجموعه اقتدارات
و سایر مواضع به طبع رسیده است .

۳۱ - لوح بسطه

لوحی است مصدر به بسطه در بیان مقصود از آفرینش
که در صفحه ۲۷۶ مجموعه الواع حضرت بهاء الله با بسطع

مصر مندن است .

۳۲ - لوح انت الكافى

دعای شفای از امراض است و در ادعیه حضرت محبوب
طبع مصر و کتاب تسبیح و تهلیل با اعراب موجود است .

۳۳ - لوح اصواج

از الواح مشهوره نازله در عکا است و صورت آن در مجموعه
الواح طبع مصر مندرج است .

۳۴ - لوح اشرف

لوح مبارکی است که با این عنوان شروع میشود :
” بنام خداوند عالم دانا رشحات الهام از اوراق
سدره منتهی به اعانت نسیم آزاده مالک اسماء به صورت
این کلمات ترشیح نمود . . . الخ
در این لوح کل را امر به حکمت میفرمایند و مقصود
از اشرف جناب شهید در اصفهان اشرف معروف به

آباده ای است این نفس زکیه همراه ملا کاتنام : الخونیه^ی
 در اصفهان به فتوای ابن زعب قبل از سلطان الشهدا^ه
 و محبوب الشهدا^ه به شهادت رسیده است و شرح
 شهادتش در کتاب مشاهد الفدا^ه مندرج است .
 لوح دیگری نیز بنام اشرف موجود است کسه در
 مجموعه الواح حضرت بهاء^ه الله جل جلاله طبع مصر به
 طبع رسیده است و در دسترس عموم میباشد .

۳۵ - لوح الاحباب

از الواح جمال قدم است و صورت آن در کتاب میسن
 گراور از خط حضرت زین المقربین (ص ۹۶) به بسمند
 مندرج است و آغازش این است قوله تعالی :
 " بسم الله الاقدس الابهی هذا کتاب من لدنا
 الی الذی اذا سمع النداء " . . . الخ

۳۶ - لوح اتحاد

به اعزاز یکی از سادات خصص است . صورت این لوح
 در ادعیه حضرت محبوب طبع مصر مندرج و شرح نزول

آن در محاضرات جلد اول مسطور است .

۳۷ - لوح کتاب الصدق

عنوانش این است :

" کتاب الصدق نزل بالحق من لدن عالم خبیر آنه
لرسول الصدق الی البلاد لیذکر الناس الی مقامه
الرفیع . . . " و آخرش این است :
" خافوا الله و لا تكونوا من الظالمین . "

۳۸ - قد احترق المخلصون

در سجن اعظم در دوره استنطاق نازل شده و در ادعیه
محبوب و کتاب تسبیح و تهلیل مسطور است .

۳۹ - سورة الهجر

قوله تعالى :

" نزلنا بالحق لیظهر بیننا مظلومیتق بین الارضیین
و السموات و الباقی باسمی فی ملکوت الاعلی فسبحان

الذى يخرج حبيبات الممكنات بسلطانة وخلق السموات
بأمره . . . الخ

این لوح مبارک هم در حین مهاجرت و خروج از بخداد
نازل شده و شرح سوز و گداز هجران در آن ذکر شده
ولهذا سورة الهجرة نامیده شده است قوله تعالى :

" قل انه يريد ان يخرج من بينكم وحده و لم يكن
معه احد الا نفسه كذلك كان من اول الذى لا اول له
الى اخر الذى لن يحصيه كل من فى السموات والارضين
قل ان كينونه القدم يريد ان يخرج من بين اعدائه و
احبائه و بذلك يسرن المشركون و يقطع اكباد الذين هم
استمرجوا الى مواقع القدس هذا المقام الذى فيه يتضح
منظر الله المقدس المميز المنيع قل انه ولو يخرج وحده
ولكن يكون معه جنود المزمثم اهل جبروت الهقا و ملكوت
المعالم ثم الذين هم استجاروا خلف خباء القرب مقبر
هذا الاسم المبارك الذى منه افطرت سماء الاعراض وانشقت
ارض الكفر ثم ارتفعت غمام الفضل ان انتم من الشاهدين
قل ان معينه زفراته و ناصره عبراته و طعاصى قطمسات
كبدى و شرابى رشحات دوى و انيسى اناملى و مصاصيسى
قلمى و ظهري التوكل على الله ربى و رب كل شئى و رب
المرش العظيم و حزى لجناتى و محاشرى نعماتى و مراتى

بجمالى ان انتم من العارفين و بذلك، تخطفت قلوب
الامكان و تخطفت اركان العرش و بكى تاهور القدس
من مداعج حمر منير . . . الخ

مخاطب اين لوح مبارك حسين است قوله تعالى :
" و انك انت يا حسين اسمع ندا سميك (جمال مبارك)
الذى ابتلى فى الارض بما اكتسبت ايدى الظالمين
من هؤلاء المفلين . . . الخ

٤٠ - سورة وفا

از الواح مفصل نازل از قلم مبارك جمال قدم جل بهائيه
است و قسمتى از آن به قرار ذيل است قوله تعالى :
" و اما ما سئلت من العوالم فاعلم بان لله عوالم
لا نهايه بما لانهاية بها و ما احاط بها احد الا نفسه
المليم الحكيم تفكر فى النوم و انه آية الاعظم بين الناس
لو يكونن من المتفكرين مثلا انك ترى فى نومك امرا فسى
ليل تجده بعينه بعد سنة او سنتين او ازيد من ذلك
او اقل و لو يكون العالم الذى انت رايت فيه ما رأيت
هذا العالم الذى تكون فيه فيلزم ما رايت فى نومك يكون
موجودا فى هذا العالم فى حين الذى تراه فى النوم

و تكون من الشاهدين مع انك ترى امرا موبودا لم يئن
 فى العالم و يظهر من بعد اذن حقيق بان العالم
 الذى انت رايت فيه ما رايت يكون عالما اخبر الذى لا له
 اول و لا آخر و انك ان تقول هذا العالم فى نفسك
 و ينطوى فيها بامر من لدن عزيز قد ير لحق ولو تقول
 بان الروح لما تجرد عن الملائق فى النوم سيره اللسه
 فى العالم الذى يكون مستورا فى سر هذا العالم لحق
 و ان الله عالم بعمد عالم و خلق بعد خلق و قدر نفس
 كل عالم مالا يحصيه احد الا نفس المحصى العليم
 و انك فكر فى ما القيناك لتصرف مراد الله ربك و رب
 العالمين و فيه كنز اسرار الحكمة و انا ما فصلناه بحزن
 الذى احاطنى من الذين خلقوا بقولى ان انتم من
 السامعين . " انتهى

٤١ - لسوح ندا

مقصود لوح مباركى است كه امروزه نام لوح بشارات
 مصروف شده و نام ديگر اين لوح مبارك لوح ندا و روح
 حيوان است . جمال قدم جل جلاله در لوح مرحوم
 حاجى ابراهيم خليل قزوينى خطاب به جناب امين اردكانى

میفرمایند قوله تعالی :

” . . . یا امین . چندی قبل لوح امضاعظام اکبر
ابهی که در مقامی بندها تصبیر شده و در مقامی دیگر
به روح حیوان و رتبه اخری به بشارات آن لوح ارسال شد
که آن جناب مع قائم بر خدمت علیه بهائی ملاحظه نمایند . . .
حضرت ولی امرالله جل ثنائه در رساله آئین بهائی
نام این لوح مبارک را بهمین اسم لوح ندها ثبت
فرموده اند .

۴۲ — سورة القلم

از الواخ مخصوصه ایام رضوان است و لوح مفصلی است
که در رساله تسبیح و تهلیل مندرج شده . در آغاز این
لوح منیع این جمله مسطور و نازل قوله تعالی :

” هذه سورة القلم قد نزلت من سماء القدم للذیین
هم الی شطر المرش ینظرون . ”

۴۳ — سورة فوآر

در کتاب امین به ابح رسیده و در آن شرح «الاکت و وبال

حال فواید پاشای معروف را که سبب حبس مبارک در سجن عکا بود ذکر فرموده اند این لوح معروف به لسوح ک . ظ است که به اعزاز شیخ کاظم سمندر قزوینی نازل شده است .

سورة السلطان

قد نزلت من جبروت الرحمن بآیات مهیمن مبرم قدیم
هو الابدع الاقدس الابهی تلك آیات الله قد نزلت
بالحق من جبروت البقاء و جعلها الله حجة من عنده
وبرهاننا من لدنه على من فى السموات و الارض من يومئذ
الى يوم الذى فيه تنعدم رايات النفاق و يستضى نیر
الافاق عن مشرق اسمه الرحمن الرحيم . . . شرحى از
عظمت امر و مخالفت مخالفین بیان و مصائب وارده بر خود
میفرمایند از جمله با بیان لطیفی اشاره به مصائب خود
کرده اند قوله تعالى :

” قل ان ابن مریم صمد الى جبل الامر و غطاء

غمام القدس اذا شهد رشحات الدم على قميصه تحیر فی
نفسه و سئل منه و کان من السافلین فاخبره الغمام
عما یرد على الفلام اذن صاح فی ذاته و انقطع عن الماء

وما فيه وصدق الى مقرّ القدس بين يدي الله ربّه
 و ربّ كلشيئ و ربّ العالمين .
 در ضمن این لوح چون به مخاطب لوح فرموده اند که
 به احبای سلطان آباد (اراك امروز) پیام مبارك را ابلاغ
 کنند این لوح به لوح السلطان و سورة السلطان معروف
 شده است . قوله تعالى :

" انك اذا وردت ارضك مدينة التي سميت باسمي
 السلطان بشرى اهلها من الذين آمنوا بما حرك
 عليهم قلم القدس من اصبع الله ليكونن من المستبشرين "
 در ضمن لوح مبارك نام نفوس را ذکر فرموده اند از قبیل
 ان يا روح الاعظم ذكر في الكتاب . ابا القاسم السدي
 سافر الى الله و مسّته في السبيل شدائد الضربه . . .
 ان يا فرج ان لم تمر على ديارك فارسل هذا اللوح
 لعبادنا المقربين . . . و بعد به جناب حاجی ابراهیم
 ملقب به خلیل شیرازی معروف به مبلغ که او را بنام
 منادی الامر خطاب فرموده اند و در اواخر ساکن یزد
 بوده فرموده اند که بسیار مفصل است و میفرمایند :
 " لانا جعلناك منادی امرنا في هناك . . . بشرى
 نفسك بما سميناك بمنادى الامر . . . "

و پس از شرحی در باره یحیی ازل و سر شهرت او در امر

اشاره به تشریف منادی الامر در بغداد بحضور مبارک
فرموده اند قوله تعالی :

” فہنیثا لك یا منادی الامر بما حضرت بین یدی —
العرش حین الذی اشرقت شمس الافاق عن شطر العراق^ق“
و بعد شرحی در باره شیاطین و ناعقین فرموده اند
و سپس نام حسین را ذکر فرموده و عنایت میفرمایند و
همچنین عده ای از احبای ایران را ذکر فرموده اند و
همچنین ذبیح را مخاطب فرموده اند . . .

از قرائن این لوح در عکا نازل شده زیرا میفرمایند من در
سر زمینی غریب افتاده ام که کسی را به آنجا راه نیست و
چون در عکا که تشریف داشتند در اوائل زائرین اجازه
ورود به شهر و تشریف به حضور مبارک از ناحیه حکومت
و مخالفین داشتند لهذا میتوان گفت که این لوح در عکا
نازل شده . قوله تعالی :

” مخاطبا للذبیح . ان یا عبد فابك علی نفس الله

و وحدته ثم ابتلاؤه و غربته فی هذا الارض التي انقطعت
عن ورودها ارجل القاصدین .

مسلماً مقصود عکا است زیرا ورود به ادرنه ممنوع نبود
و احباب میرفتند و مشرف میشدند بعد خطاباتش به
یحیی ازل و سایر معرضین فرموده اند که مفصل است

و با اظهار عنایت نسبت به جمعی از احبای ديار
 لوح مبارك مخاطبا بمنادى الامر خاتمه ميبابد .

٤٥ - سورة الزياره

به افتخار ورقة الفردوس همشيره باب الباب است بر اى
 زيارت باب الباب و آغازش اينست: " هذه سورة الزياره
 قد نزلت من جبروت الفضل لاسم الله الاول ليزور به
 قانتة الكبرى و الذين هم آمنوا بالله و آياته و كانوا
 من الفائزين . "

هو المميز المقتدر العلى الاعلى هذا كتاب من لسدى
 المظلوم الذى سمى فى ملكوت البقاء بالبهاء و فى جبروت
 الملأ بالعلی الاعلى . . . الخ

اين لوح بسيار مفصل است و در وسط لوح خطاب به
 ورقة الفردوس ميفرمايند " و انك انت يا ورقة الفردوس اذا
 وصل اليك هذا اللوح الدرى الضير قومى عن مقامك
 و خذيه بيد الخضوع ثم استنشقى منه رائحة الله ربك
 و رب العالمين . . . " الخ

۴۶ - لوح جواد

لوح مبارکی است از جمالقدم جل جلاله که این طور شروع میشود قوله تعالی :

" ای جواد سلطان ایجاد میفرماید که سیفالسان را از غلاف بیان به قوت رحمانی بر آور و به قسمی تبلیغ این امر نما که جمیع آفرینش را مجال اعراض ننماید چه که این احباب را در حین تکلم روح القدس تأیید میفرماید. ای جواد صبح منیر از نفس رحمانی نفس کشیده و الصبح اذا تنفس مرة اخرى ظاهر گشته انشاء الله جنهد. بلیغ هذول فرماید که مبادا ظلمت انفس ظلمانی و هیاکل شیطانی به حجبات انفس مشرکه این صبح نورانی را از اعین ناس مستور دارد ای جواد ز ثابی چند در اشواب اغنام ظاهر شده اند باید در کل وقت پناه به خدا بسرد که از خدع و مکر این خادعین که به رب العالمین مکرر نموده اند محفوظ مانیم ای جواد الیوم اگر کل من فی السموات و الارض دعوی ربوبیت نماید و به آیات اولین و آخرین تثنی نماید من دون ذکر اسم ربك الاعلی فی هیکله الاخری علی اسمه الابهی مردود بوده و خواهند بود . . . الخ

۴۷ - سورة البيان

قوله تعالى :

« هذا سورة البيان قد نزلت من جبروت الرحمن الذي آمن بالله و كان من المهتدين في الالواح مكتوبا هو الملى الاعلى في جبروت الابهى ذكر اسم ربك عبده اذ دخل بقعة الفردوس مقر الذي استشرقت عليه انوار الوجه عن مشرق الجمال بايات مبين . . . »

این لوح مبارک به استناد آیه مبارکه مذکوره در عکا نازل شده و سراسر آن مواعظ و نصایح و توجه دادن اهل بیان بحث منیع است و قسمتی از این لوح را حضرت ولی امرالله جل سلطانہ در کتاب گادباسزبای به انگلیسی ترجمه فرموده اند نام مخاطب این لوح در لوح مبارک ذکر نشده ولیکن به او میفرمایند که در ارض تاء این لوح را به جواد بده بخواند ارض تاء تبریز است و جواد قزوینی در اوائل حال مدتی در تبریز بوده است و مورد هجوم اعداء گردیده و از وجوه حقوق الله که نزدش بوده مبلضی به اشرار میدهد و خود را خلاص میکند و بعد ا به ارض اقدس می رود و از طائفین حول بوده و از کاتبین آیات بوده و بعد از صعود مبارک نقض عهد میکند و

بهاالکین می پیوند و بعد به مخاطب لوح میفرمایند
 در ارض الزاء (زنجان) احباء را ملاقات کن و سپس از
 آنکه شرحی در باره یحیی و حکمت شهرت او در امر
 فرموده اند میفرمایند اگر محمد علی را دیدی از طرف ط
 به او بشارت بده . " و از رأیت محمد قبل علی بشره من
 لدنا . . . " بعد میفرمایند " و از وردت ارض البهاء
 من الخاء (شاید مقصود بشرویه است) ذکر من لدنا
 اهلها من القانتین و القانتات . . . " و بعد اشاره به
 نزول لوح البهاء میفرمایند و بعد میفرمایند " ثم اذکر
 اسم الله ص . . . که مقصود اسم الله الاصدق جناب مقتد
 خراسانی است و بعد میفرمایند " ثم توجه الی شطر
 اسمنا الاعظم بلوح الله و اثره ثم ادخل علیه (مقدس
 خراسانی) ببشارة عظیم ثم ذکره بما القی علیه السروح
 من هذا المنظر الکریم ثم اخبره من قصص الغلام لیطلع
 بما ورد علينا فی هذا السجن البمید (عکا) لیکون
 شریکا فی مصائبنا . . . الخ

و در آخر لوح میفرمایند و اذا رأیت اخیک الذی سمی
 فی ملکوت الاسماء باحمد ذکره بذكر الله ربه ثم اذکر له
 ما ورد علينا فی هذه الارض البمید (عکا) . . . الخ
 محل نزول این لوح بدون تردید عکا بوده است ولی

۴۸ — سورة الامين

مقصود از امين که سوره مزبور به اعزاز او نازل شده امين
افندی بگذاری است که شرح حالش را نبیل زرنودی
در مثنوی خود به نظم آورده و در آغاز داستان مزبور
چنین فرموده :

اندر آن شورش یکی ز ابهائیان

کز رخش انوار ابهائی عیان

نام او مانند شخص او امين

بی شبیه و مثل در آن سر زمین

در ادرنه زد شهنشاه قدم

از علو ذکر استملاش دم

اشاره به همین سورة الامين است که به اعزاز امين در
ادرنه نازل شده است .

الی قوله :

چند ماهی چون گذشت از آن بیان

فتنه ی بغداد آمد در عیان

اندر آن فتنه امين بیمار بود

لیک جام عشق او سرشار بود

باری در این فتنه و آشوب امين جانفشانی میکند و استقامت

مینماید و بقول نبیل :

شمع حب الله درهر محفلی

مایل انوار روحشش هر دلسی

مجلس اصحاب و اعراب و عجم

دائم از رویش مزین چون ارم

در فتنه بفدای امین که خود را بهائی معرفی کرده بود

به حبس افتاد و در حبس یازده نفر را تبلیغ کرد که ده

تن مسلمان و یکنفرشان یهودی بودند و حکومت آن جمع

را به اسلامبول فرستاد عاقبت امین افندی از حبس

اسلامبول نجات یافت و ببفدای برگشت و تا آخر عمر

به خدمت امرالله مشغول بود . در لوح مزبور عنایات

بسیار نسبت به او نازل شده است و این لوح مبارک در کتاب

مبین مندرج است .

۴۹ - سورة المرسل

در لوح مبارک معروف به سورة المرسل از قلم مبارک جمال

قدم جل جلاله نازل . . .

قوله تعالی : " . . . قد تجلی الله فی هذا اللوح

باسمه المرسل علی الممكنات لئلا یمنع احد من بدایع

ما كنز في هذا الاسم المبارك البديع انا جعلنا هذا
 اللوح مبدعاً ظهور هذا الاسم في العالمين و منه بعثنا
 الرسل من قبل الذي لا قبل له و ارسلنا هم الى العباد
 امراً من لدنا و انا كنا آمريين و نرسلن به الرسل الى
 آخر الذي لا آخر له بقدرته من لدنا و انا كنا قادرين
 . . . من الرسل من نبعث بالحق و نرسله الى العباد
 كتاب و حجة مبين و منهم من انطقناه بفضل من عندنا
 و الهمناه كلمة الامر من لدنا و انا كنا على كل شئ شفيين
 لمقتدر قدير و منهم من اوحينا اليه برسول من الملائكة
 و منهم من انطقنا الروح في صدره برهوات قدس بديع
 و منهم من اظهرناه بكل ذلك و جعلناه مظهر كل الاسماء
 بين الارض و السماء و ظهرناه عن دنس المشركين و
 ايدينا بالروح الاعظم و جعلناه مظهر نفسا لمن في
 ملكوت الامر و الخلق و قدرنا له خير العالمين كذلك
 فضلنا بعضهم على بعض فضلا من عندي و انا الفضال
 القدير و من دون هؤلاء تجلينا بهذا الاسم على كل من
 في السموات و الارضين و جعلنا هذا الاسم شمساً
 ليستضي من انوارها كل الوجود من الغيب و الشهود
 ولا يعرف ذلك الا الذين هم اوتوا بصر الروح من لدن
 عليم حكيم و لن يمنع احد عن تجلي هذه الشمس الا من

يجعل حجابا بينه وبين انوارها كذلك نلقى على العباد ما يقربهم الى كوثر الصرفان ويستبين سبل الصرفان وكم من رسل تجلى عليهم تجليات هذه الشمس ولكن فسى انفسهم لا يكونن من الشاعرين مثلا ان الذين يذهبون برسائل الملوك الى الاقطار اولئك رسل من عندهم و تجلى عليهم هذا الاسم على شأنهم وعلى قدر تقابلهم هذا الشمس المشرق العزيز البديع و منهم من يحمل رسالات الله فى الواحه ولا يفقه فى نفسه و يكون من الغافلين كما تشهدون ان الذين يسمون عندهم بالچاپار اولئك فى الذهاب و الاياب يحملون آيات الله و كتابه و ينشرونها فى الديار ولكن فى انفسهم يكونن من المحتجبين و كم منهم لو يطلعون بذلك لن يقبلوا فسى انفسهم و لن يحملوها بل يكونن من الجاحدين و اشرق عليهم تجلى هذا الاسم حين غفلتهم عنه كذلك احاط فضل ريك على المالمين . . . و انا الهما الملوك من قبل بان يصينوا عباد هذا الامر ليظهر منهم ما اراد اليه فى تلك الايام من انتشار آثاره كذلك نبين لكم قدره ربكم لتكونن فى قدرته لمن الموقنين . . . الخ

٥٠ - سورة الاعراب

هذه سورة الاعراب قد نزلت من لدن منزل قديم هو المقدس المتعالى الملى الابهى تلك آيات الله قد نزلت بالحق من سماء عز بديع . . . ا
 اين لوح مبارك خطاب به اعراب مؤمنين ساكن بغداد و قرای اطراف آن مانند عواشق و غيره است . قوله تعالى :

" ان يا احباء الله من الاعراب اسمعوا نداء الله من هذه الشجرة التى ارتفعت بالحق . . . "
 در اين لوح شرحى از مصائب وارده بر هيكل مبارك است كه بسيار مؤثر و حزن انگيز است . قوله تعالى :
 " . . . تالله يا اعرابي لو تنظروننى لن تصرفونى و قد ابيض مسك السود (موى هاى مبارك) من تتابع البلايا و ظهرت الف الامر على هيئة الدال (قامت مبارك خم شده) و قد توالى القضايا ثم اصفر هذا الوجه المحمر المنير . . . "

بعد شرحى از مصائب وارده و قيام يحيى ازل به مخالفت و ساير مطالب است .
 اين لوح مبارك در سجن نازل شده و در لوح ميگرمايند .

قوله تعالى :
 " ثم اذكروا ايام^ه لقاى^ي ووصالى ثم هجرى و غربتسى
 و سجنى . . . الخ
 اين لوح مبارك بسيار مفصل و دو قسمت است و هر دو
 خطاب به اعرابى است .

۵۱ - زیارتنامه مریم

مریم دختر عمه جمال قدم جل جلاله و زوجه برادر طلعت
 مبارك است که نامش حاجى ميرزا رضا قلى حکيم بوده است
 شرح موضوع در رحيق مختوم در اين خصوص مسطور است
 و آغاز زیارت نامه مریم که در عکا از قلم مبارك جارى شده
 اين است :

" قد نزل للتى سميت بمریم انها اشتعلت بنار حجب
 ربها قبل ان تصبها و انا سترنا شأنها فى حياتها فلما
 ارتفعت الى الرفيق الاعلى كشف الله الحجاب و عرفها
 عباده و من اراد ان يزور الطاء الكبرى التى استشهدت
 من قبل فليزرها بهذه الزيارة بسم الله العلى الاعلى
 ان يا قلم الاعلى ما اخذك السرور فى ايام ربك العلى
 الاعلى . . . "

این لوح در عکا نازل شده و مقصود از طاء کبری حضرت
طاهره است و این زیارتنامه مال مریم و حضرت طاهره
است .

۵۲ - زیارتنامه بیت

در لوح شیخ محمد عرب دمرچی که در صفحه ۲۲۶ کتاب
مبین طبع سنگی بمبئی مندرج است زیارت نامه بیت مبارک
بغداد موجود است " یا محمد اذا خرجت من ساحة
المرش فاقصد زیارة البیت . . . "

و در صفحه ۳۲۲ مجموعه موسوم به اقتدارات مناجاتی از
لسان بیت مبارک نازل شده . . . یا طیب تسمع حنین
البیت . . .

و در صفحه ۲۰۹ کتاب مبین طبع مزبور نیز خطاب به
مهدی در باره بیت نازل شده است .

۵۳ - زیارتنامه

حضرت ولی امرالله جل ثنائه در گاد پاسزبای فرموده اند
که هیکل مبارک مرکز میثاق نبیل زرنندی رامأمور فرمودند که

زیارتنامه جمال قدم اسم اعظم را از الواح مبارکه استخراج کند نبیل همین زیارتنامه را که امروز معمول است مرتب ساخت از اول تا جمله علی کل شیئی حفیظ را از لوح مرحوم آقا بابا استخراج کرد و از جمله علیک یا جمال الله تا الغفور الرحیم از لوح یکی از احباء که در صورت آن در کتاب مبین طبع بمبئی سنگی صفحه ۳۲۷ مندرج است استخراج نمود و بقیه را هم از لوحی که از قلم جمال قدم جل جلاله به اعزاز حضرت حرم محترمه نقطه اولی جل زکرة سرکار خدیجه بیگم نازل شده بود استخراج کرد و امروز همان زیارتنامه که نبیل زرنودی جمع آوری کرده زیارتنامه جمال قدم و حضرت نقطه اولی جل جلالهما میباشد .

۵۴ - لوح رضوان المعدل

قوله تعالی :

" بسم الله العادل الحکیم هذا لوح فيه بعث الله اسمه العادل و نفخ فيه روح المعدل فو هياكل الخلائق اجمعين . . . "

پس از بیان مفصلی خطاب به ساکنین ارض و مرضیین

بیان و اشاره به یحیی و اعراف او و ذکر مراتب عدل میفرمایند " قل انه لمیزان العدل بین السموات والارضین و انه لو یأتی بامر یفزع من فی السموات والارض انه لعدل مبین و ان فزع الخلق لم یکن الا کفزع الرضیع من الفطام لو انتم الناظرین . . . "

بعضی از قسمت های این لوح را حضرت ولسی امرالله جل سلطانہ در لوح گلی نینگز برای احبای غرب به انگلیسی ترجمه فرموده اند و از جمله این آیه است :
 " ان ارتقبوا یا قوم ایام العدل و انها قد اتت بالحق ایاکم ان تحتجبوا منها و یكونن من الفافلین . "

این لوح مبارک به اعزاز آقا سید محمد رضا شهیرزادی بقیة السیف نازل شده و در آن میفرمایند :

" ان یا قلم الاعلی فابتعث عبد الذی سُمی بالرضا بمد نبیل من مظاهر العدل فی ملکوت الانشاء . . . "

و در آخر لوح میفرمایند انا خلقنا رضوان العدل بقوة من عندنا و قدرة من لدنا و ارسلناه الیک (سید

محمد رضا) بفواکه عز بدیع . . . "

در آخر این لوح نیز اشاره به شهادت شهدائی که در همان ایام به آن فیض رسیده اند فرموده اند و خبر از انقلاب آن ارض داده اند . قوله تعالی :

” و الذین هم استشهدوا فی سبیل اللہ فی ہذہ الایام
اولئک من اعلی الخلق . . . ”
و محتمل است کہ لوح در اوائل ورود بہ عکا نازل شدہ
و مقصود از شہدای آن ایام جناب بدیع و سید اشرف
زنجانی و ابا بصیر زنجانی و جناب میرزا محمد علی
طیب زنجانی باشند زیرا شہادت شہدا مزبور
در سال ۱۲۸۶ هـ قی بوده کہ سال اول ورود حـق
تعالی بہ عکا است .

۵۵ — تفسیر سوره الشمس

این لوح مبارک کہ در اول مجموعہ الواح حضرت بہاء اللہ
جل جلالہ بہ طبع رسیدہ در عکا در جواب سؤا ل مفتی
عکا شیخ محمود نازل شدہ مشار الیہ بہ امر مبارک موء من
شد و احادیث وارده از حضرت رسول صی را در فضیلت
عکا و ارض اقدس در رسالہء جمع کرد و شرح آن در گار
پاسزبای مسطور است .

۵۶ — الواح لیلۃ القدس

از قلم مبارک در عکا نازل شدہ کہ در اویش در آن لیلہ

جشن بگیرند و آن الواح را بخوانند ولی بعد از جشن
 لیلۃ القدس موقوف ماند زیرا درویشی در امر مبارک
 مذموم و همه احبای الهی موفق به عرفان مظهر امرالله
 و از درویشی متعارفی و معمولی بیزازو برکنار هستند
 صورت لوح لیلۃ القدس در کتاب تسبیح و تهلیل مندرج
 است .

۵۷ - اصل کل الخیر

از الواح بسیار معروف است و به انگلیسی هم ترجمه
 شده است و مکرر به طبع رسیده است .

۵۸ - قد نزلنا فی کتابی الاقدس

یا اهل المجالس فی البلدان ان اختاروا لغة من اللغات
 لیتکم بها من علی الارض و كذلك من الخطوط ان الله
 یبین لکم ما ینفعکم و یفنیکم عن دونکم انه لهو العلیم
 الخبیر .

این امر مبرم از جبروت قدم از برای اهل عالم عموماً و اهل
 مجالس خصوصاً نازل شده چه که اجرای او امر و احکام

و حدودات منزله در کتاب به رجال بیوت عدلیه الهیه تفویض شده و این حکم سبب اعظم است از برای اتحاد و علت کبری است از برای مخالطه و و داد من فسی البلاد . ملاحظه میشود اکثری از امم از تشمت لفاة اهل عالم از مخالطه و معاشرت و کسب معارف و حکمت یکدیگر محروم اند لذا محض فضل و جود کل مأمور شده اند به اینکه لغتی از لغات را اختیار نمایند چه جدید اختراع کنند و چه از لغات موجوده ارض و کل بآن متکلم شوند در این صورت جمیع ارض مدینه واحده ملاحظه میشود زیرا که کل از لسان یکدیگر مطلع میشوند و مقصود یکدیگر را ادراک مینمایند اینست سبب ارتقاء عالم و ارتفاع آن و اگر نفس از وطن خود هجرت نماید و به هر یک از مدن وارد شود مثل آن است که در محل خود وارد شده تمسکوا به یا اهل المجالس و الممدن اگر نفس فی الجمله تفکر کند ادراک مینماید که آنچه از سماء مشیت الهیه نازل شده محض فضل بوده و خیر آن بکل راجع است و لکن بعضی از عباد از ثدی غفلت و جهل میآشامند بشأنی که آنچه خیر است و رجحان آن عقلا و نقلا ظاهر و مشهود است از آن تجاوز مینمایند و به مزخرفات نفوس غافله از حکمت الهیه که سبب و علت ترقی

عالم و ارتفاع اهل آن است چشم پوشیده و میپوشند
 الا انهم فی خسران مبین هر طائفه بلسان خود تکلم
 مینماید مثل ترك به ترکی و اهل ایران به پارسی و عرب
 به عربی و اهل اروپا به السنه^۴ مختلفه خود و این السن
 مختلفه مابین احزاب متداول است و مخصوص است بسن
 طرایف مذکوره و یک لسان دیگر امر شده که اهل عالم
 عموماً به آن تکلم نمایند تا کل از لسان یکدیگر مطلع
 شوند و سراد خود را بیابند اوست باب محبت و وداد
 و الفت و اتحاد و اوست ترجمان اعظم و مفتاح کنز
 قدم چه مقدار از نفوس مشاهده شده که تمام اوقات
 را در تعلیم السن مختلفه صرف نموده بسیار حیف است
 که انسان عمری را که از اعز اشیا^۵ عالم است صرف اینگونه
 امور نماید و مقصودشان از این زحمات آنکه لسان مختلفه
 را بدانند تا مقصود طوایف و ما عندهم را ادراک نمایند
 حال اگر بآنچه امر شده عامل شوند کل را کفایت مینما^۶
 و از این زحمات لاتحصی فارغ میشوند و آنچه لدی —
 المرش محبوب آن است که جمیع بلغت عربی تکلم
 نمایند چه که ابسط از کل لغات است اگر کسی ببسط
 و وسعت این لغت فصیحی مطلع شود البته آنرا اختیار
 نماید لسان پارسی بسیار ملیح است و لسان الله در این

ظهور به لسان عربی و فارسی هر دو و تکلم نموده و لکن
 بسط عربی را نداشته و ندارد بلکه جمیع لغات از نسبت
 باو محدود بوده و خواهد بود و این مقام افضل است
 که ذکر شد و لکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل
 ارض اختیار نمایند و عموم خلق به آن تکلم کنند هذا ما
 حکم به الله و هذا ما ینفع به الناس لوهم یصرفون وهم
 چنین سوای خطوط مخصوصه طوایف مختلفه یک خط
 اختیار نمایند و خلق عموماً به تحریر آن مشغول شوند
 تا جمیع خطوط خط واحد و جمیع السن لسان واحد
 مشاهده شود و این دو سبب اتحاد قلوب و نفوس
 اهل عالم گردد یعلمکن ما هو خیر لکم تمسکوا به انه لهو
 الواعظ الناصح الصبین المدبر المشفق العلیم الحکیم
 و بالاخره جمیع لسان و خطوط بواحد منتهی گردد و قطعات
 مختلفه ارض یک قطعه مشاهده شود الا تری فیها
 عوجا ولا امنا .

۵۹ - لوح مقصود

این لوح مبارک در عکا به سال ۱۲۹۹ هـ ق روز نهم صفر
 بشرحی که در نفس لوح مسطور است به اعزاز میرزا مقصود

که در آن ایام در شام و قدس بسر میبرده نازل شده است این لوح در جواب دو نامه میرزا مقصود است که دومی را از قدس تقدیم کرده و اشعاری هم در مدیحه مظهر امرالله تقدیم کرده که در نفس لوح مذکور است قسمت اول این لوح حاوی مطالب مهمه و شامل تعالیم و اصول سامیه امر اعظم است و حضرت ولی امرالله در گلی نینگ بسیاری از مندرجات آن را برای احبای غرب به انگلیسی ترجمه فرموده اند و چون گلی نینگ دردسترس عموم است لهذا در این مقاله از ذکر خلاصه مندرجات این لوح صرفنظر میشود و طالبین باید به گلی نینگ مراجعه فرمایند .

چنانچه در مقدمه ذکر شد احصای الواح مبارکه جمالقدم از طاقت و توان خارج است و برای احتراز از اطناب بهمین مقدار در این مقاله اکتفا نمودیم .

والسلام علی من اتبع الهدی

طهران - اشراق خاوری

تابستان ۱۳۴۴

فهرست مندرجات
کتاب گنج شایگان

صفحه

- مقدمه ۳
- الف - آثار نازله در طهران ۷
-
- ب - الواح نازله در بخداد " مدينة الله " قبل
از هجرت سلیمانیه ۷
-
- ۱ - لوح کل الطعام ۸
- ج - آثار و الواح نازله در سلیمانیه ۱۰
-
- ۱ - قصیده عز و رقائیه ۱۰
- د - الواح نازله در بخداد بعد از مراجعت از
سلیمانیه ۱۳
-
- ۱ - کتاب ایقان ۱۴
- ۲ - کلمات مکنونه (عربی و فارسی) ۱۶
- ۳ - هفت وادی ۱۷
- ۴ - چهار وادی ۱۸
- ۵ - لوح ملاح القدس ۱۹
- ۶ - لوح حوریه ۲۰

صفحة

- ٢١ - ٧ - تفسير حروف مقطعه
- ٢٢ - ٨ - لوح مدينة التوحيد
- ٢٤ - ٩ - صحيفه شطيه
- ٢٥ - ١٠ - مصيبت حروفات عالين
- ٢٧ - ١١ - جواهر الاسرار
- ٣١ - ١٢ - لوح شكر سكن
- ٣٢ - ١٣ - لوح غلام الخلد
- ٣٣ - ١٤ - لوح هله هله . .
- ٣٦ - ١٥ - مدينة الرضاء
- ٣٦ - ١٦ - لوح فتنه
- ٣٧ - ١٧ - لوح حق
- ٤٠ - ١٨ - لوح البهاء
- ٤٢ - ١٩ - لوح بلبل الفراق
- ٤٥ - ٢٠ - لوح آيه نور
- ٤٩ - ٢١ - سورة القميص
- ٥١ - ٢٢ - سورة القدير
- ٥٥ - ٢٣ - سورة الصبر
- ٥٩ - ٢٤ - سورة الذكر
- ٦٠ - ٢٥ - سورة الله
- ٦١ - ٢٦ - لوح سبحان ربي الاعلى - حرف البقاء

صفحه

- ۲۷ - ساقی از غیب بقا ۶۵
 ۲۸ - زیارتنامه اولیاء ۶۵
 ۲۹ - باز آ و بده جنای ۶۵
 ۳۰ - لوح مبارك از باغ الهی ۶۶
 ه - آیاتی که در بین راه از بخداد تا اسلامبول

نازل شده است

- ۱ - لوح هودج ۶۷
 و - الواح نازلہ در اسلامبول ۶۶
 ۱ - لوح عبدالعزیز و وکلاء ۶۹
 ۲ - لوح سبحانک یا هو ۷۱
 ۳ - مثنوی ۷۱
 ز - الواح ادرنه ۷۳

قسمت اول - بعضی الواحی که قبل از

فصل اکبر از قلم الهی نازل شده (۱۲۸۱ -

۱۲۸۰ هـ ق مطابق ۱۸۶۴-۱۸۶۳ میلادی) ۷۳

- ۱ - سورة الامر ۷۳
 ۲ - لوح احمد " عربی " ۷۴
 ۳ - لوح حبیب ۷۵

صفحه

٧٩	٤ - لوح سياح
٨١	٥ - سورة الدم
٨٢	٦ - سورة الحج
٨٥	٧ - لوح الروح
	٨ - قسمت دوم - الواحی که پس از حصول فصل اکبر در ادرنه نازل شده (١٢٨٥ - ١٢٨٢ هـ ق مطابق ١٨٦٤ میلادی)
٩٠	<u>بعضی از آن الواح ذکر میشود :</u>
٩٠	٨ - سورة طلوك
٩٧	٩ - كتاب بدیع
٩٧	١٠ - لوح اول ناپلئون سوم
١٠٢	١١ - لوح سلطان ایران
١٠٧	١٢ - سورة غصن
١٠٩	١٣ - سورة رئیس
١١٢	١٤ - سورة العباد
١١٣	١٥ - سورة الذبح
١١٤	١٦ - سورة الاحزان
١١٥	١٧ - رضوان الاثرار
١١٨	<u>ج - الواح نازله در عکا</u>

قسمت اول - الواح نازلہ درعکا - الواح

۱۱۹ ملوک و مشامیر جہان

۱۲۰ ۱ - لوح ملک روس

۱۲۱ ۲ - لوح ثانی رئیس

۱۲۴ ۳ - لوح پاپ

۱۳۰ ۴ - لوح ملکہ و بکتوریا

۱۳۱ ۵ - سورہ ہیکل

قسمت دوم - الواح نازلہ درعکا - شامل

حدود و احکام

۱۳۲ ۶ - کتاب اقدس

۱۳۶ ۷ - الواح صہبہ دیگر - لوح حکمت

۱۴۴ ۸ - زیارت نامہ سید الشہداء

۱۴۵ ۹ - رسالہ سوءال و جواب

۱۴۵ ۱۰ - لوح بردمان

۱۴۷ ۱۱ - لوح کرمل

۱۴۸ ۱۲ - لوح شیخ محمد تقی اصفہانی مشہور آقا نقی

۱۴۹ ۱۳ - لوح روایا

۱۵۰ ۱۴ - کتاب عہدی

۱۵۳ قسمت سوم از الواح نازلہ درعکا :

صفحه

١٥٤	١ - لوح اشراقات
١٥٦	٢ - لوح بشارات
١٥٨	٣ - لوح مبارك طرازات
١٥٩	٤ - لوح مبارك تجليات
١٦١	٥ - لوح كلمات فردوسيه
١٦٤	٦ - لوح اقدس
١٦٨	٧ - لوح دنيا
١٧١	٨ - لوح يوسف
١٧٢	٩ - لوح هفت پرشش
١٧٢	١٠ - لوح دهرتيك
١٧٣	١١ - لوح نصير
١٧٤	١٢ - لوح مولود
١٧٤	١٣ - لوح مریم
١٧٤	١٤ - لوح مانكهي
١٧٥	١٥ - لوح كريم
١٧٦	١٦ - لوح شناع
١٧٦	١٧ - لوح عبدالوهاب
١٧٦	١٨ - لوح عاشق و محشوق
١٧٧	١٩ - لوح طب
١٧٧	٢٠ - لوح شينغ فاني

صفحه

١٧٦	٢١ - لوح اول ولوح دوم سلمان
١٧٦	٢٢ - لوح السحاب
١٨٠	٢٣ - لوح زين المقربين
١٨٠	٢٤ - لوح رسول
١٨٣	٢٥ - لوح حسين
١٨٣	٢٦ - لوح جمال
١٨٤	٢٧ - لوح توحيد
١٨٤	٢٨ - لوح پسر عم
١٨٥	٢٩ - لوح البقاء
١٨٥	٣٠ - لوح بسيط الحقيقته
١٨٥	٣١ - لوح بسمله
١٨٦	٣٢ - لوح انت الكافي
١٨٦	٣٣ - لوح امواج
١٨٦	٣٤ - لوح اشرف
١٨٧	٣٥ - لوح الاحباب
١٨٧	٣٦ - لوح اتحاد
١٨٨	٣٧ - لوح كتاب الصدق
١٨٨	٣٨ - لوح قد اعترق المخلصون
١٨٨	٣٩ - سورة الهجر
١٩٠	٤٠ - سورة وفا

صفحة

١٩١	٤١ - لوح نداء
١٩٢	٤٢ - سورة القلم
١٩٢	٤٣ - سورة فوآر
١٩٣	٤٤ - سورة السلطان
١٩٦	٤٥ - سورة الزياره
١٩٧	٤٦ - لوح بنواد
١٩٨	٤٧ - سورة البيان
٢٠٠	٤٨ - سورة الامين
٢٠١	٤٩ - سورة المرسل
٢٠٤	٥٠ - سورة الاعراب
٢٠٥	٥١ - زيارت نامه مريم
٢٠٦	٥٢ - زيارت نامه بيت
٢٠٦	٥٣ - زيارت نامه
٢٠٧	٥٤ - لوح رضوان العدل
٢٠٩	٥٥ - تفسير سورة الشمس
٢٠٩	٥٦ - الواح ليلة القدس
٢١٠	٥٧ - اصل كل الخير
٢١٠	٥٨ - قد نزلنا في كتابي الاقدس
٢١٣	٥٩ - لوح مقصود

فہرست کتاب گنج شایگان

(بترتیب حروف تہجی)

<u>صفحہ</u>	<u>ردیف (الف)</u>
۴۵	۱ - آیہ نور (لون)
۱۸۷	۲ - اتحاد (لوح)
۱۸۷	۳ - احباب (لوح)
۷۴	۴ - احمد (لون عربی)
۶۶	۵ - از باغ الہی (لون)
۱۵۴	۶ - اشراقات (لون)
۱۸۶	۷ - اشرف (لون)
۲۱۰	۸ - اصل کل الخیر
۱۳۳	۹ - اقدس (کتاب)
۱۶۴	۱۰ - اقدس (لوح)
۱۸۶	۱۱ - امواج (لون)
۱۸۶	۱۲ - انت الکافی (لون)
۱۳	۱۳ - ایقان (کتاب)
	<u>ردیف (ب)</u>
۶۵	۱۴ - باز آ و بدہ جامی
۹۷	۱۵ - بدیع (کتاب)
۱۴۵	۱۶ - برہان (لوح)

صفحہ

- ۱۸۵ — ۱۷ — بسطہ (لوح)
- ۱۸۵ — ۱۸ — بسط الحقیقہ (لوح)
- ۱۵۶ — ۱۹ — بشارات (لوح)
- ۱۸۵ — ۲۰ — بقاء (لوح)
- ۴۲ — ۲۱ — بلبل فراق (لوح)
- ۴۰ — ۲۲ — بہاء (لوح)
- ردیف (پ)
- ۱۲۴ — ۲۳ — پاپ (لوح)
- ۱۸۴ — ۲۴ — پسر عم (لوح)
- ردیف (ت)
- ۱۵۹ — ۲۵ — تجلیات (لوح)
- ۲۱ — ۲۶ — تفسیر حروف مقطعہ
- ۱۸۴ — ۲۷ — توحید (لوح)
- ردیف (ج)
- ۱۸۳ — ۲۸ — جمال (لوح)
- ۱۹۷ — ۲۹ — جواد (لوح)
- ۲۷ — ۳۰ — جواہر الاسرار (لوح)
- ردیف (چ)

۱۸	۳۱ - چهاروازی <u>ردیف (ح)</u>
۷۵	۳۲ - حبیب (لوح)
۱۸۳	۳۳ - حسین (لوح)
۳۷	۳۴ - حق (لوح)
۱۳۹	۳۵ - حکمت (لوح)
۲۰	۳۶ - حوریه (لوح) <u>ردیف (د)</u>
۱۶۸	۳۷ - دنیا (لوح) <u>ردیف (ر)</u>
۱۲۱	۳۸ - رئیس (لوح)
۱۸۰	۳۹ - رسول (لوح)
۲۰۷	۴۰ - رضوان المدل (لوح)
۱۱۵	۴۱ - رضوان الاقرار (لوح)
۸۵	۴۲ - روح (لوح)
۱۴۹	۴۳ - روایا (لوح) <u>ردیف (ز)</u>
۲۰۶	۴۴ - زیارتنامه

صفحه

۶۵	۴۵ - زیارتنامه اولیا
۲۰۶	۴۶ - زیارتنامه بیت
۱۴۴	۴۷ - زیارتنامه سید الشهداء
۲۰۵	۴۸ - زیارتنامه مریم
۱۸۰	۴۹ - زین المقربین (لوح)

ردیف (س)

۶۵	۵۰ - ساقی از غیب بقا
۶۱	۵۱ - سبحان ربی الاعلی (لوح)
۷۱	۵۲ - سبحانک یا هو (لوح)
۱۷۹	۵۳ - سبحان (لوح)
۱۰۲	۵۴ - سلطان ایران (لوح)
۱۷۹	۵۵ - سلمان (لوح اول و ثانوی)
۱۴۵	۵۶ - سوآل و جواب (رساله)
۶۰	۵۷ - سورة الله
۱۱۴	۵۸ - سورة الاحزان
۲۰۴	۵۹ - سورة الاعراب
۷۳	۶۰ - سورة الامر
۲۰۰	۶۱ - سورة الامین
۱۹۸	۶۲ - سورة البیان

صفحة

٨٢	٦٣ - سورة الحج
٨١	٦٤ - سورة الدم
١١٣	٦٥ - سورة الذبح
٥٩	٦٦ - سورة الذكر
١٠٩	٦٧ - سورة رئيس
١٩٦	٦٨ - سورة الزياره
١٦٣	٦٩ - سورة السلطان
٥٥	٧٠ - سورة الصبر
١١٢	٧١ - سورة الصبار
١٠٧	٧٢ - سورة غصن
١٩٢	٧٣ - سورة فؤاد
٥١	٧٤ - سورة القدير
١٩٢	٧٥ - سورة القلم
٤٩	٧٦ - سورة القميص
٢٠١	٧٧ - سورة المرسل
٩٠	٧٨ - سورة الطوك
٢٠٩	٧٩ - سورة والشمس (تفسير)
١٤٠	٨٠ - سورة وفا
١٨٨	٨١ - سورة الهجر
١٣١	٨٢ - سورة هيكل

صفحه

- ٧٩ ٨٣ - سياح (لوح)
ردیف (ش)
- ٣١ ٨٤ - شکر شکن (لوح)
- ١٧٧ ٨٥ - شیخ فانی (لوح)
- ١٤٨ ٨٦ - شیخ نجفی (لوح)
ردیف (ص)
- ٢٤ ٨٧ - صحیفه شطیه
٨٨ ردیف (ط)
- ١٧٧ ٨٨ - طب (لوح)
- ١٥٨ ٨٩ - طرازات (لوح)
ردیف (ع)
- ١٧٦ ٩٠ - عاشق و معشوق (لوح)
- ٦٩ ٩١ - عبدالمعز و وکلاء
- ١٧٦ ٩٢ - عبد الوهاب (لوح)
ردیف (غ)
- ٣٢ ٩٣ - غلام الخلد (لوح)
ردیف (ف)

- ٣٦ ٩٤ - فتنه (لوح)
ردیف (ق)
- ١٨٨ ٩٥ - قد احترق المخلصون
 ٢١٠ ٩٦ - قد نزلنا في كتابي الاقدس
 ١٠ ٩٧ - قصيده عز ورقائيه
 ١٧٦ ٩٨ - قناع (لى)
ردیف (ك)
- ١٨٨ ٩٩ - كتاب الصدق (لوح)
 ١٥٠ ١٠٠ - كتاب عهدى
 ١٤٧ ١٠١ - كرمل (لوح)
 ١٧٥ ١٠٢ - كريم (لوح)
 ٨ ١٠٣ - كل الداعام (لوح)
 ١٦١ ١٠٤ - كلمات فردوسيه
 ١٦ ١٠٥ - كلمات مكنونه (فارسى و عربى)
ردیف (ل)
- ٢٠١ ١٠٦ - ليلة القدس (الواح)
ردیف (م)
- ١٧٤ ١٠٧ - مانگجى (لوح)
 ٧١ ١٠٨ - مشنوى
 ٢٢ ١٠٩ - مدينة التوحيد (لوح)

صفحة

٣٦	١١٠ - مدينة الرضا
١٧٤	١١١ - مريم (لوح)
٢٥	١١٢ - مصيبت حروفات عالين
٢١٣	١١٣ - مقصود (لوح)
١٩	١١٤ - ملاح القدس (لوح)
١٢٠	١١٥ - ملك روس (لوح)
١٣١	١١٦ - ملكه ويكتوريا (لوح)
١٧٤	١١٧ - مرلود (لوح)

رديف (ن)

٩٧	١١٨ - ناپلئون سوم (لى اول)
١٩١	١١٩ - ندا (لوح)
١٧٣	١٢٠ - نصير (لى)

رديف (هـ)

١٧٢	١٢١ - هرتيك (لوح)
١٧٢	١٢٢ - هفت پرسش (لى)
١٧	١٢٣ - هفت وادى
٣٣	١٢٤ - هله هله . . . (لوح)
٦٧	١٢٥ - هودج (لوح)

رديف (ى)

١٧١	١٢٦ - يوسف (لوح)
-----	--------------------